تاریخ
شرق باستان

فئودور . پ . کوروفکین

غلامحسین متین

تاریخ

شرق باستان

ف. ب. کوروفکین

ترجمه

غلامحسین متین

انتشارات محور

۱۳۷۹

کاروفیکن، فئودور پتروویچ
Krovokin, Fedor petrovich
تاریخ شرق باستان / فئودور پیتروویچ کوروفکین؛ ترجمه غلامحسین‌متین.- تهران: محور ، ۱۳۷۸.
[۱۶۷] ص.: مصور، نقشه، جدول.
ISBN 964- 67796- 05- 2 :
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا
۱. تاریخ باستان. ۲. تاریخ باستان -- پرسشها و پاسخها. الف. متین، غلامحسین، ۱۳۱۸ - ۱۳۷۵، مترجم. ب. عنوان.
۲ت۲ک/CB ۲۵۳ ۹۳۰
1378
کتابخانه ملی ایران ۷۸-۲۰۴۲۷م

انتشارات محور
تهران صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۴۳۸ تلفن ۶۴۹۹۲۵۱

تاریخ شرق باستان
فئودرو. پ. کوروفکین
غلامحسین‌متین
چاپ اول ۱۳۷۹
تیراژ ۳۰۰۰
چاپخانه سپیده‌احرار
شابک: ۲ - ۰۵ - ۶۷۹۶ - ۹۶۴

فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه
پیشگفتار ۷

زندگی انسان‌های نخستین

فصل اول. نظام جماعتی نخستین ۱۷

بند ۱ـ گله‌های ابتدایی گردآورندگان و شکارچیان
بند ۲ـ جماعت‌های خانوادگی ـ شکارچیان و ماهیگیران ۲۴
بند ۳ـ دامداری و کشاورزی نخستین ۲۳
بند ۴ـ پیدایش مذهب در بین ـ انسانهای نخستین ۴۰
بند ۵ـ شمارش سال در تاریخ ۴۸

شرق (خاور) باستان

فصل دوم. مصر باستان

بند ۶ـ طبیعت و مردم دیرین مصر ۵۷
بند ۷ـ آغاز کشف فلزات و پیشرفت کشاورزی ۶۳

بند ۸ـ تشکیل طبقات و دولت مصر ۶۹
بند ۹ـ دولت مصر باستان ۷۶
بند ۱۰ـ عقاید مذهبی مصریان باستان ۸۵
بند ۱۱ـ مذهب و هنر در خدمت برده‌داران ۹۴
بند ۱۲ـ وضع زحمت‌کشان در مصر باستان و مبارزه‌ی آنها با ستمگران ۱۰۳
بند ۱۳ـ پیدایش علم و خط در مصر باستان ۱۱۰
بند ۱۴ـ قدرت دولت مصر باستان در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد و سقوط ۱۱۹

فصل سوم. «میاندورود» (بین‌النهرین) در زمان باستان

بند ۱۵ـ تشکیل اولین دولت در میاندورود ۱۲۸
بند ۱۶ـ پادشاهی بابل ۱۳۵
بند ۱۷ـ دانش علمی و هنر در میاندورود باستان ۱۴۱

فصل چهارم. هند باستان

بند ۱۸ـ تشکیل طبقه‌ها و دولت در هند ۱۵۰
بند ۱۹ـ اعتقادات مذهبی و فرهنگ هندیان باستان ۱۵۸

فصل پنجم. چین باستان

بند ۲۰ـ برقرار شدن برده‌داری در چین ۱۷۰
بند ۲۱ـ متحد شدن چین در زیر فرمان یک دولت ۱۷۷
بند ۲۲ـ قیام‌های مردم در چین ۱۸۴
بند ۲۳ـ فرهنگ چین باستان ۱۹۵
نتیجه بخش شرق باستان ۲۰۵
سخنی از مترجم ۲۰۹

پیشگفتار

چون مقداری از مطالب این پیشگفتار
برای خوانندگان ایرانی زاید بوده،
بدینجهت خلاصه شد.

مترجم.

۱ـ تاریخ چیست ؟

تاریخ کشورهای جهان از صدهاهزار سال پیش آغاز شده . در زمانهای دورنه شهری روی زمین بود ، نه دهکده‌ای و نه کشتزاری . گروههای کوچك انسانهای باستانی،درمیان بیشه‌ها و بوته‌زارها پراکنده بودند و بجز چوب و سنگی که در دستشان بود چیز دیگری نداشتند، نه لباسی و نه مسکنی(به تصویر رنگی شمارهٔ ۳ نگاه کنید) .

تاریخ به ما می‌گوید که انسانها کی ودر کجامی‌زیسته‌اند،چگونه کارآنها صورت زمین را دگرگون کرده ، چرا زندگی آنها پی درپی

تغییر کرده ، ایـن تغییر چگونه انجام گرفته و بالاخره انسانی کـه اکنون می‌بینیم چگونه بدین صورت درآمده .

در تاریخ خیالبافی راه ندارد . تاریخ علم است. تاریخ درباره‌ی چیزهایی گفتگو می‌کند که دانشمندان از زندگی مـردم گذشته و حـال فهمیده‌اند .

تاریخ تمام مردم جهان اززمان باستان تاکنون را «تاریخ عمومی» یا «تاریخ جهان »می‌گویند .

در این کتاب شما بخش اول «تاریخ جهان » یعنی «تاریخ جهان باستان» یا «تاریخ دنیای قدیم» را خواهید خواند .

۲ ــ تاریخ جهان باستان از چه چیزهایی گفتگو می‌کند ؟

تاریخ جهان باستان از بسیاری چیزهای جالب سخن می‌گوید .

انسان‌های باستانی باکار پرزحمت خود دشت‌ها را کشت می‌کردند، جاده می‌ساختند و شهر بنا می‌کردند .

مردم باستان اختراع‌ها و کشف‌های مهمی کرده‌اند . بسیاری از این اختراع‌هـا هنوز هم‌مـورد استفاده است . مثلاً کتاب از دسترنج خلق‌های گوناگون درست‌شده، کاغذ را چینی‌ها اختراع کرده‌اند، حروفی را که بیشتر مردم دنیا باآن می‌نویسند یونانیان باستان درست کرده‌اند،

ارقام دهگانه(۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹) اختراع‌هندی‌هاست و بالاخره جلدکردن کتاب ابتدا در ایتالیا انجام‌گرفته .

تاریخ باستان حکایت می‌کند که ثروتمندان چقدر بیرحمانه به زحمتکشان‌ستم کرده‌اندوزحمتکشان چه‌دلیرانه باستمگران جنگیده‌اند.

تاریخ درباره‌ی رهبران مردم ، سرکردگان برجسته‌ی نظامی و دانشمندان نامدار ، درباره‌ی افسانه‌های کهن ودرباره‌ی بسیاری‌چیزهای دیگر سخن می‌گوید .

اما چگونه می‌توان از زندگی انسان‌های هزاران ، ده هزاران و صدهزاران سال پیش با خبر شد ؟

۴ــ یادگارهای مادی چیست[۱] ؟

انسان‌های باستانی ازخودیادگارهای مادی‌ای به جای نهاده‌اند. این‌یادگارهااشیائی است که‌آنها ساخته و ازآن استفاده کرده‌اند . بخشی از این اشیاء هنوز هم باقی‌مانده . البته پیداکردن این یادگارهاکار آسانی نیست .

حتماً توجه کرده‌اید که اگر چیزی را دوسه روزگردگیری نکنیم، لایه‌ی نازکی ازگرد و خاك‌آن را می‌پوشاند . اما اگر همان چیز را

---

[۱] یادگارهای مادی، یعنی اسباب و ابزاری که از انسان‌های گذشته به‌جای مانده‌ـ مترجم.

هزارها سال تمیز نکنیم لایه‌هایی از خاك و شن به کلفتی چند متر روی آن را می‌گیرد . بدینجهت است که اشیای ساخته‌ی انسانهای باستانی بیشتر در دل زمین هستند . انسانهای باستانی با مرده‌های خود اشیای زیادی در گور می‌گذاشتند .

دانشمندان جاهایی را کشف کرده‌اند که محل زیست یا گور انسانهای باستانی بوده و بهمین جهت آنجاها را کنده‌اند . دانشمندان از روی اشیایی که پیدا می‌کنند معلوم می‌نمایند که انسانهای باستانی چگونه زندگی می‌کرده‌اند، به چه کاری می‌پرداخته‌اند و چه کارهایی را می‌توانسته‌اند انجام دهند. دانشمندان از مقایسه‌ی اشیای خیلی قدیمی با اشیای بعدی می‌فهمند که زندگی انسانهای باستانی چگونه با گذشت زمان تغییر کرده. اشیای ساخته‌ی انسانهای نخستین «یادگارهای مادی» نامیده می‌شود .

تصویر ۱ـ زمین‌کنی باستانشناسی

باستان شناسان دارند یک گور باستانی را می‌کنند و خاک‌ها را از روی یک جسد دفن شده برمی‌دارند. آنها دارند با چاقو و قلم‌مو استخوان‌ها و اشیایی راکه در گور یافته‌اند تمیز می‌کنند و کار باستان‌شناسی دقت، مهارت و دانش زیادی می‌خواهد فقط کسانی می‌توانند این کار را بکنند که آموزش مخصوص دیده باشند و اجازه‌ی زمین‌کنی نیز گرفته باشند.

علمی که زندگی‌مردم را از روی «یادگارهای مادی» آن بررسی می‌کند ، باستان شناسی‌نامیده میشود . باستان شناسی را«علم عتیقه‌ها» هم می‌گویند . دانشمندانی که زمین را می‌کنند و آثار مادی بیرون‌آمده را بررسی می‌کنند ، باستان‌شناس نامیده می‌شوند . یادگارهای مادی انسان‌های‌باستانی درموزه نگهداری وروی‌آن‌بررسی‌می‌شود (به تصویر ۲ نگاه کنید).

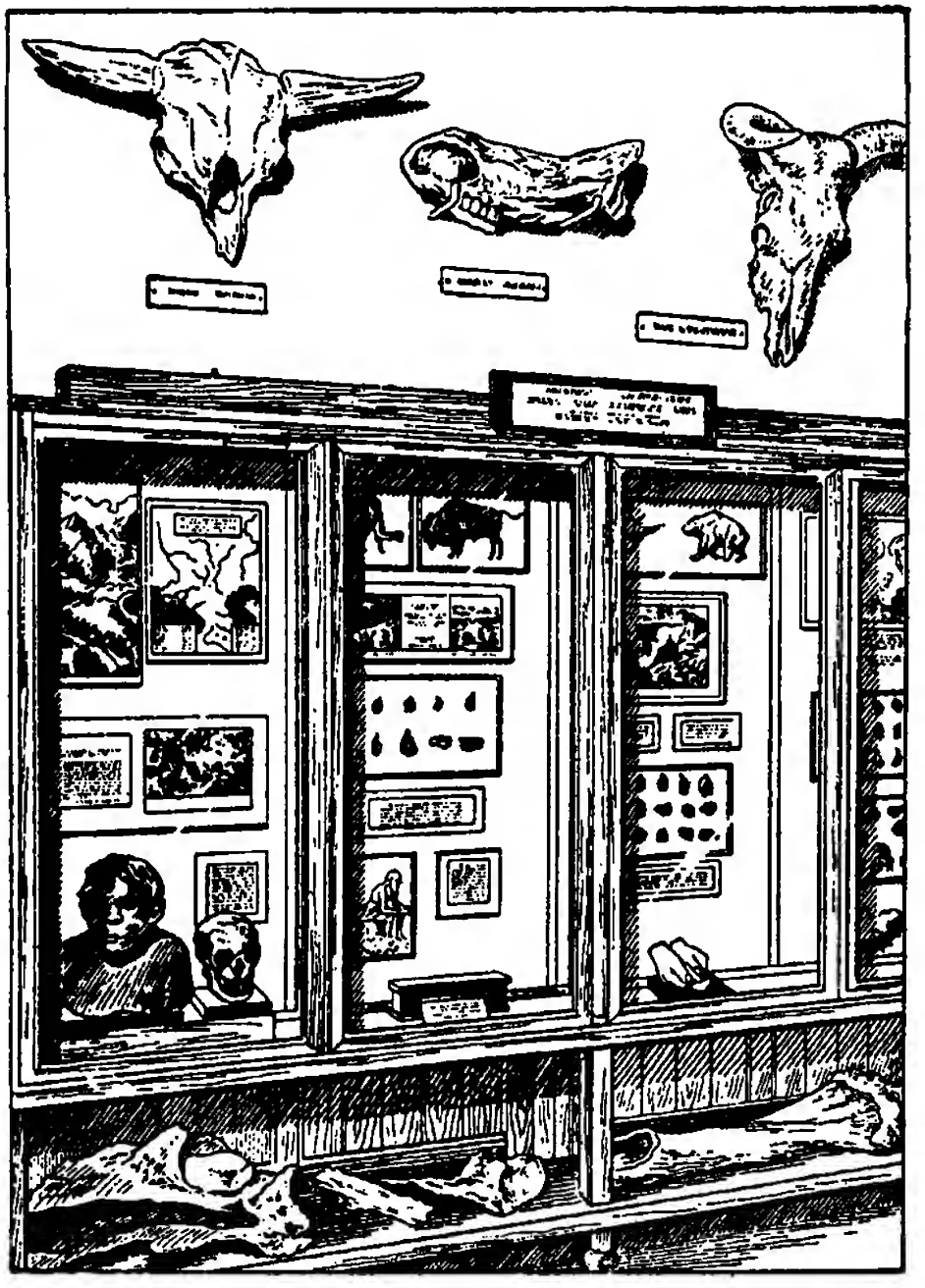

۲ـ موزه‌ی دولتی تاریخ در مسکو.

در عکس، گوشه‌ای از موزه نشان داده شده که ما را با زندگی ۱۰۰ـ ۱۲۰ هزار سال پیش آشنا می‌کند. در گوشه‌ی چپ پایین ویترین، جمجمه‌ای

بقیه در پایین صفحه بعد

۴ ـ یادگارهای نوشته‌ای(کتیبه یا سنك نوشته)

درحدود ۵۵۰۰ سال پیش مردم برخی‌ازکشورها خطرا اختراع کردندو نوشتن را یادگرفتند. آنها درباره‌ی اتفاق‌ها و آدم‌های برجسته‌ی زمان‌خود وهمچنین در باره‌ی‌بسیاری چیزهای دیگر مطالبی نوشته‌اند. آنها درباره‌ی زندگی خود یادگارهای بیشتر وکاملتری از یادگارهـای انسانهای بدون خط به جای نهاده‌اند . نوشته‌های‌آنها (کتیبه‌ها یا سنك نوشته‌ها) یادگارهای‌نوشته‌ای نامیده می‌شود(یادگارهای‌نوشته‌ای‌باستانی در تصویرهای۳۷ و۴۸نشان داده شده.)

پرسش

۱ـ دانشمندان چگونه از زندگی انسانهای باستانی باخبر می‌شوند؟
۲ـ باستانشناسی چیست؟

پسر بچه‌ای قرار دارد که در ۱۰۰ هزار سال پیش زنـدگی مـی‌کرده. در کـنار آن، مجسمه‌ای کله‌ی پسربچه، که به‌وسیله دانشمندان از روی جمجه‌س او ساخته شده قرارگرفته. در ویترین، اشیای انسان‌های باستانی و تصویرهایی که خود آن مردم و شرایط طبیعی آن زمان‌های دور را نشان می‌دهد، گذاشته شده. در روی ویترین و در زیر آن، استخوان‌های حیواناتی که به‌وسیله‌ی انسان‌های باستانی شکار می‌شده‌اند، قرار دارد.

از این کتاب چگونه باید استفاده کرد ؟

مطالب این کتاب به‌چند بخش ، هر بخش به‌چندفصل وهر فصل به چندبند تقسیم شده . «فهرست» کتاب را باز کنید ، خواهید دید که کتاب درباره‌ی چه چیزهایی گفتگو می کند و از چه قسمت‌هایی تشکیل یافته. هر بند به چند ماده تقسیم شده. عنوان ماده‌ها نمودار خلاصه‌ی مطالب آنهاست.

اگر پیش از هر بند سئوالی در کتاب هست،خودتان درباره‌اش فکر کنید و پاسخ آن را بیابید . این موضوع نه تنها باعث می‌شود که شما آنچه را قبلاخوانده‌ایدبه خاطر بیاورید،بلکه می‌تواند شما را درپی بردن به مطالب جدید نیز راهنمایی کند .

هربند را بطورکامل وبادقت بخوانید.اما به مطالبی که باحروف درشت نوشته شده توجه بیشتری بکنید.به تصویرهای کتاب هم بدقت نگاه کنید . دریاها ، رودخانه‌ها ،کشورها و حتی‌شهرهایی راکه نامشان در کتاب هست در روی نقشه نیز پیدا نمایید (اگر نقشه دردسترستان هست).

پس ازخواندن هر بند به سئوالاتی که در پایان آن نوشته شده پاسخ بدهید. خود را امتحان کنید ببینید آیا نتیجه‌گیری‌ها وتعریف‌هایی راکه با حروف درشت نوشته شده فهمیده‌اید ؟

مطالب هر بند را با بیان خودتان شرح بدهید ابتدا ماده‌ی اول را بخوانید و شرح بدهید ، سپس در مورد هر ماده بترتیب ایـن‌کار را انجام‌بدهید . آنگاه تمام بند را بطوریکجا برای خود بازگو کنید.سعی نکنید که متن کتاب‌را حفظ کنید. شما باید بتوانید،بابیان‌خودتان، مطالب اصلی را شرح بدهید .

اگر که می‌دانید مزاحم کسی نمی‌شوید ، بهتر است که با صدای بلندآنرا شرح بدهید. بد هم نیست که از بزرگترها خواهش کنید تا به شما گوش بدهند ببینندآیا درست شرح می‌دهید یا نه.موقع شرح دادن باید تاریخ‌ها ، اسم‌ها و عنوان‌ها را نیزبگویید .

تاریخ وقایع خیلی مهم با حروف درشت چاپ شده . آنچه را نیز که از تصویرها فهمیده‌اید در موقع شرح دادن بند بگویید

زندگی انسان‌های نخستین

فصل اول

نظام جماعتی نخستین

بند ۱

گله‌های ابتدایی گردآورندگان وشکارچیان

۱ ـ انسان‌های دیرین[۱]

نخستین انسان‌ها که در ۶۰۰ ـ ۷۰۰ هزار سال پیش زندگی می‌کردند بامردم زمان ما خیلی فرق داشتند. آنها شبیه میمون‌های بزرگ بودند. پیشانی آنها کوتاه وشیب‌دار بود. موقع راه رفتن، خیلی به جلوخم

۱ـ توجه داشته باشید که انسان‌های دیرین قدیمی‌ترین انسان‌های روی زمین هستند که آنها را به‌زبان روسی «انسان‌های باستانی‌تر» می‌گویند در اینجا کلمه‌ی دیرین برای نامیدن آنها انتخاب شد. آنها را انسان‌های نخستین نیز می‌توان نامید ـ مترجم.

می‌شدند ودستهایشان تا پایین زانوهایشان می‌رسید. انگشتانشان مهارت و دقت نداشت. آنها، با انگشتان خود، فقط می‌توانستند کارهای بسیار ساده‌ای مانند: کندن زمین، گرفتن اشیاء وضربه زدن را انجام دهند.

انسان‌های دیرین فقط گاهی صداهای بریده بریده‌ای از گلوی خود درمی‌آوردند. آنها بوسیله‌ی این صداها خشم وترس خود را بیان می‌کردند، کمك می‌خواستند ودیگران را از خطر با خبر می‌نمودند.

۲ ـ ابزار کار و پیشه‌ی انسان‌های دیرین

انسان‌های دیرین سنگهائی پیدا می‌کردند که برای در دست گرفتن مناسب باشد. آنها یکطرف سنگهای خود را تیز می‌کردند و برای این کار آنقدر باسنگهای دیگر به سنك خود می‌کوبیدند تا تکه‌های کوچکی از آن جدا گردد. تا طرف تیز سنك می‌شد گوشت و استخوان را برید، چماق درست کرد و چوبدستی خود را بصورت نوك تیز درآورد. سنك‌های تیز آنها را «تبر دستی» می‌نامند.

۳(الف) ـ تبردستی دیرین

انسان، بر خلاف بسیاری از جانوران درنده، ناخن‌های محکم

و پنجه‌های نیرومندی نداشت . اما در عوض ، تبرسنگی او محکم‌تر از ناخن‌ها و دندان‌های جانوران درنده بود. ضربه‌ی چماق سنگین او نیز از ضربه‌ی پنجه‌ی خرس دست کمی نداشت.

تصویر ۳ (ب). تبردستی (ساخته شده در نزدیک ۲۰۰ هزار سال پیش)

انسان‌های دیرین با کمك تبردستی، چوبدستی و چماق غذای خود را تهیه می‌کردند .

انسان بوسیله‌ی چوبدستی خود ریشه‌های خوردنی گیاهان و کرمینه‌های حشرات را از زمین در می‌آورد ولانه‌های جانوران کوچك را خراب می‌کرد . اومیوه‌ها و تخم‌های پرندگان را نیزجمع می‌نمود. این کارهای انسان دیرین «گردآوری خوراك» نامیده می‌شود. انسان فقط آنچه را که طبیعت به او می‌داد جمع می‌کرد .

انسان‌های دیرین جانوران بزرك رانیزشکارمی‌کردند. شکارچیان که سنك و چماق در دست داشتند بطورگروهی به خرس ، گاو وسایر جانوران بزرك حمله می‌کردند.

تصیر ۴ ـ چوبدستی زمین کن

تبردستی سنگی، چوبدستی زمین کن و چماق اولین ابزار کارانسان بود.

هیچ حیوانی نمی‌تواند حتی ساده‌ترین ابزار کار را هم بسازد.

توانایی ساختن ابزار کار، فرق اساسی بین انسان‌های دیرین و حیوانات بود.

۳- چیره شدن بر آتش

مدتهای زیادی بود که انسان‌های دیرین همچنانکه از حیوانات وحشی می‌ترسیدند از آتش هم ترس داشتند. آنها از ترس آتش‌سوزی جنگل که در اثر رعد و برق بوجود می‌آمد فرار می‌کردند. گدازه‌های آتشینی که از کوههای آتش فشان بیرون می‌ریخت برایشان از این هم وحشتناکتر بود.

اما انسان‌های دیرین رفته‌رفته فهمیدند که آتش می‌تواند به آنها گرما بدهد و در مقابل حیوانات وحشی حفظشان کند. حیوانات درنده‌ی خونخواری که به جستجوی شکار می‌گشتند، شبها در کنار شعله‌ی آتش دیگر چندان وحشتناك نبودند. انسانها تکه‌هایی از آتش جنگل یا آتش فشان، را برمی‌داشتند، با آن چیزهای دیگر را آتش می‌زدند، خرمن آتش درست می‌کردند و نمی‌گذاشتند آتش خاموش شود. برای این کار همیشه کسانی در کنار خرمن آتش می‌ماندند و هیزم در آن می‌ریختند.

انسان‌ها پس از اینکه استفاده از آتش را یاد گرفتند برتری شان بر حیوانات بیشتر شد .

۴ ـ گله‌های ابتدایی

انسان‌های دیرینی که از دنیای حیوانات جداشده بودند «**انسان های نخستین**» نامیده می‌شوند .

زندگی انسان‌های نخستین بسیارسخت وخطرناك بـود . نصف بیشتر آنها کمتر از بیست سال عمر می کردند: برخی درچنگال درندگان می‌مردند وبقیه ازبیماری وگرسنگی جان می‌دادند .

انسان‌های نخستین اگردسته جمعی وگروهی زندگی نمی کردند نمی‌توانستند غذا بدست آورند وهمچنین توانایی نگهداری آتش را نداشتند. درنتیجه، یا ازگرسنگی می‌مردند یاشکار درندگان می‌شدند. بدینجهت بود که آنها به شکل گـروه زندگی می کـردند ، بـه کمك همدیگرغذابدست می آوردند و دستجمعی درکنار خرمن آتش خود را گرم می کردند .

هرگروه معمولا ازده‌ها نفر تشکیل می‌شد. بیشتر آنها نمی‌توانستند ازیك محل غذابدست آورند . گروه انسان‌های نخستین دائمی نبود . آنها نیزمانند گله‌های حیوانات وحشی به هم می‌پیوستند و از هم جدا می‌شدند . گروه انسان‌های دیرین را «گله‌های نخستین» می‌نامند .

یادگارهای مادی انسان‌های دیرین

باستان شناسان درآسیا، آفریقا و اروپا آثاری از زندگی انسان های دیرین پیداکرده‌اند. آثاری که درچین بدست آمده اهمیت علمی بسیار زیادی دارد .

درغار بزرگی که میان چند تپه‌ی کوتاه قرار داشت ، مقـداری استخوان، خاکستروذغال کشف گردید . همچنین چند سنگ زمخت نیزبدست آمد. باستان شناسان پابنده‌ای این‌آثار به این نتیجه رسیدند که‌آن غاردرحدود ۵۰۰ هزارسال پیش پناهگاه انسانها بوده .

دانشمندان از روی‌آن استخوانها سیمای انسانهای‌آن زمان را معلوم نمودند. بسیاری ازاستخوانها شکسته بود. این امرنشان‌می‌داد که آن انسانها بوسیله‌ی جانوران بـزرگ کشته یـا زخمی شده‌اند.

دانشمندان بابررسی استخوانهای حیوانات بدست آمده، پـی بردندکه انسان های نخستین چه حیواناتی را شکار می‌کرده‌اند . در آن غـارهسته‌ی میوه‌هایی که انسانهـا بـدانجا برده بودند نیز به ـ دست‌آمد.

در آنجا لایه‌های کلفتی ازخاکستر وذغال وجود داشت.این‌امر نشان می‌دهدکه انسان‌های‌آن غارازآتش نیزاستفاده می‌کرده‌اند .چون شکستن‌کنده‌هـای هیزم باسنگ تیزمشکل بوده،بدینجهت آنها شاخه های‌کوچك می‌سوزانده‌اند .

آتش آن غار، صدها وحتی هزارها سال می‌سوخته . انسانها دائماً آتش رانگهداری می کرده‌اند. در طول این مدت نسل‌های‌زیادی جای یکدیگر را گرفته‌اند . اما در عرض این هزارها سال ، هم خود انسان‌های نخستین وهم ابزار کارآنها تغییر بسیارناچیزی کرده‌اند .

پرسش و تمرین

۱ـ انسان‌های دیرین چه فرقی با انسان‌های زمان ما داشتند؟
۲ـ فرق اصلی بین انسان‌های دیرین و حیوانات چه بود؟
۳ـ انسان‌های دیرین چه ابزارهایی داشتند؟
۴ـ چرا انسان‌های نخستین نمی‌توانستند تنها زندگی کنند؟ گروههای دیرین انسان‌های نخستین چه نامیده می‌شود؟
۵ـ زندگی انسان‌های دیرین آسان بود یا سخت؟ چرا؟

بند۲

جماعت‌های خانوادگی شکارچیان و ماهیگیران

۱ ـ سرمای سخت درزمین

درحدود ۱۰۰هزار سال پیش‌سرمای سختی زمین را فراگرفت. این سرما بویژه در اروپا بسیار شدید بود.

زمستان‌ها سرد و طولانی گـردیدند . کم‌کم تمام نصف شمالـی اروپا از «یخچال» پوشیده شد . کلفتی یخ‌های این یخچال‌ها به درهزار مترمی‌رسید. حتی‌گرمای تابستان هم‌آن یخ‌ها راآب نمی‌کرد.درجنوب یخچال‌ها ، دشت‌های یخ بسته‌گسترده شده بود. حیواناتی‌که‌به آب و هوای‌گرم عادت داشتند،یانابود شدند و یا به جنوب رفتند .

انسان‌های نخستین ، با استفاده ازآتش و ابـزارکار ، خـود را برای شرایط جدید زندگی‌آماده نمودند .

۲ ـ بهبود ابزارکار

هر چندکه ابزارکارانسان‌های نخستین خیلی کند تغییر می‌کرد، با وجوداین ، در عرض صدها هزار سال انسان‌ها یادگرفتندکـه نیزه‌ی نوك سنگی،تراشنده‌ی‌سنگی ، سوراخ‌کن وتیغه‌که‌کار چاقو را می‌کرد بسازند .

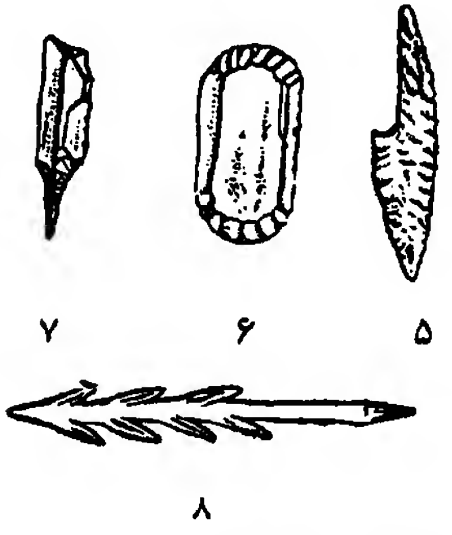

تصویر ۵ـ سرنیزه
تصویر ۶ـ تراشنده‌ی سنگی
تصویر ۷ـ سوراخ کن سنگی
تصویر ۸ـ نوک سنگی هارپون (نیزه‌ی دندانه‌دار).

دوره‌ای راکه انسان از ابزار سنگی‌کار استفاده مـی‌کرد دوران سنك می نامند .

انسان با شکستن استخوان پی بردکه می‌تواند ازآن ابزار بسیار تیزی‌بسازد. انسان ازاستخوان و شاخ،درفش،سوزن، هارپون(نیزه‌ی دندانه داری‌که در بدن جانوران‌گیرمی‌کرد)ساخت .

انسان‌های دیرین ، در موقع‌کار با چوب ،پی بردندکه از مالش دو قطعه چوب خشك به یکدیگرآتش روشن می‌شود. این‌کار زحمت

و حوصله زیادی می‌خواست . انسان پس از آموختن آتش افـروزی ، توانست در مواقع لازم خرمن آتش درست کند .

بـا تغییر و بهبود ابـزارکار ، زندگـی انسان نخستین نیز تغییر یافت .

۳ ـ شکار وماهیگری

شکار مهمترین پیشه‌ی انسان‌های نخستین بود .آنها نه فقط جـانـوران تك تك را شکار می کردند ، بلکه گاهی هم گله‌های کامل گوزن ،گاو نر واسب رامی گرفتند . گروهی شکارچی کمین می کردند و سایر شکارچیان نیزه‌ها وشاخه‌های افروخته راتکان می‌دادند وبدینوسیله گله رابه کمینگاه می‌بردند .

انسان‌ها ، **ماموت** (فیل بسیار بزرگی که بـدنش از پشم قـرمـز پوشیده شده بود)نیزشکار می کردند . برای این کار دام(گودالی که با تیر و شاخه‌ی درخت پوشیده شده بود) درست مـی کردند . شکارچیان ماموت رابا آتش می‌ترساندند وبطرف گودال می‌بردند. ماموت به گودال می‌افتاد و پاهایش می‌شکست ،آنگاه شگارچیان او را می کشتند . بـا نیزه‌های نوك سنگی حتی پوست کلفت ماموت را هم مـی‌شد سوراخ کرد .

تصویر ۹ ـ شکار ماهوت

با اختراع نیزه‌ی دندانه دار (هارپون) ، انسان‌ها به‌گرفتن ماهی نیز پرداختند . آنها در کمین‌می‌نشستند و موقعی که ماهی بزرگی بطرف ساحل می‌آمد ، با نیزه‌ی دندانه دار به او ضربه می‌زدند .

۴ ـ خودانسان‌های نخستین چرا و چگونه تغییر کردند؟

انسان‌های باستانی بر اثر کاری که انجام می‌دادند خودشان هم پی‌درپی تغییر می‌کردند .

انگشتان انسان ماهرتر و با دقت‌تر می‌شد . او دیگر می‌توانست کارهای ظریفی مانند بریدن شاخ حیوانات بوسیله‌ی کاردسنگی یا دوختن پوست جانوران بوسیله‌ی سوزن را انجام دهد .

انسان ها برای کارکردن می‌بایست چیزهای زیادی یاد بگیرند، در باره آنها فکر کنند و آنها را بدیگران نیز یاد بدهند . مثلا ، قبل از شکار می‌بایست با یکدیگر قرار بگذارند که در کجا کمینگاه درست کنند، شکارچیان در کجا قرار بگیرند و گله را به کجا برانند. بدینجهت در نتیجه‌ی کار، هم عقل وهم سخنگویی انسان پیشرفت نمود ، مغز او بزرگ شد و پیشانی او نیز پهن‌تر گردید .

این تغییرها خیلی کند انجام گرفت ، هزاران نسل آمدند و رفتند تا ملاحظه شد که انسان باستانی تغییر کرده .

در حدود ۴۰ هزار سال پیش ، انسان باستانی به صورت انسان زمان ما درآمد . او دیگر پیشانی بلند و دست‌های ماهرداشت و راست راه می‌رفت .

۵ ـ پیدایش جماعت‌های خانوادگی

شکار که در آن، ده‌ها وصدها نفر شرکت می‌کردند ، انسان‌ها را به یکدیگر نزدیك ساخت . پیشرفت سخنگویی نیز سبب نزدیکی

انسان‌ها به یکدیگر گردید. گروههای انسانی دیگر دائمی و پایدار شده بودند و پراکنده نمی شدند. اکنون دیگر انسان‌های یك‌گروه تصادفاً با هم برخورد نکرده بودند بلکه با هم رابطه‌ی خویشاوندی داشتند.

تمام خویشاوندان در یك غـار یا چند کلبه‌ی بزرك مـی‌زیستند. مردان شکار می کردند، ماهی می گرفتند و ابزار کار می‌ساختند. زنها نیز رستنی‌های خوراکی گردمی آوردند. بچه‌ها از سن سه تا چهارسالگی به زنها کمك می کردند. غذای به دست‌آمده بین تمام خانواده تقسیم می‌شد. زنها پوست‌حیوانات رابه وسیله‌ی تراشنده ازچربی می‌ستردند و سپس آن را با کارد سنگی مـی‌بـریدند و از آن لباس مـی‌دوختند. پـوست، غـذای ذخیره شـده، شاخ و استخـوان از آن تـمام‌گـروه خویشاوندان بود.

تصویر ۱۰ ـ جماعت خانوادگی شکارچیان

مردها دارند از استخوان و شاخ ابزارکار می‌سازند. نزدیک آنها، روی دیوار غار، شکل ماموت کشیده شده. در طرف راست، زن‌ها دارند از پوست، لباس درست می‌کنند. بچه‌ها دارند گیاهان جمع شده را می‌آورند. در قسمت جلوی تصویر، استخوان‌ها و شاخ‌های حیوانات قرار دارد. (فکر کنید که باشندگان غار درباره‌ی چه چیزی دارند صحبت می‌کنند.

گروه خویشاوندان که دسته جمعی کار می‌کردند و صاحب دارایی‌های عمومی نیز بودند، خانواده یا جماعت خانوادگی نامیده می‌شوند. خانواده، تقریباً، ۴۰ هزار سال پیش تشکیل شد.

یکی از دانشمندان و دگرگون سازان بزرگ می‌گوید که «**کار انسان را ساخته**» در سایه کار، دست، عقل و سخنگویی انسان‌های نخستین

تکامل پیدا کرد. انسان با کارکردن ابزار کاررا بهتر کرد و گروه پایداری به نام جماعت خانوادگی تشکیل داد .

پرسش و تمرین

۱ـ کدامیک از ابزارهای جدید انسان نخستین را می‌شناسید؟ شکل آن را بکشید. شرح دهید که چرا انسان، با ابزارکار جدید، بهتر از گذشته می‌توانست برای خودش غذا تهیه کند.

۲ـ انسان‌های نخستین چرا و چگونه تغییر کردند؟

۳ـ تعریف «جماعت خانوادگی» را از توی این کتاب پیدا کنید. فرق خانواده با گله نخستیت چیست؟

بند۳
دامپروران و کشاورزان نخستین

۱ــ گرم شدن زمین

نزدیک۱۳هزار سال پیش، اروپا دوباره گرم شد. یخچال‌طبیعی شروع به‌آب شدن‌کرد وبه شمال عقب‌نشینی نمود. زمین خالی ازیخ شد وازجنگل‌ها وبوته‌زارهاپوشیده‌گردید.حیوان‌هایی‌که به سرماعادت کرده بودند به شمال رفتند . ماموت‌ها نیزهمگی نابودشدند

درنتیجه عقب نشینی یخچال طبیعی، انسان‌ها نیزکم‌کم به‌سوی شمال‌پیش‌رفتندوساکن‌زمین‌های‌خالی‌ازیخ‌شدند.

انسان نخستین به ساختن ابزار کار ازسنگ، استخوان و چوب ادامه داد.

انسان به زودی متوجه شدکه ترکه‌ی نرم خم شده وقتی کــه رها می‌شود نیروی زیادی ایجاد می‌کند وبدینجهت بودکه او شروع به ساختن کمان‌کرد. باتیری که ازکمان رها می‌شد، شکارچی حیوان را ازفاصله‌ی ده وحتی‌صدقدمی نیزهدف قرار می‌داد .

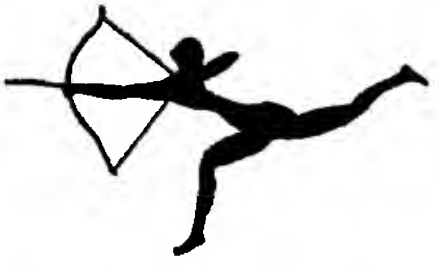

تصویر ۱۱ـ شکارچی باکمان.
تصویر باستانی بردیوار یک غار.

انسان باسوارکردن سنگ تیز برنوك چوبدستی توانست تبر درست‌کند. اوبرای اینکه سنگ را محکمتر برنوك چوبــدستی سوار کند، آن را سوراخ می‌کرد. سنگ را، درحالی که شن‌خیس برروی آن می‌ریختند، بااستخوان سوراخ می‌کردند .

تصویر ۱۲ـ انسانی با تبر.
تصویـری باستانی.

کارکردن باتبرسنگی بسیارسخت بود. با وجود این ، با تبر، گذشته از کندن بوته‌ها، درخت‌های بزرگ رانیز می‌شد برید .

انسان‌ها از ۳ـ۲ چوب به هم بسته شده **کلك** می‌ساختند. کلك نخستین کشتی انسان بود. سپس با کندن و تراشیدن تنه‌های بزرگ درختان **قایق** درست کردند.

تصویر ۱۳ـ قایقی با پاروزنان.
تصویر باستانی بر روی سنگ.

اختراع تیروکمان به انسان کمك کرد که دامداری کند واختراع تبربه او کمك کرد که به کشاورزی بپردازد .

تصویر ۱۴ـ زنان دارند زمین را با کلنك شخم می‌زنند.

۳ــ اهلی‌کردن حیوانات

در نـزدیکی سکونتگاه[1] انسان‌ها، سگ های وحشی زندگـی می‌کردند. آنها از باقیمانده‌ی غذای انسان می‌خوردند. ایـن سگ‌ها باپارس کردن به انسان‌هافهماندند که جانداران دیگری در نزدیکی آنها زندگی می‌کنند . خلاصه ، سگ به انسان خوگرفت و به زندگی در پیش اوپرداخت وهمراه او به شکار می‌رفت . سگ‌ها درپیدا کردن و کشیدن جانوران، به انسان کمك می‌کردند .

سگ نخستین‌حیوان خانگی بود. این حیوان هم یارشکارچی به حساب می‌آمد وهم‌نگهبانی باوفا .

شکارچیانی‌که تیروکمان داشتندوسگ نیزهمراهشان بود،بیشتر ازگذشته که فقط نیزه وچماق داشتند، گوشت به دست می‌آوردند . بارها پیش می‌آمد که در خانواده به اندازه‌ی‌کافی غذا وجود داشت . بدینجهت‌شکارچیان بزها،خوك‌هاوسایرحیوانات شکارشده‌رانمی‌کشتند، بلکه‌آنها رابه محل زندگی خود می‌بردند. بدین ترتیب، انسان خوك ، بز، گوسفند وگاو را اهلی کرد .

۱ـ سکونتگاه، محل‌کار و زندگی دسته جمعی انسان‌ها است. در طـول تـاریخ زندگی بشر، فقط سه نوع سکونتگاه وجود داشته: روستا، چادرگاه (ابه) و شهر. یادتان باشد که اقامتگاه موقت گروهی انسـان را نـمی‌توان سکـونتگاه نـامید ـ مترجم.

زنها هنگامی که دانه‌های خـوردنی گیاهان را جمع می‌کردند کشف بسیارجالبی کردند: آنها متوجه شدند که ازهردانه‌ای که به زمین نرم می‌افتد، گیاهی می‌روید که آن گیاه خود دانه‌های جدیدی می‌دهد. کشاورزی ازهمین‌جا به وجود آمد.

مردها با تبر قطعه‌زمینی‌را برای کشت از بوته‌ها پاك می‌کردند. زنها خاك را با کلنگ نرم می‌کردند (تصویر۱۴)، کلوخ‌های زمین را بادست خرد می‌نمودند ودانه را درخاك فرو می‌کردند. این گونه کشاورزی، کلنگی‌نامیده می‌شود. کشاورزی کلنگی زحمت بسیار زیادی داشت. یك خانواده‌ی کامل فقط می‌توانست قطعه زمین کوچکی را بکارد.

تصویر ۱۵ـ زنی دارد غله را در روی غله‌سا می‌ساید و آرد می‌کند.

کشتزارهارامی‌بایست شب‌وروزمواظبت کرد، درغیراین‌صورت گله‌ی خوك‌های وحشی ویاسایر حیوانات می‌توانستند تمام محصول را نابود کنند.

کشاورزی درتمام کشورهاهمزمان به وجود نیامد. درجاهایی که شرایط بسیار مساعدی مانند گرما، آب زیاد وزمین حاصلخیز وجود داشت، کشاورزی ۷هزارسال پیش پیدا شد. در سایر کشورها خیلـی

دیرتر این اتفاق افتاد .

۵- خانواده و قبیله

تمیز کردن زمین برای کشت و حفظ کردن آن از حیوانات وحشی، برای یك نفر، کار توانفرسایی بود. فقط یك جماعت خانوادگی کامل می‌توانست ازعهده‌ی چنین کاری بر آید. بدین جهت بود که پیوند گروه خویشاوندان بایکدیگر از گذشته محکمتر شد. محصول گرد آمده ، دام‌ها وسایر دارایی‌ها بـه تمام خانواده تعلق داشت. شکار، مـاهیگیری و کشاورزی را ریش‌سفیدان که پیرترین و کار آزموده‌ترین افراد خانواده بودند رهبری می کردند .

چندین خانواده که دریك محل زندگی می کردند ، تشکیل یك قـبیلـه را می‌دادند . تمام قبیله به یك زبان حرف می‌زدند .

کارهای قبیله را شورای ریش سفیدان اداره می کرد. این شورا محل‌های شکار، ماهیگیری و کشاورزی را بین خانواده‌ها تقسیم می کرد و به دعواهای آنها رسیدگی می‌نمود .

ریش سفیدان به نفع تمام قبیله کار می کردند . بدین جهت آنها مورد اعتماد همه بودند و تمام قبیله بدون چون وچـرا دستورهای آنها را انجام می‌دادند .

هنگام تصمیم گـرفتن در مورد کارهای خیلی مهم ، ریش‌سفیدان از تمام افراد قبیله، برای تشکیل جلسه دعوت می کردند.

تصویر ۱۶ـ قربانی کردن انسان و حیوان.

شرح در صفحه مقابل

پرسش و تمرین

چه ابزارکار نوی در بین انسان‌ها پدید آمد؟ چگونه پدید آمدن این ابزارها سبب پیدایش پیشه‌های تازه شد؟

۲ـ کدامیک از پیشه‌های قدیم‌تر انسان پیدایش کشاورزی گردید؟ چرا کشاورزی کلنگی مشکل بود

۳ـ کدامیک از پیشه‌های قدیم‌تر سبب پیدایش دامداری گردید؟

۴ـ چه کسی کارهای خانواده و قبیله را اداره می‌کرد؟

۵ـ از روی «نموداری» که در تصویر رنگی شمارهٔ (۱) وجود دارد. معلوم کنید که تقریباً چند هزار سال پس از پیدایش خانواده کشاورزی به‌وجود آمد؟

← در طرف راست، قسمت جلوی تصویر، دو نفر دارند بچه خوکی را کباب می‌کنند. کمی عقب‌تر، انسانی طناب پیچ شده قرار دارد که او را برای قربانی شدن آماده کرده‌اند. دو نفر دارند طبل می‌زنند تا صدای قربانی را خفه و ناشیندنی کنند. در قسمت عقب تصویر ۷ جمجمه‌های کسانی است که پیش از این قربانی شده‌اند. در روی چوب بستب بلند عقب تصویر، حیوانات قربانی شده قرار دارند.

بند ۴

پیدایش مذهب در میان انسان‌های نخستین

۱ ـ ناتوانی انسان‌های نخستین در برابر طبیعت

انسان‌های نخستین در نتیجه‌ی صدها هزار سال زندگی کردن در روی زمین چیزهای بسیار زیادی فهمیدند و یادگرفتند.

انسان آتش را که یکی از نیروهای توانا طبیعت بود به خدمت خود درآورد. او یادگرفت که در رودخانه، دریاچه وحتی دریا قایقرانی کند. انسان گیاهان را پرورش داد وحیوانات را اهلی کرد. او بزرگترین جانوران را با کمان ، نیزه و تبر شکار می کرد .

با این همه ، انسان نخستین در برابر نیروهای طبیعت ناتوان و درمانده بود . برق کور کننده که با صدای گوش خراشی همراه بود کلبه او را نابود می کرد . انسان نخستین در برابر این بلا قدرت هیچگونه دفاعی

از خود نداشت .

انسان باستانی در مبارزه کردن باشعله‌های آتش جنگل نیز ناتوان بود و اگر موفق به فرار نمی‌شد ، خود درون شعله‌ها می‌سوخت .

وزش ناگهانی باد ، قایق انسان‌ها رامانند پوست گردو بی پشت و رو می کرد و خود آنها را در آب غرق می‌نمود .

انسان‌های نخستین نمی‌توانستند بیماری خودرا معالجه کنند ودر نتیجه ، یکی بعد از دیگری می‌مردند.

انسان‌های دیرین فقط سعی می کردند ، هرطور که شده ، از دست خطری که آنها را تهدید می کند فرار کنند و یا پنهان شوند. این کارصدها هزار سال ادامه داشت .

به‌همان‌اندازه که‌عقل انسان کامل‌تر می‌شد، به‌همان‌اندازه‌هم‌سعی می کرد بفهمد که چه نیروهایی طبیعت را اداره می کنند . اما انسان نخستین از آنچه که ما اکنون در باره‌ی طبیعت می‌دانیم خبر چندانی نداشت . بدین جهت ، او پدیده‌های طبیعت را به طور نادرست و اشتباه‌آمیزی معنی می کرد .

۲ـ اعتقاد به«روح» چگونه به‌وجود آمد؟

انسان نخستین معنی خواب‌را نمی‌فهمید . اوگاهی کسانی رادر

خواب می‌دید که ازمحل زندگی او دور بودند و یا سال‌ها از مرگ آنها گذشته بود . بدینجهت او از خواب چنین می‌فهمید که درون جسم هر کس « روحی » یا « روانی » زندگی می‌کند ، در هنگام خواب این «روح» از بدن او خارج می‌شود، برفراز زمین پرواز می‌کند و با «روح‌های»دیگر ملاقات می‌نماید وبابرگشت روح، شخص ازخواب بیدار می‌گردد .

مرگ از نظرانسان نخستین شبیه به خواب بود ،گویا مرگ زمانی فرا می‌رسد که «روح » جسم را ترک کند. انسان نخستین فکر می‌کرد که « روح » مرده در نزدیکی محلی که او قبلا زندگی می‌کرده باقی می‌ماند .

انسان های نخستین اعتقاد داشتند که «روح» ریش سفید مرده ، مانند زمان زنده بودنش ، همچنان به فکر خانواده‌ی خود می‌باشد و بدین جهت از او تقاضای پشتیبانی و کمک می‌کردند .

۳ ـ چگونه انسان خدا را ساخت

انسان‌های نخستین فکر می‌کردند که حیوانات ،گیاهان ،آسمان و زمین ، همه «روح»یا « روان » دارند . «روح‌ها » هم می‌توانستند بدکار باشند و هم نیکوسرشت .آنها یا به شکار کمک می‌کردند ، یا

مزاحم آن می‌شدنـد وگاهی نیز انسان‌ها و حیوانـات را دچـار بیماری می ساختند . خدایان که «روح‌های »اصلی بودند،نیروهای طبیعت را اداره می کردند : آنها رعد و برق و باد به وجود می آوردند . طلوع خورشید و فرا رسیدن بهار نیز به‌آنها مربوط بود .

تصویر ۱۷ـ بت یکی از اجداد که آن را خدا به‌حساب می‌آورده‌اند.

انسان نخستین ، خدایان را مانند انسان یا حیوان می‌پنداشت : همچنان‌که شکارچی نیزه را پرتاب می کرد،خدای آسمان نیز«صاعقه» یا نیزه‌ی آتشین پرتاب می‌نمود . اما نیزه‌ای که انسان می‌پراند ده‌ها قدم بیشتر نمی‌رفت ، در صورتی که «صاعقه»از سرتاسر آسمان می گذشت . خدا نیز مانند انسان فوت می کرد (باد می‌وزاند)، ولی با چنان قدرتی که درختان کهن را می‌شکست ،کولاك به وجود می آورد و قایق‌ها را غرق می کرد .

بدین جهت ، خدایان اگر چه شبیه به انسان بودند ، ولی خیلی نیرو و توانایی بیشتری داشتند .

اعتقاد به‌خدایان وبه «روح»مذهب نامیده می‌شود.مذهب ده‌هاهزارسال پیش به وجودآمد .

۴ــ دعاوقربانی

شکارچیان ازخدایان می‌خواستند که آنها رادرشکار پیروز کند و ماهیگیران هوای آرام وماهی فراوان ازخدایان درخواست می‌کردند. کشاورزان نیز ازخدایان می‌خواستند که محصولشان خوب شود .

انسان‌های باستانی، ازچوب وسنگ، مجسمه‌های زمختی به شکل انسان‌یاحیوان می‌تراشیدند وخیال‌می‌کردند که خدا در آن جای خواهد گرفت. این مجسمه‌هایی که ازخدایان می‌ساختند، بت نامیده می‌شود .

انسان‌ها برای این‌که شایسته‌ی لطف خدایان باشند، درپیش بت دعامی‌خواندند، به خاك می‌افتادند وبرایش هدیه می‌بردند، ودر راهش قربانی می‌کردند. در این راه، حیوانات خانگی و گاهی هم انسان قربانی می‌شد. لب‌های بت را ، به علامت آن که خدا قربانی را قبول کرده، باخون می‌آلودند.

مذهب زیان شدیدی به انسان نخستین وارد می‌ساخت . انسان تمام چیزهایی راکه درطبیعت ودرزندگی اتفاق می‌افتاد ، میل واراده‌ی خدایان‌وروح‌ها می‌پنداشت. این پندارها نمی‌گذاشت انسان به‌جستجوی‌معنی‌درست‌پدیده‌های طبیعت بپردازد. ازاین‌گذشته، انسان دراین راه، تعداد زیادی از حیوانات وحتی هم‌نوعان خود را به دست خود ازبین می‌برد یعنی‌قربانی خدایان می‌کرد .

پرسش و تمرین:

۱ـ مذهب به‌چه می‌گویند؟ آیا انسان نخستین، همیشه مذهب داشته؟
۲ـ اعتقاد به«روح» چگونه پیدا شد؟
۳ـ اعتقاد به‌خدایانی که نیروهای طبیعت را راه می‌بردند چگونه به‌وجود آمد؟ از ناتوانی انسان نخستین در برابر طبیعت چند نمونه بگویید.
۴ـ بت و قربانی به‌چه می‌گویند؟
۵ـ مذهب چه زیانی به‌انسان نخستین وارد ساخت؟

نتیجهٔ بخش «زندگی انسان‌های نخستین»

انسان صدها هزار سال به شکل گله‌های نخستین زندگی کرد و ده‌هاهزارسال به شکل‌خانواده وقبیله. انسان نخستین باابزارکارچوبی‌و سنگی وسپس استخوانی و شاخی به زحمت غـذای خـود رابـدست می‌آورد وبیشتر وقت‌ها گرسنگی می‌کشید.

درسایه کار، زندگی انسان پی درپی تغییر پیدا کـرد. انسان‌ها خانه ولباس‌درست کردند وبه‌کشاورزی و دامداری پرداختند. گروههای انسانی‌نیزخود دچار دگرگونی گـردید: خانواده نسبت به گله‌ی نخستین، گروهی پایدارتر وسازمان یافته‌تر بود.

بااین وجود، شباهت زیادی بین‌گله‌ی نخستین وخانواده وجود داشت، زیرا درهردوی‌آنها، انسان‌ها به طوردسته جمعی‌کار می‌کردند

ونیز به طوردسته جمعی دارایی‌ها را تصرف می‌نمودند. این نوع زندگی که انسان‌های نخستین داشتند، یعنی این که همه با هم زحمت می‌کشیدند، دارایی‌ها هم مال همه‌شان بود وهمه باهم برابر بودند، «نظام جماعتی نخستین» نامیده می‌شود.

پرسش و تمرین برای مرور تمام‌بخش

۱ـ با استفاده از جدول روبرو، شرح دهید که چگونه ابزارکار انسان‌های نخستین پی‌درپی تغییر یافت؟ چگونه با تغییر ابزارکار، پیشه‌های انسان تغییر پیدا کرد؟ برای هریک از این پیشه‌ها چه ابزارکاری لازم بود؟

۲ـ شرح دهید که انسان دیرین چگونه به‌نظرتان آمده و کشاورزان باستان از نظر شما چگونه‌اند؟ با استفاده از تصویرهای رنگی شماره‌ی ۳ و شماره‌ی ۴، بگویید که چرا انسان‌های نخستین تغییر کرده‌اند؟

۳ـ چرا انسان‌های نخستین گروهی زندگی می‌کردند؟ بین گله‌های نخستین و خانواده چه شباهتی وجود داشت؟

۴ـ کدامیک از اشکال زندگی انسان، جماعت نخستین نامیده میشود؟

۵ـ زندگی انسان نخستین راکه در تصویر رنگی شماره‌ی ۴ ترسیم شده با زندگی انسان‌هایی که در تصویر رنگی شماره‌ی ۳ ترسیم شده‌اند چه کارهایی بلد بودند و چه اختراع‌ها و کشف‌های مهمی کرده بودند؟

تاریخ زندگی انسان نخستین	ابزارهای مهم کار	پیشه‌های اساسی	مرحله‌های نظام جماعتی نخستین.
بیش از ۱۰۰هزار سال پیش	سنگ تراشیده، چوب‌دستی زمین کن، چماق،	گرد آوری خوراك شکار،	گله‌های نخستین
۴۰ ـ ۲۰ هزار سال پیش	نیزه ، برنده ، تراشنده ، هارپون.	شکار، ماهیگیری ، گردآوری خوراك،	خانواده
۱۳ ـ۶هزار سال پیش	تیر و کمان، تبر، قایق، کلنگ	شکار، ماهیگیری، پیدایش ، کشاورزی و دامداری.	و قبیله

بند ۵
سال‌شماری در تاریخ

۱ـ در قدیم، زمان را چگونه حساب می‌کردند

کشاورزان نخستین می‌دیدند که پس از هـر چند وقت معین ، بهار و بعد از آن تابستان فرا می‌رسد . آنها مدت زمانی را که از یـك برداشت محصول تا برداشت بعدی یعنی از یك تابستان تا تابستان بعدی می‌گذشت یك سال حساب می‌کردند . اسلاوهای باستان برای نامیدن تابستان و سال فقط یك کلمه داشتند . حتی در زبان روسی امروز هـم آثاری از این‌گونه زمان شماری وجود دارد .

مثلا درزبان روسی به جای این که بگویند «من یازده سالم است» می‌گویند : «یازده تابستان (لت) از عمر مـن گذشته » و نمی‌گـویند : «یازده زمستان »

کشاورزان باستان، عیدهای خودرا هم با تغییرات طبیعت مربوط می‌کردند . یکی از عیدهای آنها ، عید بهار بود که کشاورزان بیداری بهاری طبیعت را جشن می‌گرفتند . اکنون هم این عید باستانی وجود دارد که آدم‌های مذهبی آن را جشن می‌گیرند . یکی دیگر از عیدها ، عید زمستان بود ، یعنی هنگامی که روزها شروع به بلند شدن می‌کرد. در این عید ، کشاورزان تولد خورشید را جشن می‌گرفتند . مذهبی‌ها این عید را ، عید میلاد (کریسمس) می‌نامند .

پس از پیدایش خط ، انسانها وقایع گوناگونی را که درهر سال اتفاق می‌افتاد یادداشت می‌کردند . آنها حساب می‌کردند که از یک واقعه معین و مهم مانند بنیانگذاری یك شهر عمده چند سال گذشته. در کشورهای مختلف، وقایع مختلفی را پایه‌ی شمارش قرار دادند . این موضوع اشتباهات زیادی به وجود آورد .

۲ ـ عصر ما (پس از میلاد)

نزدیك دوهزار سال پیش، افسانه‌هایی بر سر زبانها افتاد ، در باره‌ی خدایی به نام عیسای مسیح که گویا به صورت انسان در روی زمین زندگی می‌کرده. دراین افسانه‌ها تناقض‌های زیادی به چشم می‌خورد. علم تاریخ ثابت کرده که عیسای مسیح هرگز وجود نداشته. با این وجود،

بسیاری ازمردم بدین افسانه‌ها اعتقاد دارند. (شمادربند۵۷ همین کتاب خواهیدخواندکه افسانه‌های عیسی چگونه به وجودآمد وچرا مردم به آن‌هااعتقادپیدا کردند.)

۶۰۰ـ۵۰۰سال‌پس ازپیدایش‌این‌افسانه‌ها بودکه شخصی تاریخ تولدی دروغی،برای عیسای مسیح،ازخوداختراع کرد.تمام‌کسانی‌که به این‌افسانه‌ها اعتقاد داشتند،این تاریخ تولد را پایه‌ی شمارش سال‌ها قـراردادند،یعنی‌آن را سال اول نـامیدند،سال‌بعدش را سال دوم،سال دیگررا سال سوم و به همین ترتیب ...

شمارش‌سال براین‌پایه دربسیاری ازکشورها رواج یافت.اززمان پتراول نیزایـن سال شماری وارد روسیه شد.ما(منظورمـردم شوروی استـم.)این سال شماری را هنوز هم مورد استفاده قـرارمی دهیم، زیراکه تقریباً درتمام دنیا پذیرفته شده.مثلا وقتی‌که ما می‌گوییم فلان واقعه درسال۱۹۶۱،درکشورشوروی،اتفاق افتاده،هم‌آمریکایی می‌تواند بفهمدکه درچه سالی بوده،هم چینی وهم‌آلمانی.

حساب‌کنیدکه ازسال اول میلاد تا امـروز چندسال تمام‌گذشته. مدت زمانی راکه ازسال اول میلاد شروع مـی‌شود و تا امروز ادامه پیدامی‌کند،« عصرما » یا سال‌های بعد ازمیلادمی‌نامندکـه با علامت «ب.م.»نشان داده می‌شود.

۱۰۰سال = یك قرن یایك سده .

۱۰قرن = یك هزاره.

از ابتدای عصرما تاکنون تقریباً ۲هزاره یابطور دقیق‌تر،۱۹قرن

کامل گذشته و اکنون قرن بیستم درجریان است. مادرقرن بیستم زندگی می کنیم .

در «نموداری که سیرزمان را درعصرما نشان می‌دهد،ازپایین به بالا، قرن‌ها وهزاره‌های بعداز میلاد مشخص شده .

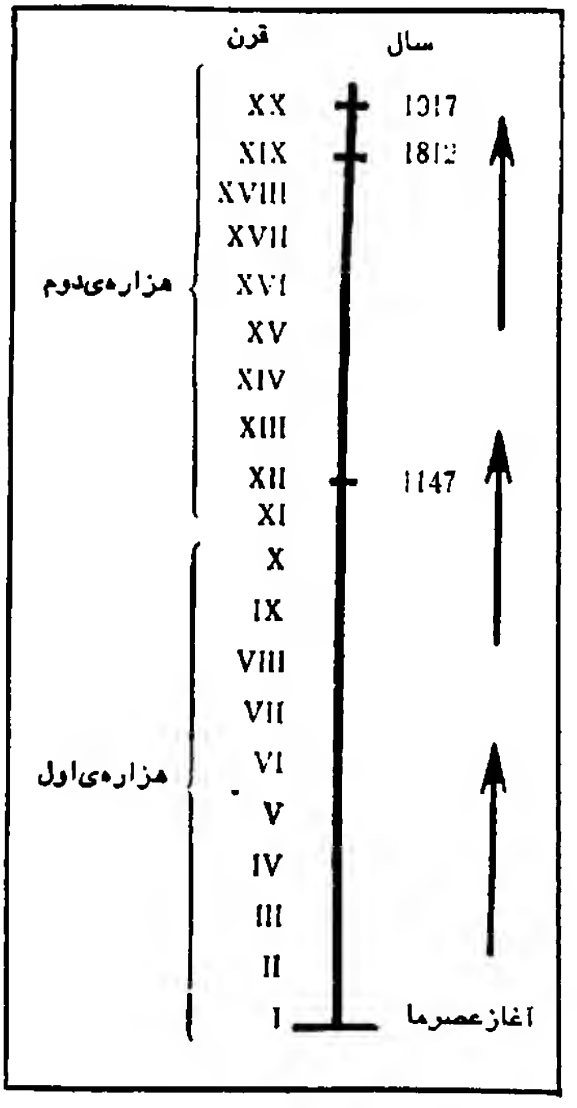

«نمودار زمان» عصر ما

۳ـ شمارش‌های پیش از عصرما (قبل‌ازمیلاد)

وقایع بسیاری وجود دارد که زودتر ازعصرما اتفاق افتاده . ما می‌گوییم که این وقایع مربوط به «قبل‌ازمیلاد» یاپیش از عصرما است و این علامت رابرای آن می‌گذاریم: ق.م.

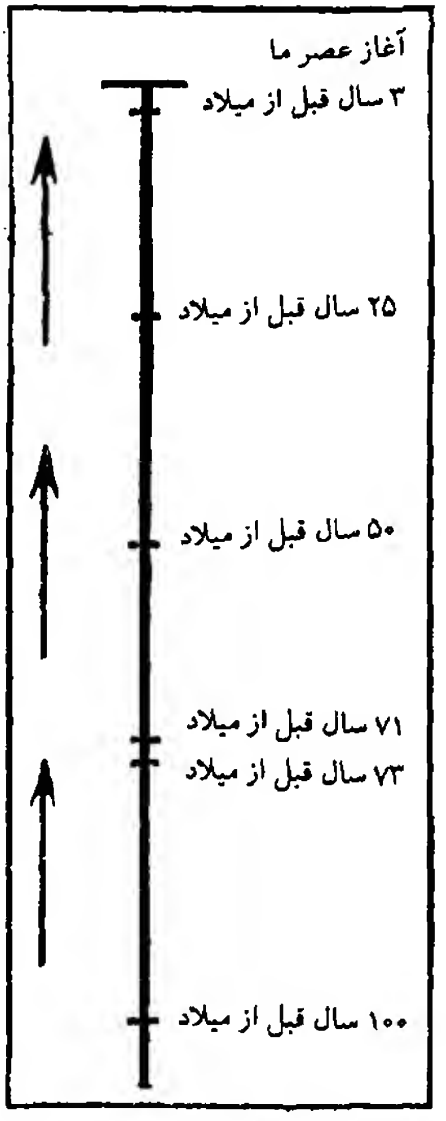

«نمودار زمان» یک قرن قبل از میلاد

دراین «نمودار زمان» یك قرن قبل از میلاد ترسیم شده. وقایع قبل ازمیلاد هرچه زودتر اتفاق افتاده باشند ، شماره‌ی سالی که نشان دهنده‌ی تاریخ آن ها است ، بیشتر است. مثلا قیام‌معروفی که زیررهبری اسپارتاکوس بود درسال ۷۳ ق.م.اتفاق افتاد ودوسال نیز طول کشید. بنابراین، درطول سال ۷۲ ق.م. ادامه داشت ودرسال ۷۱ ق.م. تمام شد. فکر کنید ببینید، یك سال بعد از سال ۷۱ ق .م. چه سالی بوده .

به تصویر رنگی‌شماره‌ی۲ نگاه می کنیم. دراین تصویر«نمودار زمان» برای هفت هزارسالی که ازپیدایش کشاورزی می گذرد (تقریباً) ترسیم‌شده .

دراین نمودار ازبرخی وقایع تاریخ جهان‌باستان یاد شده . در کنارقسمت سبزرنگ طرف چپ نمودار، نشان داده شده که این‌وقایع تقریباً چند هزارسال پیش، اتفاق افتاده .

درطرف راست «نمودار»، هفت هزار سال به دوقسمت تقسیم شده: دوره‌ی قبل‌ازمیلاد ودوره‌ی بعد از میلاد. رنگ زرد دوره‌ی‌پس ازمیلاد رانشان می‌دهد. این دوره، تقریباً دو هزارسال طول می کشد . رنگ قرمز، دوره‌ی قبل ازمیلاد را نشان می‌دهد. درقسمت قرمز،نشان داده شده که وقایع‌روی نمودارتقریباً چندسال قبل ازمیلاد روی داده.

کشاورزی تقریباً هفت هزارسال پیش به وجود آمد . از این مدت دوهزارسالش مربوط به بعد از میلاد (دوره‌ی ما) است . یعنی

اینکه، کشاورزی تقریباً ۵هزارسال قبل ازمیلاد پیداشده .

۵ هزار = ۲هزار- ۷هزار

نوشتن دربرخی کشورهانزدیك به۳/۵هزار سال‌قبل‌ازمیلا شد. ازآن زمان تاکنون، بجزاین ۳/۵ هزارسال، نزدیك به۲هزارسال دیگر نیزکه دوره‌ی پس ازمیلاد است‌گذشته . بدین ترتیب، نوشتن نزدیك ۵/۵ هزارسال پیش (۵/۵=۲+۳/۵) به وجود آمده .

دولت، درمصرباستان، نزدیك ۵هزارسال پیش تشکیل شد. ابتدا جای این واقعه را روی نمودارزمان پیداکنید وسپس حساب کنید که این واقعه تقریباًچند هزارسال‌پیش ازمیلاد روی داده.

نزدیك به۱/۵هزارسال قبل‌ازمیلاد، دولت مصرباستان بیشترین قدرت رابه دست‌آورد. جای این واقعه راروی نمودارزمان پیداکنید و بگویید که تقریباً چند هزارسال‌پیش‌روی داده .

ازروی نمودارمعین‌کنیدکه دولت مصرباستان چه زمانی نابود شده وبگوییدکه این‌زمان تقریباً چند هزارسال پیش بوده.

تمرین‌های تکمیلی

کدامیك ازسال‌های زیرقدیم‌تراست وچقدر قدیم‌تراست :

۳۰سال قبل‌ازمیلاد یا ۳۰سال بعدازمیلاد؟....

درسال ۷۰ قبل ازمیلاد ستونی‌درکنارجاده نصب کردند. درسال

گـذشته این ستون به موزه بـرده شد. این ستون چند سال در کنار جاده بود؟

درسال ۱۹۰۰ گنجی پیداشد که ۲۲۴۰سال درزیرخاك مانده بود. درچه سالی این گنج را درزیرخاك پنهان کرده‌اند ؟

شرق (خاور)[1] باستان

فصل دوم

مصر باستان

درزمان باستان ، تمام مردم جهان به صورت جماعت نخستین زندگی‌می کردند. آنها در آغاز به‌گردآوری خوراك، شکار وماهیگیری می‌پرداختند وسپس رفته رفته به‌کشاورزی ودامداری رسیدند .

یکی‌ازکشورهای کشاورز دیرین، مصربود که درشمال خاوری آفریقا قرار دارد (به نقشه همراه کتاب نگاه کنید) .

۱ـ در قدیم، چون دریای مدیترانه را وسط زمین می‌پنداشتند (کلمه‌ی «مدیترانه» هم در زبان فرانسه، همین معنی را می‌رساند)، در نتیجه به‌کشورهایی که در شرق این دریا قرار داشت، «شرق»، (یا«خاور») می‌گفتند. هنوز هم اصطلاح‌های «شرق»، «خاورمیانه»، «خاور نزدیک»، «عرب» و غیره در بسیاری از زبان‌های دنیا به‌شدت رواج دارد ـ مترجم.

بند۶

طبیعت ومردم دیرین مصر

۱- وضع جغرافیائی مصر باستان

درشمال شرقی (خاوری) آفریقا بخش بیشترسال گرمای سخت است وخیلی‌هم کم باران می‌بارد . بیابان‌های شنی و سنگلاخ هزاران کیلومترگسترش دارد. فقط درجاهائی که چشمه‌ای اززمین می‌جوشد ، مقداری علف سبز کرده ودرختانی نیزاز زمین روییده‌اند .

ازجنوب به شمال این بیابان ، رود نیل که یکی از بـزرگترین رودهای جهان است، می‌گذرد. این رود ازدریاچه‌های بزرگی‌سرچشمه

می‌گیرد که درنزدیکی خط استوا قرار دارند . (درروی نقشه‌ی همراه کتاب، دریاچه‌ها ورودنیل راپیداکنید.) درمسیر نیل آبشارهائی قرار دارند. رود نیل پس ازگذشتن از این آبشارها، نزدیك به ۷۰۰ کیلومتر راه‌هموار رابه سوی دره‌ای عمیق‌می‌پیماید. اطراف‌این دره‌راپرتگاههای بلند سنگی فرارگرفته‌اند. پهنای دره ۱۵-۱۲ کیلومتر است.

نیل‌قبل ازاینکه‌به دریای مدیترانه بریزد ازدشتی هموارمی‌گذرد. دراین دشت، رودخانه به شاخه‌های زیادی تقسیم می‌شود ونیز تشکیل دلتا می‌دهد .

درمیان دره‌ی نیل، درشمال آبشارهـا ونیز در دلتای این رود ، مصر باستان قرار داشت .

۴ــ طغیان نیل.

درماههای تابستان،درآفریقای مـرکـزی یعنی درانتهای جنوب مصر،بارانهای شدیدی می‌بارد. دریاچه‌هایی کـه نیل ازآنها سرچشمه میگیرد طغیان می کنند.درهمین‌موقع،درکوههائی که شاخه‌های ابتدایی نیل‌ازآنها سرچشمه می‌گیرد،برف‌ها آب می‌شوندوجریانهای خروشان آب که به سوی‌رودخانه سرازیرمی‌شوند،قشرهای کوه راباخودمی کنند ومی‌برند .

آب رودخانه‌ی نیل به سرعت افزایش می‌یابد. نیل از سواحل خود درمی‌گذرد، وسیعاً گسترش می‌یابد و تقریباً تمام دره را فرا مـی‌گیرد. فقط تپه‌ها، مانند جزیره‌هایی از میان پهنه‌ی وسیع آب سر برون می‌کنند.

تصویر ۱۸ـ بوته‌زارهای پاپیروس در رودخانه نیل

نیل، هنگام طغیان، توده‌هایی از خرده‌های گیاهان آبی و نیز از قشرهای شسته شده از کوه را با خود از دریاچه‌ها می‌آورد. آب رودخانه، از گیاهانی که همراه آن است، به‌رنگ سبز روشن درمی‌آید و سپس، در اثـر آمیختن با قشرهای کوه، مانند خون قرمز می‌شود. خرده‌های بسیار ریز قشرهای کوه و گیاهان فاسدشده به شکل گل ولای در روی ساحل‌های غرق شده

درآب رسوب می کنند. درماههای نوامبر، آب فرو می‌نشیند ورودخانه درمیان‌سواحل‌خودمهارمی‌شود. پس‌ازطغیان، زمین‌های دره نه‌تنهاخوب آب کشیده‌اند ، بلکه بوسیله‌ی قشری کلفت ازگل ولای سیاه و بسیار حاصلخیز پوشانده شده‌اند .

۳ـ رستنی‌ها وحیوانات مصرباستان.

طغیان نیل تمام دره را یـك اندازه آبیاری نمی کرد. جاهایی کـه آب به‌آن نمی‌رسید، به بیابان تبدیل شده بود، درصورتی که‌درجلگه‌های پست آب زیادجمع می‌شد وتشکیل‌مرداب می‌داد.

مرداب‌هاو آبگیرهای کوچك‌رودخانه‌ازپاپیروس یعنی نی‌هایی که دوتا سه برابرقامت‌انسان‌است پوشیده‌شده‌بود. سواحل رودخانه نیز پربوداز بوته زارهای انبوه، نخل‌های بلند وگندم وجووحشی.

در بوته زارهای پا پیروس، پـرندگان آبـی‌لانـه مـی‌ساختند. در رودخانه نیزماهی زیادی وجود داشت. صدها نهنك درجاهای کم عمق آن درازمی کشیدند ودرآب شنا می کردند. درسواحل، گله‌های گاوان نر می‌چریدند وشیرهادرکمین شکار مـی‌نشستند. انبوه حشرات بـرفـراز مرداب‌های گندیده پروازمی کردند . درمرداب‌ها نیز، جانوران زهـردار زیادی وجود داشت.

در آن زمان،مردم مصردردوران سنگ زندگی می کردند. آنها به صورت خانواده وقبیله می‌زیستند.خانواده راریش‌سفید اداره می کرد.

انسان‌هاشکاروماهیگیری می کردند،دانه ومیوه گرد می آوردند.و سپس هم به کشاورزی کلنگی پـرداختند.دست‌آوردهـای شکارچیان و ماهیگیران وهمچنین محصول گرد آمده،از آن تمام‌خانواده بود.

اغلب بین قبیله‌ها برسرجـاهای مناسب بـرای شکارو کشاورزی دعوامی‌شد. گاهی این‌دعوا به جنگ‌تبدیل می گردید.قبیله‌ها،هنگام جنگ، برای خود«رهبر»یا سر کرده‌ی جنگی انتخاب می کردند .

آنها درهنگام جنگ،اگراسیری می گرفتند،اورا می کشتند،زیـرا کاراسیرها برای خانواده‌ای که‌آنها را اسیرمی کرد سودی نـداشت.بـا کلنگ فقط قطعه زمین‌بسیار کوچکی‌را می‌شد شخم‌زد وتمام محصولی هم که ازاین قطعه زمین به دست می آمدبه مصرف خوراك خوداسیران می‌رسید.

زندگی مردم دیرین مصرسخت وخطرنـاك بـود.انسان چـه در خشکی‌وچه دردریاطعمه‌ی‌درندگان می‌شد.بیماری‌هایی که ازمرداب‌هـا به وجود می‌آمد درمیان مردم بیدادمی کرد.طغیان‌ها خـانـه و کاشانه‌ی انسان را ویـران مـی‌ساخت . انسان‌هـا ، برای این که ازباطلاق‌ها و بیشه‌زارها قطعه‌ی کوچك زمین قابل کشتی بسازند،زحمت بسیار زیادی

می‌کشیدند.

پرسش و تمرین

۱ـ طبیعت مصرباستان با طبیعت محل زندگی شما چه فرقی‌هایی دارد؟
۲ـ اگر طغیان نمی‌شد، دره‌ی نیل به‌چه صورتی درمی‌آمد؟
۳ـ آیا شرایط طبیعی مصرباستان، زندگی را برای مردم دشوار می‌کرد؟
۴ـ مردم دیرین مصر با چه نظام اجتماعی‌ای زندگی می‌کردند؟
۵ـ شرح دهید که چرا مردم دیرین مصر، معمولاً اسیران را می‌کشتند.

بند ۷

آغاز کشف فلزات و پیشرفت کشاورزی

کشاورزی در مصر باستان

۱ـ ساختن ابزار کار از مس

انسان، هنگام کار با سنگ، دریافت که برخی از سنگ‌ها نرم‌تر از سایرین‌است. وقتی که این «سنگ‌ها» به داخل آتش می‌افتاد ذوب می‌شد و پس از سردشدن شکل تازه‌ای به خود می‌گرفت. درواقع، این‌ها سنگ نبودند، بلکه تکه‌های مس و یا سنگ مس بودند که انسان‌ها در جاهایی که معادن مس وجود داشت با آن برخورد می‌کردند.

این معادن در نزدیکی مصر، در شبه جزیره‌ی سینا قرار داشتند. نزدیک ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مصری‌ها مسکاری آموختند.

مس را در کوره‌های مخصوصی که گرمای خیلی زیادی داشت ذوب

می‌کردند. درروی زمین یا درروی سنك نرم، به هرشکلی که دلشان می‌خواست، گودالی می‌کندندومس‌ذوب شده را درون‌آن می‌ریختند. مس ذوب شده پس از اینکه سرد می‌شدبه شکل‌گودال درمی‌آمد. بدین ترتیب، انسان‌ها تبر، سرکلنگ، خنجروچیزهای ریخته‌ای دیگری ساختند.

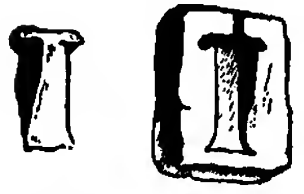

تصویر ۱۹ـ تبرمسی و قالبی که در آن تبر را ریخته‌اند.

مس‌فلزنرمی بود وابزارهایی که‌ازآن ساخته می‌شدبه زودی‌کند وفرسوده می‌گردید.

با وجوداین با ابزارهای مسی خیلی بهتراز ابزارهای سنگی می‌شد زمین راکند، کلوخ‌های‌آن راخردنمود وهمچنین چوب وحتی سنك را تغییرشکل داد.

با پیدا شدن ابزارکارمسی نزدانسان‌ها، «دوره‌ی سنك» تمام شد و «دوره‌ی فلزات» آغازگردید.

۲ـ مبارزه‌ی انسان با شنزار، مرداب و بوته‌زار

باپیدایش ابزارکارمسی‌درمصر، مصریان پیروزمندانه‌ترازگذشته

به مبارزه باشنزار،مرداب وبوتـه زارپرداختند.

مصریان دورتکه زمین‌های خود را باشیوارهایی‌ازگل ونی سد می‌کردند.دراین دیواره‌ها نیزدروازه‌هایی‌درست می‌کردند،برای اینکه درموقع‌طغیان،آب‌تکه زمین‌آنهارا فراگیرد.سپس‌دروازه‌ها رامی‌بستند تاآب خارج‌نشود وزمین‌راخوب سیرآب کند.برای زمینهایی‌که طغیان آنها را فرا نمی‌گرفـت ،مصریان ازرودخـانـه بـه سوی‌آنها کانال می‌کشیدند.

درزمین‌های‌باتلاقی نیزکانال می‌کندندتاآب‌اضافی این زمین‌هابه رودخانه‌ها برود.بوته‌ها ونی‌ها را نیز با تبرهای مسی می‌بریدند.

معمولا بادکانال‌های‌آنها راازشن پرمی‌کرد.طغیان نیل‌سدهایشان را خراب می‌نمود ومـردم مجبوربودند هرساله‌آنها راتعمیرولاروبـی کنند.

برای ساختن وتعمیرکردن سدها وکانال‌ها هزارها نفر ازمردمی که درهمسایگی هم‌زندگی می‌کردند دسته جمعی‌کارمی‌کردند.

درسایه‌ی‌کارانسان‌ها،زمین‌های‌زیادی دردره ودلتای نیل‌آماده‌ی کشت می‌شد.

کشاورزی و دامداری، پیشه‌های اصلی مصریان

مصریان برای اینکه شخم زمین زودتـرانجام بگیرد، انـدازه‌ی

کلنگ را بزرگ کردنـد و آن را به چوبدستی بلندی بستند. چند نفر زن چوبدستی را می‌گرفتند، آن را می‌کشیدند و با کلنگی که در نوک آن بسته شده بود روی زمین شیار می‌انداختند. برای اینکه شیارها گودتر باشد، برای کلنگ دسته‌هایی درست می‌کردند و یك نفر دسته‌ها را مـی‌گـرفت و در حالی که به دنبال کلنگ می‌رفت، روی دسته‌های آن فشار وارد می‌ساخت. بدین ترتیب بود که « خیش دیرین »(تصویر ۲۰) اختراع شد. بعداً بـه خیش، گاو بستند. اختراع خیش، شخـم زدن زمین را خیلی آسان‌تـر و بهتر کرد.

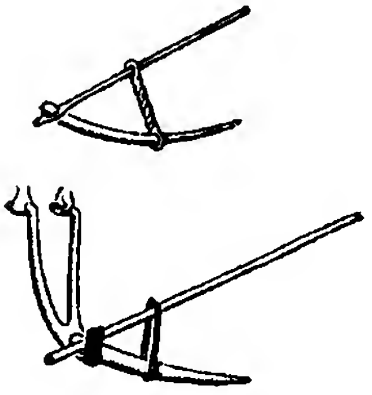

تصویر ۲۰ـ کلنگ و خیش باستانی در مصر

مصریان جو، گندم و کتان می‌کاشتند و سبزی‌کاری می‌کردند. آنها گوسفند، بز، خوك و حیواناتی را که دانه‌ها را لگد می‌کردند از کشتزارهای خود بیرون می‌راندند. مصریـان خوشه‌های رسیده را با داس‌های چوبی که تیغه‌ی سنگی تیزی داشت درو می‌کردند. آنها برای اینکه دانه را از خوشه جدا کنند، خوشه‌ها را درروی زمین پهن می‌کردند و حیوانات را در روی آنها راه می‌برند.

تصویر ۲۱ـکشاورزان دارند دام خا را در روی خوشه‌هایی که روی زمین پهن شده، را می‌برند (این تصویر، کار خود مصریان‌باستان است.)

چون کار کردن باخیش وگاو برای زنها سخت بود، بدین جهت مردها درروی کشتزارها کار می کردند.

درچهارهزارسال‌قبل‌ازمیلاد، کشاورزی ودامداری پیشه‌ی اصلی مصریان شد.

۴ـصنعت دستی

کشاورزان‌مصر، تقریباً تمام چیزهایی‌راکه لازم داشتند، خودشان می‌ساختند: آنها کرباس‌های زمختی برای لباس می‌بافتند، ازنـی‌حصیر درست می کردند که‌روی آن بخوابند وازگل ظرف می‌ساختند.

اما ساختن ابزار کارمسی‌واسلحه راهمه‌کس نمی‌توانست انجام دهد. برای این کارمهارت زیادی لازم‌بود. این‌مهارت درنتیجه‌ی. سال‌های طولانی‌آموزش‌وکاربه دست‌می‌آمد. معمولا،فرزندان اشخاص‌با مهارت ازبچگی، هنگام‌کار، بـه پدرخـود کمك می کـردنـد واز اومهارت می‌آموختند.

مصریان‌کارکـردن‌روی طلاونقره را نیزیادگرفتند. آنها ازطلاو نقره زینت‌آلات می‌ساختند.

آنهایی که‌کارکردن روی‌فلزات رایادگرفته‌بودنددیگر کشاورزی ودامداری نمی‌کردند وفقط ابزارکار،اسلحه وزینت‌آلات می‌ساختند. ساختن‌چیزهایی که‌بادست‌درست‌می‌گردد، صنعت دستی نامیده می‌شود وکسانی راکه بدین‌کارمشغولند«صنعتگر»می‌نامند.

پرسش و تمرین:

۱ـ مصریان، در چهارهزار سال پیش از میلاد چه پیروزی‌هایی در ساختن ابزارکار و کشاورزی به‌دست آوردند؟

۲ـ شما در باره‌ی اهمیت آتش در زندگی انسان‌های باستانی، از بند هفتم این کتاب چه چیز تازه‌ای یاد گرفتید؟

۳ـ در روی «نمودار زمان» (تصویر زنگی شماره ۲) موقعی راکه، برای اولین بار، کارکردن در روی مس، در مصرباستان، آغاز شده پیداکنید. تقریباً چند هزار سال قبل، مصریان کارکردن روی مس را آغازکردند؟

بند ۸

تشکیل طبقات و دولت در مصر

باپیشرفت کشاورزی ودامداری درمصروپیدایش ابزار کارمسی، دوران زندگی نظام جماعتی نخستین درمیان مصریان به پایان رسید. اما این کارچرا وچگونه انجام گرفت؟

۱ـ ازهم پاشیدن جماعت خانوادگی

حتی یك خانواده‌ی کوچك هم مـی‌تـوانست تکه زمینی راکـه طغیان آن راکود داده بودبه وسیله خیش شخم بزند وبکارد. دیگر لزومی نداشت که افرادیك خانواده‌ی بزرگ همه بـا هم بـه طوردسته جمعی

زمینی را کشت کنند.

ریش سفیدان تکه‌های زمین‌را به خانواده‌های کوچك که جزء ازجماعت خانوادگی‌بودند واگذار کردند. هـر خانواده‌ی کوچك خودش دارایی جداگانه‌ای به وجود آورد. این خانواده‌هـا دیگر صاحب ابزار کار، چندتـا حیوان و کلبه نیز بودند. هرخانواده تکه زمین خودش را کشت می کرد و باغچه‌ی خود را پرورش می‌داد. محصول گـرد آوری شده نیز به این خانواده‌های کوچك تعلق داشت. بدین تـرتیب واحـد اقتصادی[1] بزرگ جماعت خانوادگی به واحـدهای کـوچك اقتصادی خانواده‌های کوچك وجداگانه تقسیم شد.

با ازهم پاشیدن جماعت خانوادگی، برابری بین‌خویشاوندان از بین رفت. بیشترخویشاوندان هریك تکه زمین کوچکی‌بدست آوردند و خودشان‌به‌کار کردن درروی آن پرداختند. آن‌ها به کمك همسایگان خود کانال وسدمی‌ساختند و نیز آنهارا تعمیرمی کردند. زمینکارانی که خودشان واحداقتصادی کوچکی‌داشتند، **کشاورز** نامیده می‌شوند.

رهبران قبیله‌ها وریش‌سفیدان تکه‌های‌بزرگی‌از بهترین زمین‌هایی راکه به جماعت خانوادگی تعلق داشت به چنك‌آوردند .

---

۱. واحد اقتصادی کشاورزی، عبارت از کشاورزی در یک قطعه زمـین اغلب کوچک، به‌اضافه‌ی نگهداری چند سردام و کمی هم صنایع دستی خانگی است. واحد اقتصادی کشاورزان، به‌وسیله‌ی تمام افـراد آمـاده‌ی کـار خـانواده، براساس تقسیم کار جنسی بین آنان (تقسیم کار بین زن و مـرد) اداره مـی‌شود- مترجم.

با ابزارکارمسی وخیش ،انسان می‌توانست بیشترازگذشته غله به دست‌آورد.محصولی‌که ازکشتزارها به دست می‌آمد تنها بـه مصرف خوراك مردم ونیزبذرپاشی زمین نمی‌رسید،بلکه مقداری هم ازآن‌باقی می‌ماند.این‌محصول باقی مانده نصیب کسی می‌شدکه مردم برایش کار میکردند.

هنگامی‌که حـاصل‌کارانسان بیشترازمصرف او شده بـود دیگرمردم اسیران را نمی‌کشتند،چون وادارکردن‌آنها بـه‌کار فایده داشت.

در نتیجه،ریش سفیدان ورهبران اسیران را نزدخودنگه داشتند وآنها را به برده‌ی خودتبدیل کردند.پیش ازاین،اسیران را «کشته» می‌نامیدند ولی اکنون دیگربه برده‌ها «کشته‌ی زنده »می‌گفتند.

تصویر ۲۲ - «کشته‌های زنده» (این تصویر، کـار خـود مـصریان‌باستان است).

برده‌ها زمین‌های ریش سفیدان و رهبران را کشت می‌کردند، برای ساختن سدها و کانال ها کارمی کردند وگله‌های آنها را به چرا می‌بردند. برده‌ها به ارباب خودتعلق‌داشتند. صاحبان برده‌ها می‌توانستند آنها را بکشندویابفروشند، درست مانندام. بردهها هیچ چیزازخود نداشتند. آنها فقط ازارباب خودمقدارغذایی راکه برایشان لازم بودتا بتوانندکارکنند می‌گرفتند.

ریش سفیدان ورهبران، صاحبان برده‌ها بودند، یعنی **برده‌دار** به حساب می‌آمدند. خود آنها درروی کشتزارها کارنمی کردند. سرووضع برده‌داران با سایر مردم مصرفرق داشت. لباس آنها ازپارچه‌ی کتانی ظریف بود، درروی کمرشان خنجری مسی می‌بستندکه دسته‌اش با طلا آراسته شده بود. آنها دستبندهای طلا در دست وگردن بند درگردن خود داشتند.

درهزاره چهارم قبل ازمیلاد، درمصر، طبقه‌ها به وجودآمد: **طبقه‌ی ستمگر برده داران بودندوطبقه‌ی ستمکش بردگان**، که‌برای ستمگران کارمی کردند.

۳ـ اولین دولت‌ها درمصر

بردگان تلاش می کردندکه‌ازستم‌برده‌داران رهاشوند. کشاورزان

دربرابر اشغال زمینشان به وسیله برده‌داران،مقاومت می کردند.

فقط با زورمی‌شدمقاومت برده‌ها و کشاورزان را درهم شکست و آنها را مجبور کرد که ازبرده‌داران اطاعت کنند.

رهبران که ثروتمندترین برده‌داران قبیله بودند رسته‌های کاملا مسلح سرباز، **نگهبانان ومراقبان** بسیار دراختیار داشتند. مراقبان کار

تصویر ۲۳. جنگجویان مصری بانیزه و سپر (این پیکره‌ها به‌وسیله‌ی مصریان باستان ساخته شده.)

کردن برده‌هارا زیر نظرمی گرفتندو برده‌های فراری رادستگیرمی کردند و به‌ارباب برمی گرداندند. نگهبانان وسربازان زمین‌هایی راکه برده‌داران اشغال کرده بودندنگهداری می کردند و کشاورزان و بردگان نافرمان را با چماق کتك می‌زدند و به زندان می انداختند .

تعدادنگهبانان وسربازان پی‌درپی زیاد می‌شدودرنتیجه قدرت رهبرافزایش‌می‌یافت. اودیگرنه جلسه‌ی‌عمومی‌تشکیل‌می‌داد ونه شورای ریش سفیدان وخودش به تنهایی در باره‌ی همه‌ی‌کارها تصمیم‌میگرفت رهبران دیگربه **پادشاه**تبدیل شده بودند.

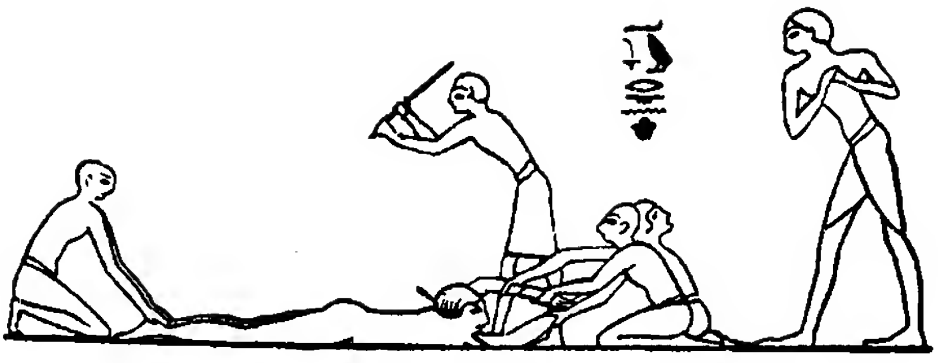

تصویر ۲۴. مجازات با چماق (این تصویر، کار خود مصریان باستان است).

بدین ترتیب درهزاره‌ی چهارم قبل‌ازمیلاد درمصردولت‌هایی به وجودآمد. تعداد این دولت‌ها نزدیك به چهل تا بود. دررأس هریك از این دولت‌ها یك پادشاه قرارداشت.

دولت مقاومت برده‌ها و کشاورزان را سرکوب می‌کرد و اززندگی ودارایی برده داران دفاع می‌نمود.

با پیدایش ابزارمسی و پیشرفت کشاورزی ودامداری، نظام جماعتی نخستین در مصر به نظام برده داری تبدیل شد. در نظام برده داری برخی‌ازمردم که برده دار نامیده می‌شدند بقیه‌ی مردم راکه برده بودندصاحب می‌شدند وآنها را مجبور می‌کردندکه برایشان کارکنند.

پرسش و تمرین:

۱. در مصرباستان، کشاورز به‌چه کسی می‌گفتند؟ فرق بین کشاورز و برده چه بود؟ چه چیزشان با همدیگر شبیه بود؟

۲. شرح دهید که چرا در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد از کشتن اسیران خودداری می‌کردند.

۳. در مصرباستان، چه طبقه‌هایی تشکیل گردید؟

۳. چرا با تشکیل طبقه‌ها دولت نیز به‌وجود آمد؟ چرا در نظام جماعتی نخستین دولت وجود نداشت؟

بند ۹

دولت مصر باستان

۱ـ تشکیل دولت یگانه درمصر

برده داران تلاش می کردند که برده‌ها،دام‌ها وسایردارایی‌های همسایگان خویش را به چنگ آورند. بدین‌جهت بین دولت‌هایی که‌در مصر تشکیل شده بود،پی‌درپی جنگ درمی‌گرفت. پادشاه دولتی که در جنگ پیروزمی‌شد زمین‌های دولت شکست خورده راجزوزمین‌های خودش می کرد . درنتیجه ، رفته‌رفته دو پاد شاهی بزرك تشکیل گردید:یکی دردره‌ی نیل‌ودیگری دردلتای نیل.

درباره‌ی جنگ‌هایی که بین‌دوپادشاهی(شمالی وجنوبی)درگرفته تصویرهایی‌وجود دارد که این تصویرهادرروی‌تخته سنگی‌نرم کنده‌شده.

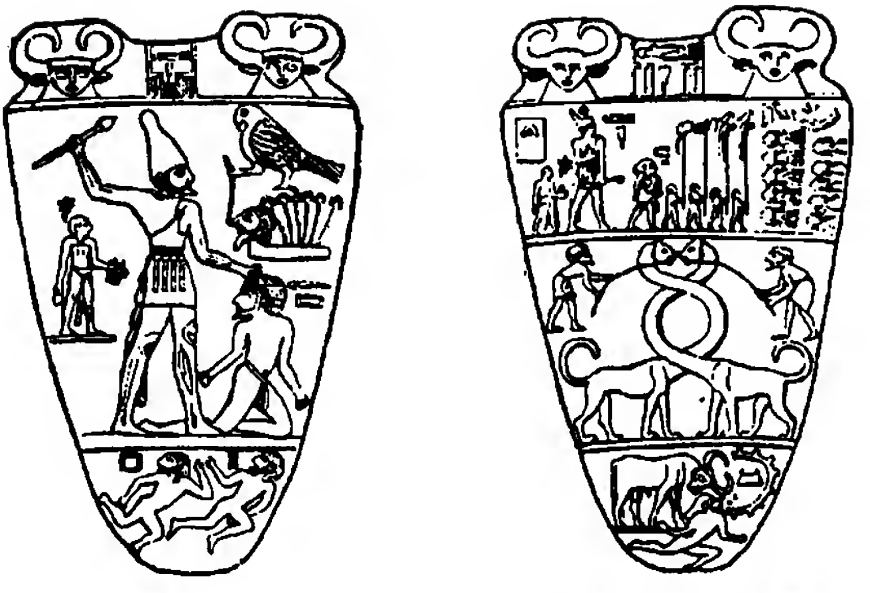

تصویر ۲۵. (تصویرهای باستانی که برروی تخته سنگ کنده شده، چه چیزهایی را برای ما می‌تواند روشن کنند؟)

دریك طرف تخته سنگ (سمت چپ) ، یك نفر جنگجو موهای سریك دشمن اسیررا گرفته ودارد اورابا چماق تهدید می‌کند. برسر او تاج بلندی قراردارد که به بطری شبیه است. این تاج نشان می‌دهدکه او پادشاه سرزمین جنوبی مصر است. درطرف راست پادشاه، خدایی به شکل شاهین قرار دارد. این شاهین باپای خود ریسمانی رانگه داشته است که کله‌ی یك اسیربه‌آن‌آویزان است (درمصرباستان، غالباً تعداد برده‌ها واسیران‌را، مانند حیوانات، باشمردن سرهایشان معلوم می‌کردند). درزیرپای شاهین ودرکنار کله‌ی‌اسیر۶ ساقه‌ی گیاه نیز قراردارد . هرساقه‌ی گیاهی به معنی عدد هزار است. بدین ترتیب ، معنی۶ساقه‌ی گیاه ویك کله‌ی فوق برروی هم این است که پادشاه شش‌هزار نفررا اسیرکرده است. درقسمت پائین، تصویر دو دشمن درحال فرار دیده می‌شود. طرف دیگرتخته سنگ (سمت راست)،

بقیه در صفحه بعد

درپایان هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، پادشاه سرزمین جنوبی، دلتای نیل را فتح کرد. بدین ترتیب نزدیک ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد دولت یگانه مصر به وجود آمد. سرزمین این دولت از آستانه‌ی رود نیل تا دریای مدیترانه گسترش یافت. پایتخت این دولت شهر ممفیس بود. پادشاه دولت مصر باستان، فرعون نامیده می‌شد.

۲ـ اداره‌ی دولت مصر

تمام سرزمین مصر به ایالت هایی تقسیم شده بود در هر ایالت، رئیسی وجود داشت که به وسیله‌ی فرعون تعیین می‌شد. این رئیس مأموران، نگهبانان و سربازان زیادی در اختیار داشت.

مأموران از مقدار زمین، تعداد دام‌ها، تعداد درختان میوه و تاك

دنباله‌ی داستان است. در قسمت زیر، پادشاه به‌صورت گاونر است که دارد قلعه‌ی دشمن را خراب می‌کند. در قسمت بالا، اسیرانی دراز کشیده‌اند که سر ندارند و سرهای بریده‌ی آنها را میان دوپایشان گذاشته‌اند. در طرف چپ این اسیران، سربازان دارند پرچم‌های پادشاهی جنوبی را حمل می‌کنند. در پشت سرآن‌ها ابتدا سرکرده‌ی جنگی و سپس پادشاه و خدمتکارش در حرکتند. او تاج پادشاه سرزمین شمالی مصر را بر سر خود نهاده است. این بدان معنی است که پادشاه، آنجا را فتح کرده.

(اندازه‌ی عکس پادشاه را با اندازه‌ی عکس خدمتکار نزدیکش و همچنین سربازان ساده مقایسه کنید.) معنی تصویر قسمت وسط تخته‌سنگ هم هنوز روشن نشده.

های انگور هریك از کشاورزان صورت برداری می کردند .

تصویر ۲۶. مأمور (منشی) مصری (این مجسمه، کار خود مصریان باستان است.)

او آماده است که دستور رئیس خود را یادداشت کند. چشمان او به رئیس دوخته شده و گوش‌هایش به‌هر کلمه‌ی رئیس با دقت گوش می‌دهد

تمام این کشاورزان می‌بایست مقداری ازغله وسایر کالاهای خود رابه عنوان مالیات بپردازند(تصویر۲۷.)درسراسر مصرانبارهای‌بزرگ پادشاهی وجود داشت. این انبارها از کالاهایی که کشاورزان می‌آوردند لبریز می‌شد .

۲۷ . جمع‌آوری مالیات درمصرباستان (این تصویر، کارخود مصریان باستان است.)

مراقبان دارند کشاورزانی‌راکه مالیات خوددرا نپرداخته‌اند، به طرف ماموران (منشی‌ها) می‌برند. مأموران دارند می‌نویسند که کشاورزان چقدر باید بپردازند.

گذشته از پرداخت مالیات، کشاورزان می‌بایست درجاهایی که فرعون دستور می‌داد و نیز هرقدر که او دستور می‌داد کار می‌کردند.

بیشتر وقت‌ها، آنها به ساختن و یا تعمیر کانال‌ها و سدها گماشته می‌شدند. هر ساله، مأموران و نگهبانان، برای این کار، عده‌ی زیادی کشاورز وهمچنین برده جمع می‌کردند.

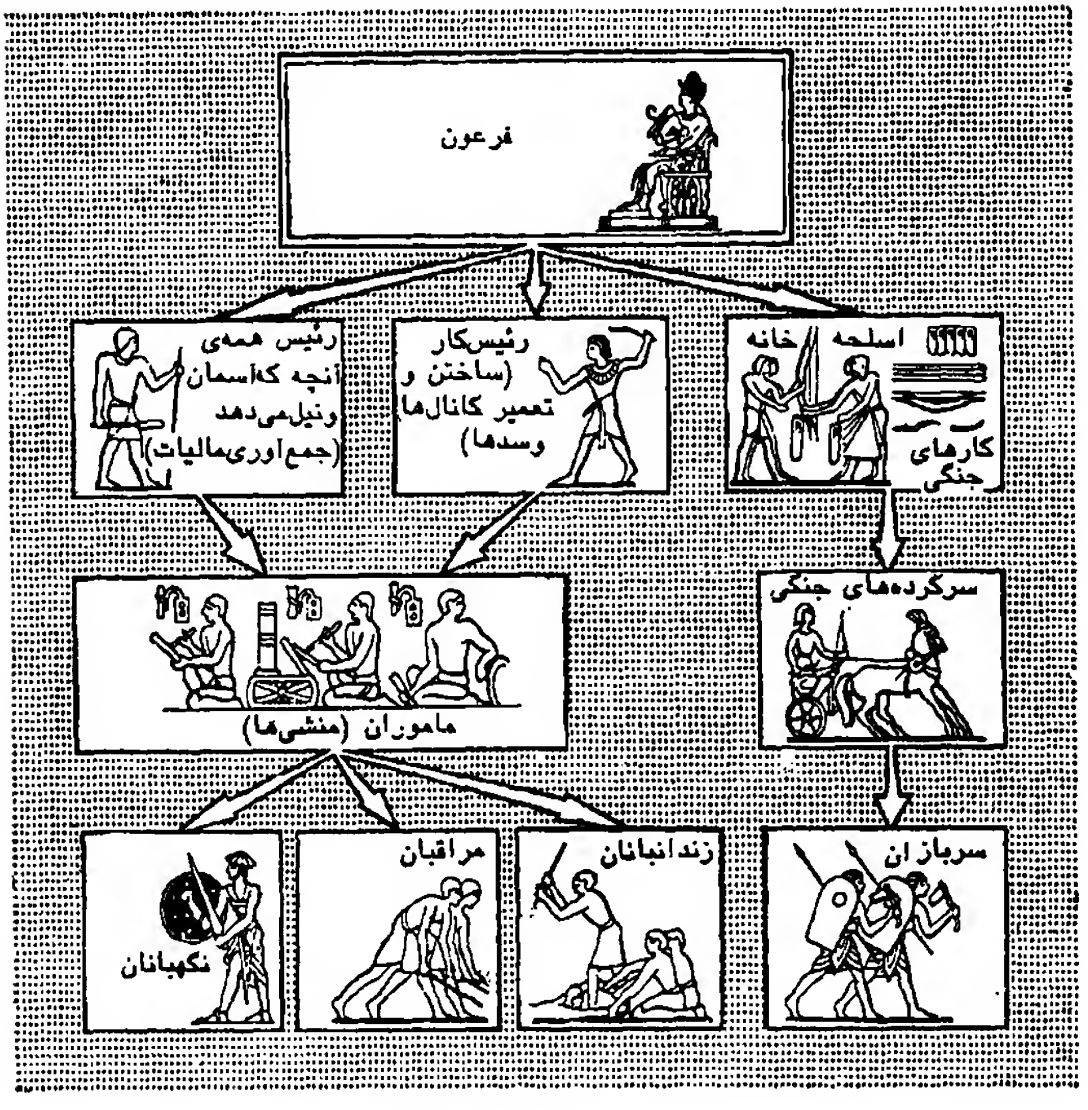

تصویر ۲۸. دولت مصر باستان

شرح در صفحه مقابل ←

برده‌داران برای این که بردگان و کشاورزان را به اطاعت وادارند کوشش می‌کردند که آنها را با قتل و کشتار بیرحمانه بترسانند،

پندی که یکی از فرعون‌ها به پسرش می‌دهد هنوز به جای مانده. او باخشم می‌نویسد: «تحریک کننده[1] را نابود کن، او را بکش، نزدیکانش را از بین ببر و خاطره‌اش را از میان بردار». آن فرعون گوشزد کرده که خطرناکترین دشمنان همین تهیدستان هستند.»

فرعون‌ها به هریك از مأموران و سرکرده‌های جنگی خود می‌گفتند: «آنها را ازخودت بترسان»

رئیس‌های ایالت‌ها وسایر مأموران، کسانی را که برخلاف

تابلو. در این تابلو نشان داده شده، که دولت در مصرباستان دارای چه سازمان و تشکیلاتی بوده. فرمانروایی کل در دست فرعون بود. اداره کلیه کارها به‌سه رشته تقسیم می‌شد: جمع‌آوری مالیات، آبیاری زمین‌ها و کارهای جنگی. در رأس هریک از این سه رشته، یک عالی‌جناب قرار داشت که از طرف فرعون تعیین می‌شد. دو نفر عالی‌جنابی که جمع‌آوری مالیات و آبیاری زمین‌ها را اداره می‌کردند، هزاران مأمور (منشی) در اختیار داشتند. مأموران نیز به‌نوبه‌ی خود، تعداد زیادی نگهبان، مراقب و زندانبان در اختیار داشتند. «اسلحه‌خانه» نیز سرکرده‌های جنگی و سربازان را در اختیار داشت.

۱ـ تحریک‌کننده در اینجا یعنی کسی که مردم را به‌مبارزه با پادشاه دعوت می‌کند.

اراده ی فرعون رفتار می کردندمحاکمه می‌نمودند. محکوم شده‌ها را با چماق کتك‌می‌زدند، به‌زندان می‌انداختند وگوش‌وبینی‌شان رامی‌بریدند. یکی از مأموران باغرور ازبیرحمی خودش تعریف می کند: «من مردم را دچاروحشت کردم. من اسیری را وادار کردم که تعظیم کند. من‌یك نفر شورشی‌را مجبور کردم که اشتباههای خودش را بفهمد.» یعنی اینکه، او شورشی را با شکنجه به اعتراف واداشته.

۴ـ جنك‌های پادشاهی مصر

فرعون ها قشون‌های خود را برای غارت وفتح کردن کشورهای همسایه می‌فرستادند. سربازان ، کشورهای بیگانه راویران می کردند و برده‌ها وسایردارایی‌ها را به تصرف درمی‌آوردند.

سپاه‌های فرعون‌ها شبه جزیره‌ی سینا و نوبیای شمالی راکه در سواحل نیل‌و درجنوب مصرقرار داشت به تصرف درآوردند .

۵ـ «عالی‌جناب‌های خودت را بالابر»

فرعون ها درحالی که کشاورزان وبـردگان را بیرحمانه کشتار

مـی کردند، به سر کردگان جنگی وسایـر یاران خـود زمین، بـرده ودام می‌بخشیدند. یکی از فرعون‌ها به عنوان پند به پسرش می‌نویسد: «نزدیکان درگاه خود را بالا ببر وسربازانت را مقام بده ، به آنها زمین ببخش و دام هدیه کن». یکی ازسرکرده‌های جنگی حکایت می کند که او پس از هریك ازلشگرکشی‌ها، ازفرعون به عنوان هدیه، زمین، طلا و برده گرفته ودرنتیجه، به برده دارثروتمندی تبدیل شده.

دولت نیرومندمصر که تعداد زیادی مأمور، سربازونگهبان دراختیار داشت، **فرمانروایی برده‌دارن را بر بردگان و کشاورزان محکم واستوار** می‌ساخت . درواقع ،این دولت، دولت برده‌داران ویا به عبارت دیگر **دولت برده داری** بود

داستان یکی ازفرماندهان جنگی درباره‌ی لشگرکشی سپاه مصر

(پرسش: با توجه به‌داستان زیر، در مورد هدف جنگ‌هایی که فـرعون‌ها بـه‌راه می‌انداختند چه نظری چه نظری دارید؟)

سپاه پیروزمندانه بازگشت،
درحالی که.
کشورهمسایه را نابودکرده بود،
باغ‌ها وتاکستان‌ها را ازبین برده بود،
درتمامی روستاهایش آتش افکنده بود،
ده‌هاهزارمردم آن کشوررا کشتارکرده بود،
اسیران بسیاری از آن گرفته بود،

وپادشاه برای این کار بی همتا

به‌من آفرین گفت.

پرسش و تمرین:

۱ـ با توجه به‌تصویر ۲۸، رشته‌های مهم امور اداری را در دولت مصر نام ببرید.

۲ـ در مصر، دولت از منافع چه کسانی دفاع می‌کرد؟

۳ـ شما از بند ۹ چه چیز تازه‌ای در باره وضع کشاورزان مصرباستان یاد گرفتید؟

۴ـ چرا فرعون‌ها به‌سپاه احتیاج داشتند؟

۵ـ تقریباً چند هزار سال پیش، در مصر، یگانه تشکیل شد؟ این مدت چند قرن است؟ در صفحه‌ی ۵۵، در روی نمودار زمان، جای این وقایع را پیدا کنید.

بند ۱۰

عقاید مذهبی مصریان باستان

به‌یاد بیاورید که مذهب (بند ۴، ماده‌ی ۳) چیست و اعتقاد بـه «روح» (بند ۴ ماده‌ی ۲) چگونه به‌وجود آمده.

۱ـ پرستش حیوانات و خورشید

اوضاع طبیعی مصر و زندگانی مصریان در مذهب آنها منعکس شده بود، اما به صورتی تغییر یافته و زشت شده.

در آن زمانی که مصریان به شکار مـی‌پرداختند و به صورت نظام جماعتی نخستین زندگی می‌کردند، خدایان خود را هم به صورت جانوران و پرندگان می‌پنداشتند. آنها خدایان بدکار را به‌صورت درندگان خطرناك

وانمود می‌کردند. اما، بعدها مصریان خدایان خود را دیگر به صورت انسان می‌ساختند، منتها، بیشتر با سرهای حیوانات و پرندگان.

با پیشرفت کشاورزی در بین مصریان، آنها به پرستش خورشید پرداختند، زیرا خورشید سرچشمه‌ی گرما بود و گرما برای رشد و نمو رستنی ها لازم بود. خدای آفتاب، «را» (Ra) نامیده می‌شد. آنها چون نمی‌توانستند علت طلوع و غروب آفتاب را بفهمند، خیال می‌کردند که «را» هر روز با قایقی طلایی از آسمان می‌گذرد و شب ها نیز به بیابان می‌رود.

پیدایش نابرابری در میان مصریان و به‌وجود آمدن دولت در مصر نیز در مذهب آنها منعکس گردید. مصریان «را» را خدای اصلی می‌دانستند و می‌پنداشتند همچنان که فرعون مصر را اداره می‌کند، او نیز خدایان دیگر را رهبری می‌نماید.

آنها او را «پادشاه خدایان» به حساب می‌آوردند.

تصویر ۲۹ ـ تصویرهایی که مصریان باستان از خدایان خود کشیده‌اند.

طغیان نیل نیزدرمذهب مصریان منعکس شد. آنها ازسرچشمه و قسمت بالای رودخانه خبرنـداشتند و نمی‌دانستند که‌علت واقعی طغیان چیست. آنها خیال‌می کردند که خدای‌نیل درغاری نشسته وباکوزه‌آب می‌ریزد. زندگی آنهانیز به مقدار آبی بستگی‌دارد که اوازکوزه می‌ریزد. اگرمقدار آب رودخانه کم‌شود، کشتزارهابـدون‌آب مـی‌مانند و به‌بیابان تبدیل می‌گردند، درنتیجه، درمصر، گرسنگی آغازمی‌گردد.

مصریان به نیل نیز کمترازخـورشید احترام نـمی‌گذاشتند. آنها التماس‌می کردند که نیل‌به‌کشتزارشان بیاید: هنگامی که طغیان آغازمی‌شد مردم مصرجشن می‌گرفتند ونیل‌را سپاس می‌گفتند وستایش‌می کـردنـد زیراکه نیل به التماس آنهاگوش کرده وزندگیشان را نجات داده بود. (ترانه‌ای که برای ستایش نیل‌گفته‌اندپیوست بند ۱۰ این کتاب است.)

۳ـ داستان‌هایی‌در باره‌ی خدای زنده شده.

ازباختربـه خاور دره‌ی‌نیل بیابان وسیعی‌گسترده شده بـود. در

تابستان‌ها، پیش از طغیان، پنجاه روز پی در پی، از بیابان باد گرم می‌وزید، بادی خشك وسوزان. این باد، شن سوزان وداغ شده به همراه می‌آورد. مردم وحیوانات از هوای خفه‌رنج می‌بردند و از گرد و خاك کور می‌شدند. رستنی‌ها پژمرده می‌گردیدند و از زور شن، سبزی به چشم نمی‌خورد. مثل این بود که طبیعت دارد می‌میرد. اما پس از آن، باد سوزان تمام می‌شد و نسیم تازه، از سوی دریا، شروع به وزیدن می‌کرد. تمام طبیعت دوباره زنده می‌شد، گویی که جان تازه می‌گرفت.

از اینجا، داستان مردن خدای طبیعت و دوباره زنده شدن او به وجود آمد: طبق این داستان، خدای بدکار باد سوزان که نام او «ست» (Set) بود با ۵۰ نفر نوکرانش از بیابان می‌آمد. او خدای «آشور» را که به روییدن کشتزارها کمك می‌کرد می‌کشت. با این وجود با جان‌گرفتن دوباره طبیعت، «آشور» نیز دوباره زنده می‌شد.

۴ـ داستانی درباره‌ی داوری خدای آشور.

بنا به اعتقادات مصریان، خدای زنده شده‌ی آشور پادشاه و داور دنیای مردگان می‌شد. او مردگان را محاکمه می‌نمود. اگر شخصی در زمان زنده بودنش برخلاف اراده‌ی خدایان رفتار نمی‌کرد، آشور به او

علاقه‌مند می‌شد. آنگاه آن شخص می‌توانست درپادشاهی آشورزندگی کند.درآنجا آب فراوان بود وگندم‌ها به بلندی قامت انسان بودند. آشورگناهکاران‌رابه‌سختی‌مجازات می کرد:غول‌وحشتناکی‌گناهکاران را با ولع می‌خورد.

تصویر ۳. تصویری که مصریان‌باستان از دادگاه آشور کشیده‌اند.

آشور برتخت پادشاهی نشسته است. او تاج فرعون را برسر دارد و در دستانش، یک عصای پادشاهی و یک شلاق است که علامت قدرت پادشاهی است. خدایان دیگری که کله‌هایشان به‌شکل پرندگان و حیوانات است، دارند قلب یک شخص مرده را با ترازو وزن می‌کنند. در نزدیک ترازو یک حیوان عجیب، یعنی شیری که کله‌ی نهنگ دارد، ایستاده‌است.

۵ـ دفن کردن در مصر

مصریان باستان عقیده داشتند که اگر جسد مرده را نگهداری کنند روح مرده به آن جسد بازمی گردد. بدین جهت برای اینکه از پاشیدگی جسد جلو بگیرند، استادکاران ماهر مغز و اندرون مرده را بیرون می آوردند، سپس جسد خالی شده‌ی او را در محلول نمك می خیساندند و در پارچه‌های سفید مومیایی شده می پیچیدند. در آب و هوای گرم و خشك مصر چنین جسدی خشك می‌شد و پاشیده نمی گردید. این جسد های خشك شده ، مومیایی نامیده می‌شوند. مومیایی کردن جسد خیلی گران تمام می‌شد و بدین جهت، این کار فقط برای برده‌داران ثروتمند ممکن بود.

برای دفن برده‌داران، آرامگاههایی ازسنك می‌ساختند که گاهی چندین اتاق داشت. برروی دیوارهای آرامگاهها ، تصویر کشتزارهایی را که گندم‌های بلند و انبوه داشت و کارگاههایی را که صنعتگران در آن مشغول کار بودند می کشیدند. در آرامگاهها مجسمه‌هایی چوبی و گلی نیز از، آشپز، آبجوساز ، باربر و مراقب می گذاشتند تا کارهای لازم را برای مرده انجام دهند. مصریان می‌پنداشتند که تصویرهای روی دیوار به کشتزارها و کارگاهای واقعی تبدیل می‌شود و مجسمه‌ها نیز همه زنده می گردند و مانند برده‌ها برای مرده کار می کنند. ثروتمندان می‌خواستند که پس از مرگ هم برده‌دار باقی بمانند.

در گور کشاورزان، همراه با جسد، تصویری از انسان می گذاشتند

که در روی تخته کنده بـود . معمولا به‌جـای مومیایی کردن جسد،این تصویرهارادر کنار آن می گذاشتند. ازاین گذشته،در کنارمرده،ظرفی پراز غذا نیز می گذاشتند .

بردگان حتی گورجداگانـه هم نـداشتندومعمولا جسدتعدادی از بردگان را درگودالی مشترك می‌ریختند.

گورهایی که به وسیله‌ی باستان شناسان کشف شده نشان می‌دهـد که پس ازبرقرار شدن نظام برده‌داری درمصر،اختلاف وضع زنـدگی مردم با یکدیگرچقدر زیاد بوده.

*

پیوست بند ۱۰

بخشی از ترانه‌ای که درستایش نیل سروده شده

(پرسش‌هایی درتجزیه وتحلیل‌ترانه:درباره‌ی اهمیت نیل‌برای مصریان، درترانه‌ی زیر،چه گفته شده؟ازکجای ترانه می‌توان فهمیدکه مصریان نیل‌را موجودی زنده می پنداشتند؟)

ای نیل!درودبرتو،
که می‌آیی تا مصررا زنده کنی.
اگردیربیایی،زندگی پایان می‌یابد،
واگرخشمگین شوی.
برتمامی کشور
بلانازل می‌گردد.
وتوانگروناتوان
فقیرمی‌شوند.
اما اگرطغیان کنی،
زمین وتمامی جاندارانش

ازشادی هلهله خواهند کرد.
تو آورنده‌ی نان وغذاهای فراوان هستی،
تو آفریننده‌ی همه‌ی زیبایی‌هایی.
جوانان وکودکان تو،
برایت هلهله سرمی‌دهند
وتورا مانندپادشاهان،
تعظیم می‌کنند.

پرسش و تمرین:

۱ـ اگر ما فقط اعتقادات مصریان‌باستان را بدانیم، خواهیم توانست چیزهای بسیاری درباره‌ی زندگی آنها بگوییم. در اعتقادات مصریان، راجع به‌اوضاع طبیعی مصر، چه گفته شده؟ چگونه از مذهب مصریان می‌توان فهمید که پیشه‌ی اصلی آنها چه بوده؟ در مذهب مصریان‌باستان، چه چیزی هست که تبدیل نظام جماعتی نخستین را به‌نظام برده‌داری نشان بدهد؟

۲ـ چرا در مصر اعتقاد به‌خدای از نو زنده شده به‌وجود آمده؟

۳ـ چرا مصریان جسدها را مومیایی می‌کردند؟

بند ۱۱

مذهب وهنردرخدمت برده داران

به‌یاد بیاورید که بت چیست و چرا مردم باستان در برابر خدایان قربانی می‌کردند (بند۴، ماده‌ی ۴).

۱ـ کاهن‌ها ،ثروتمندترین برده دارانمصر

قبل ازاینکه درمصردولت به وجودبیاید،مصریان برای خدایان خیالی خود،خانه می‌ساختند.این خانه‌ها،ساختمان‌های کوچکی بودند که ازگل ونی ساخته می‌شدند. بت‌ها را دراین خانه‌ها می‌گذاشتند.این «خانه‌های خدایان»،پرستشگاه نامیده می‌شوند.پس‌ازبرقرار شدن نظام

برده‌داری درمصر، برده‌داران ساختمان پرستشگاهها را ازسنك ساختند.

درهرپرستشگاه چندنفر«خدمتکارخدایان» وجود داشت. این خدمتکاران راکاهن می‌گفتند. فقط کاهن‌ها حق داشتندواردجایگاه بت‌ها شوند. آنها«به‌خدایان غذامی‌دادند»، یعنی‌خوردنی جلوبت‌هامی‌گذاشتند وچراغ‌پرستشگاه راروشن‌می‌کردند. مصریان اعتقاد داشتند که کاهن‌ها با خدایان‌گفتگومی‌کنند وبدین جهت می‌توانندستورات خدایان رابه اطلاع مردم برسانند وهمچنین تقاضاهای مردم را به‌آنها بگویند.

مصریان برای اینکه شایسته‌ی لطف،خدایان‌گردند، دربرابرآنها قربانی‌می‌کردند. کشاورزان کیسه‌های‌غله وطاقه‌های‌کرباس‌به‌پرستشگاه می‌آوردند. برده‌داران دام قربانی مـی‌کردندوطلاونقره‌به خدایان هدیه می‌دادندفرعون‌ها زمین،برده وبخشی ازغنایم جنگی را به پـرستشگاه می‌بخشیدند. همه‌ی این‌بخشوده‌هاوقربانی‌ها به دست‌کاهن‌ها می‌افتاد. درنتیجه، کاهن‌هابه برده داران بسیار ثروتمندتبدیل شدند. (دارایی‌های یکی ازپرستشگاههای هزاره‌ی دوم‌قبل‌ازمیلاد درتصویررنگی‌شماره‌ی ۵ نشان داده شده.)

۲ـ خداکردن فرعون‌ها

کاهن‌هاکوشش می‌کردند پایه‌های حکومت‌فرعون‌راکه‌پشتیبان

اصلی برده‌داران‌مصربود محکم واستوارسازند. آنها برای این‌کار از ترسی‌که مردم ازخدا داشتند استفاده می‌کردند. کاهن‌ها مـی‌گفتند که فـرعون «خدای مهربان»است وهریك ازدستورهای اوباید بدون چون وچرا اجراگردد وهرکس‌که این‌کاررا انجام ندهد ازخواست خدایان سرپیچی کرده. کاهن‌ها به‌مردم‌یاد می‌دادندکه «خـدایان اطاعت‌کنندگان را دوست دارند . و از نافرمانان بدشان می‌آید» ونافرمانان بیرحمانه مجازات خواهند شد. (به یاد بیاورید‌که بنابراعتقادات مصریان، آشور چگونه کسانی را که از خواست خدا سرپیچی کرده بودند مجازات می‌کرد.)

تصویر ۳۱ـ فرعون (این مجسمه، کار خود مصریان‌باستان است) .

نه تنهامصریان ساده، بلکه بزرگان ودرباریان مصرنیز در برابر فرعون به خاك می‌افتادند و جای پای اورا می‌بوسیدند. اگر فرعون به

کسی اجازه می‌داد که صندلش (کفشش) را ببوسد، درواقع، آن شخص به افتخار بزرگی رسیده بود.

حتی آرامگاههای فرعون ها نیز به مصریان می‌قبولاند که در این آرامگاهها مردمان ساده دفن نشده‌اند، بلکه خدایان دفن شده‌اند.

۳ـ هرم‌های مصر

درساحل چپ رودنیل ودر کرانه‌ی دشت، آرامگاههای فرعون‌ها (اهرام) مانند سه‌تپه‌ی عظیم سر به سوی آسمان کشیده‌اند.

اهرام از تخته سنگ های تراشیده ، ساخته شده‌اند . در داخل هریك ازهرم‌ها اتاقی کوچك ساخته شده . درون هراتاق تابوت وجسد مومیایی شده‌ی فرعون راگذاشته بوده‌اند .

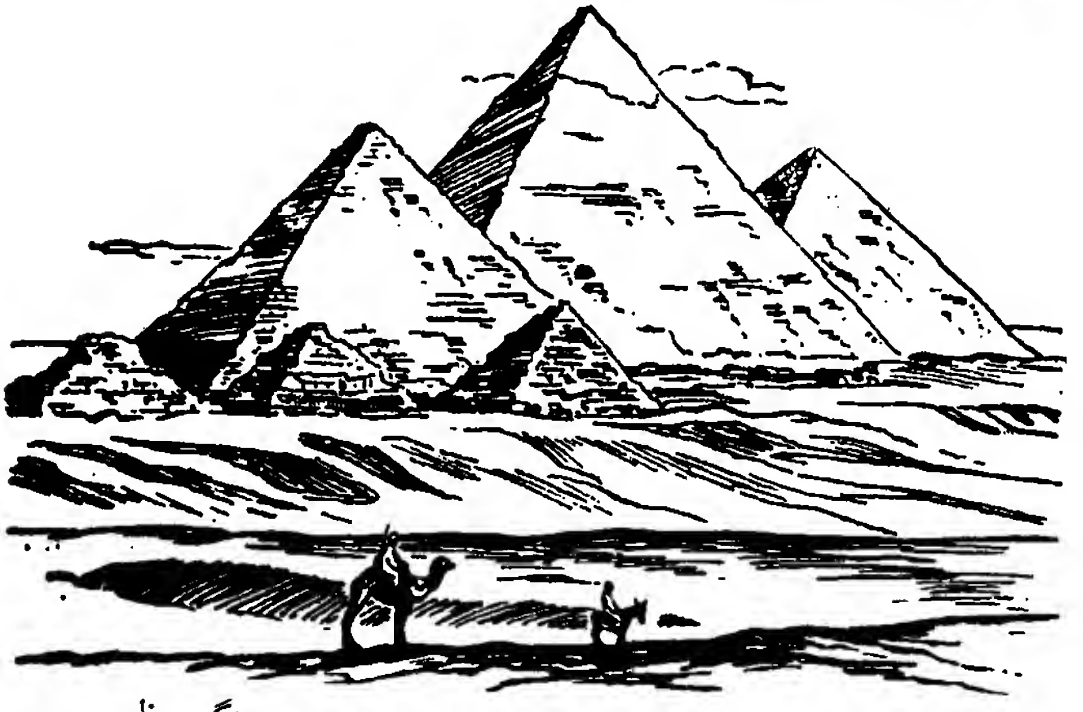

تصویر ۳۲ـ درکرانه‌ی بیابان، هرم‌ها مانند سه تپه‌ی سنگی عظیم سر برافراشته‌اند. (منظره‌ی فعلی هرم‌ها).

بزرگترین هرم‌ها نزدیك ۲۶۰۰سال قبل ازمیلاد برای یکی از فرعون‌ها به نام خئوپس ساخته شده . بلندی این هرم نزدیك ۱۵۰ متر است . (حساب کنید که این هرم به اندازه‌ی ساختمان‌های چند طبقه است.) برای دورزدن هرم باید نزدیك یك کیلومتر راه رفت.

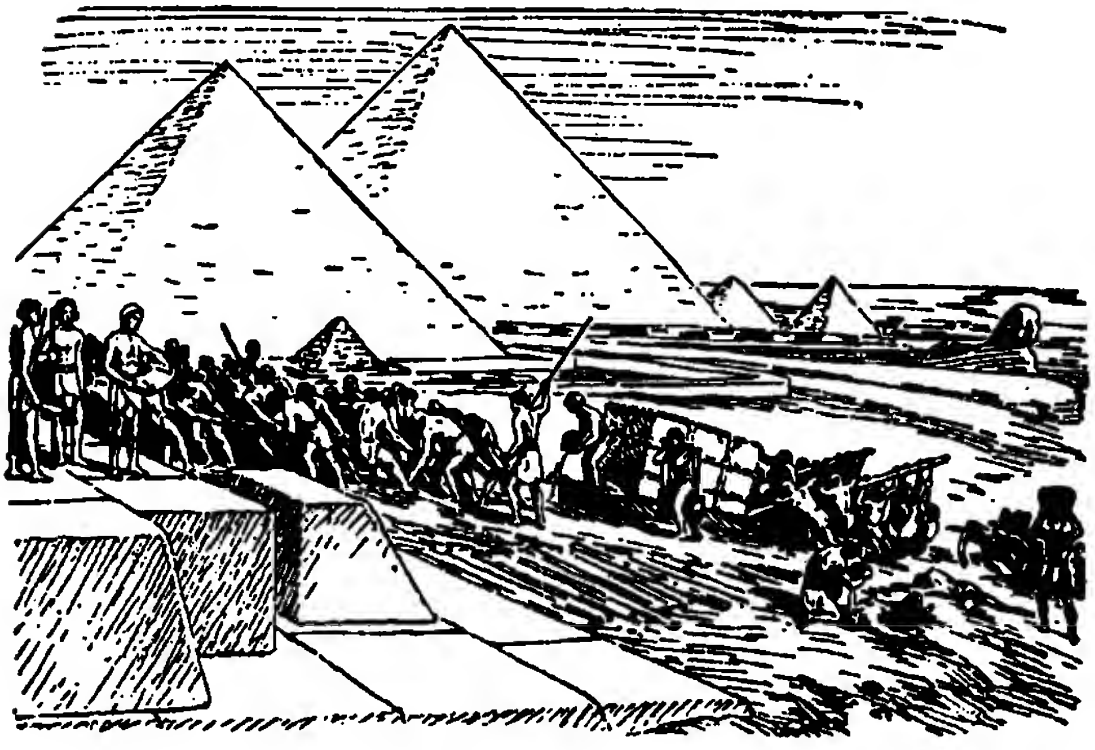

تصویر۳۳ـ ساختن هرم‌ها

درقسمت جلوی تصویر، درطرف چپ، یك هرم در حال ساختمان دیده می‌شود: قطعه سنگ‌هایی دیده می‌شود که به دقت تراشیده شده‌اند و به یکدیگر وصل شده‌اند. درروی این سنگ‌ها، اداره کنندگان کارساختمان ایستاده‌اند و دردست‌های آن‌ها نقشه‌ی هرم قرار دارد. کشاورزان و بردگان قطعه سنگ‌ها را باکمك غلتك درروی فرش چوبین به طرف ساختمان می‌کشند. برای اینکه غلتك‌ها، درنتیجه‌ی مالش، آتش نگیرند، باکوزه‌های گلی، آب می‌آورند ودر زیر آنها می‌ریزند. درعقب تصویر، هرم‌های پادشاهان دیگر قرار دارد که بزرگترین آن‌ها هرم خئوپس. است درکنار آن‌ها ، هرم های کوچك زنان پادشاهان و عالی جنابان قراردارد. درعقب تصویر، طرف راست ، ابوالهول (هراس‌انگیز) بزرگی قراردارد. (نشان بدهید، که برای ساختن هرم‌ها، چه کارهای دیگری نیزلازم بوده، که درتصویر بالا نشان داده نشده.)

هرودوت تاریخ‌نویس باستانی یونان چگونگی ساختمان این هرم را شرح‌می دهد :همین که خئوپس شروع‌به پادشاهی کرد ،دستور داد که برای‌او آرامگاهی به شکل هرم بسازند. مأموران ونگهبانان او ، کشاورزان و بردگان را از سراسر مصر برای کارکردن در روی این‌بنا جمع می کردند .درحدود ۱۰۰هزارنفر انسان به طورهمزمان در این‌بنا کارکرده‌اند. برخی ازآنها ازکوههایی که در ساحل راست رودخانه‌ی نیل قرارداشت، تخته سنگ جدامی کردند . هریك ازاین تخته سنگ‌ها ۲/۵تن وزن داشت . برخی دیگر تخته سنگ‌ها را با قایق از رودخانه می گذراندندوسپس باکمك غلتك درروی زمین‌می کشیدند. بقیه نیزتخته سنگ‌ها رامی‌تراشیدند و کارمی‌گذاشتند. مراقبان هم‌کارکنندگان را به ضرب شلاق وچماق به‌کار وامی‌داشتند.

ساختن راه ازمعدن سنگ تاهرم وهمچنین ساختن خود هرم۳۰ سال طول‌کشید. هرچندکه کارکنندگان در روی این‌بناهرسه ماه یکبار عوض می‌شدند ، با این حال هزارها نفر دراثـر کارتـوانفرسا وکتك مردند

۴ـچگونه برده داران ازهنراستفاده می‌کردند.

درهزاره‌ی دوم قبل‌ازمیلادساختمان‌اهرام درمصربه پایان رسید.

برای دفن فرعون‌ها، دردرون صخره‌ها، آرامگاهی کندند. ازطرف دیگر، درهمین موقع، دوپرستشگاه بسیار بزرگ که باشکوه بسیار آراسته شده بود ساخته شد.

درجلوپرستشگاه دوبرج بلندبرافراشتند (به تصویررنگی شماری ۵ نگاه کنید). در باریکی که بین این دوبرج قرارداشت به حیاط پرستشگاه بازمی‌شد. درانتهای حیاط سالن بزرگی با ستون‌های بلندقرارداشت (تصویر ۳۴). برج‌ها، دیوارهاوستون‌های پرستشگاه ازتصویرهای خدایان وفرعون‌ها پوشیده شده بود. ضمناً، فرعون‌ها را خیلی درشت ترسیم کرده بودند، درصورتی که مردم ساده‌ای راکه پیش فرعون‌ها ایستاده بودند به طور کلی کوچك کشیده بودند.

انسان درپیش تصویرهای عظیم خدایان که سرشان مانندسرجانوران بودوهمچنین درپیش تصویرهای فرعون‌هایی که درحال شکست دادن دشمن بودند، خودش راکوچك وناچیزحس می‌کرد. همه‌ی چیزهایی که درپرستشگاه بود، اعتقادبه خدایان وفرعون‌ها ونیزترس ازآنها را در انسان به وجودمی‌آورد.

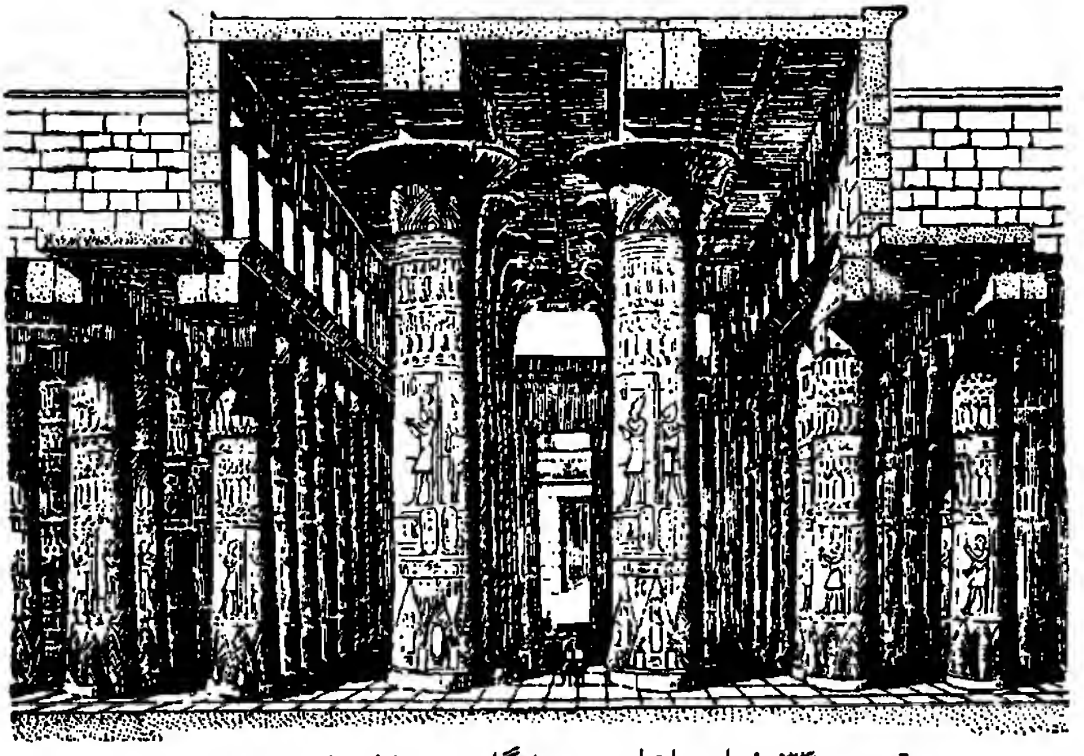

تصویر ۳۴ـ نمای داخلی پرستشگاه مصر (بازسازی شده)

مجسمه سازها ،در کناررودنیل ودرروی صخره‌هـای شیب‌دارساحـلی مجسمه‌های عظیمی ازفرعون نشسته تراشیدند.ارتفاع مجسمه‌ها ۲۰ متر است . تمام کسانی که از فاصله‌ی دو ردر روی نیل حرکت مـی‌کنند می‌توانندا‌ین مجسمه‌ها را ببینند(به تصویری که درآغاز کتاب قراردارد نگاه کنید. اندازه‌ی مجسمه راباقدآدم هایی که در کنار آنهاایستاده‌اند مقایسه کنیده).

۱ـ بازسازی آثار باستانی یعنی این‌که، نمای خارجی ساختمان، مجسمه و سـایر آثـار بـاستانی را از روی بـقایای آن‌هـا و هـمچنین از روی شـرح و توصیف‌هایی که در باره‌شان هست تغییر کنند.

ستون‌های سنگی نیرومندی سقف پرستشگاه را نگهداشته است. بلندی هریک از ستون‌های مرکزی ۲۴ متر است و روی قسمت بالای هرکدام از آن‌ها در حدود صد نفر آدم جا می‌گیرد. این پرستشگاه از طریق پنجره هایی که در زیـر سقف است روشن می‌شود. روی ستون‌ها و دیوارها نیز تصویرهایی کنده شده.

گاهی اوقات،مجسمه سازان برای‌این که قدرت فرعون را نشان بدهند اورابه صورت ابوالهول (هراس انگیز)یعنی شیرخوابیده‌ای که کله‌ی انسان داشت ترسیم می کردند. درکنار اهرام،ابوالهول بسیار بزرگی،با صورت‌فرعون،(تصویر۳۳)ازسنگی‌عظیم ویکپارچه‌تراشیده شده .

مذهب درمصرباستان فرمانروایی ستمگران را برستمکشان استوارمی‌ساخت.ترس ازخشم خدایانی که خودمردم‌آن‌ها را ساخته بودندازمبارزه‌ی تهیدستان وبردگان بابرده داران جلومی‌گرفت.

پرسش و تمرین:

۱ـ از بند ۱۱ چه چیز تازه‌ای درباره‌ی برده‌داران یاد گرفتید؟
۲ـ در مصرباستان، اعتقاد به‌خدایان برای چه کسی فایده داشت؟ چرا؟
۳ـ برده‌داران چگونه از هنر به‌نفع خود استفاده می‌کردند؟
۴ـ در روی نموداری که پیوست بند ۱۴ این کتاب است جایی راکه نشان دهنده‌ی تاریخ ساختمان هرم خئوپس است پیدا کنید. این هرم چند قرن پیش از میلاد ساخته شده؟ آن زمان چند قرن پیش بوده. تقریباً چند قرن از تشکیل دولت یگانه در مصر گذشته بود که هرم خئوپس ساخته شد؟

بند ۱۲

وضع زحمت‌کشان درمصر باستان
ومبارزه‌ی آنها باستمگران

بیاد آورید که کشاورزان مصر چه «وظیفه‌هایی» را انجام می‌دادند (بند ۹، ماده‌ی ۲) و صنعتگر به‌چه کسی می‌گفتند (بند ۷، ماده‌ی ۴).

باوجود کشتارهای بیرحمانه‌ای که‌فرعون‌هاازنافرمانان می‌کردند وباوجود وحشتی که مصریان‌ازخشم خدایان داشتند،زحمتکشان مصر سرسختانه با ستمگران مبارزه می‌کردند . همواره شرایط سخت و توانفرسای‌زندگی،خشم آنهاراعلیه برده‌داران برمی‌انگیخت.

۱-کشاورزان چگونه زندگی‌می‌کردند.

برخی ازمصریان باستان‌که ازوضع زندگی کشاورزان، خوب

با خبر بوده‌اند ،در آثارخود دراین باره مطالبی نوشته‌اند:

کشاورز ازصبح تاآخرشب کارمی کرد . او سخت خسته می‌شد وهمین که به خانه می‌رفت،هنوز کمی‌نیاسوده بود،دوباره اورابرای کار بیرون می کشیدند.

وحشتناکترین زمان بـرای کشاورزان،پس ازبـرداشت محصول بود،به‌ویژه اگرمحصول‌بدمی‌شد وکشاورزان نمی‌توانستندمالیات‌تعیین شده را بپردازند. آنوقت«وای به حال کشاورزان !مـأمورسرتکه زمین آنها می‌آمد،مقدارمحصول را حساب مـی کند.چندنفرنگهبان نیزهمراه اوهستند. آنها نیزه وترکه‌های خرما با خود دارند.می گویند:«غله بده». غله‌نیست ودرنتیجه کشاورزکتك می‌خورد،بعداووزن وبچه‌اش‌راطناب پیچ می کنند».«کشاورزمی‌بایدساکت باشد،درست مانند کسی که درزیر چنگال شیراست» .

۲ـصنعتگران چگونه زندگی‌می‌کردند.

زندگی‌صنعتگران‌مصرباستان‌نیزبهترازززندگی کشاورزان آن‌نبود.

درهزاره‌ی دوم قبل ازمیلاد،درمصر،صنعتگران زیـادی وجـود داشت.

درشهرهای‌مصر،محله‌های کاملی برای کلبه‌های‌مسگران، کوزه‌ـ

گران، بافندگان وسایر صنعتگران ساخته بودند. آنها، در کلبه‌های خود، هم کار می‌کردند و هم دست آوردهای خود را می‌فروختند. سایر صنعتگران در کارگاههایی کار می‌کردند که بـه فرعون، کاهن و درباریان تعلق داشت. آنها درزیر نظارت مراقبان، برای برده‌داران، ازسنگ‌های زیبا ظرف واز چوب سیاه ودندان‌فیل اسباب خانه درست می‌کردند. آنهاهمچنین برای اربابان خودزینت آلات طلاوسایر چیزهای زیبا وگران‌قیمت می‌ساختند.

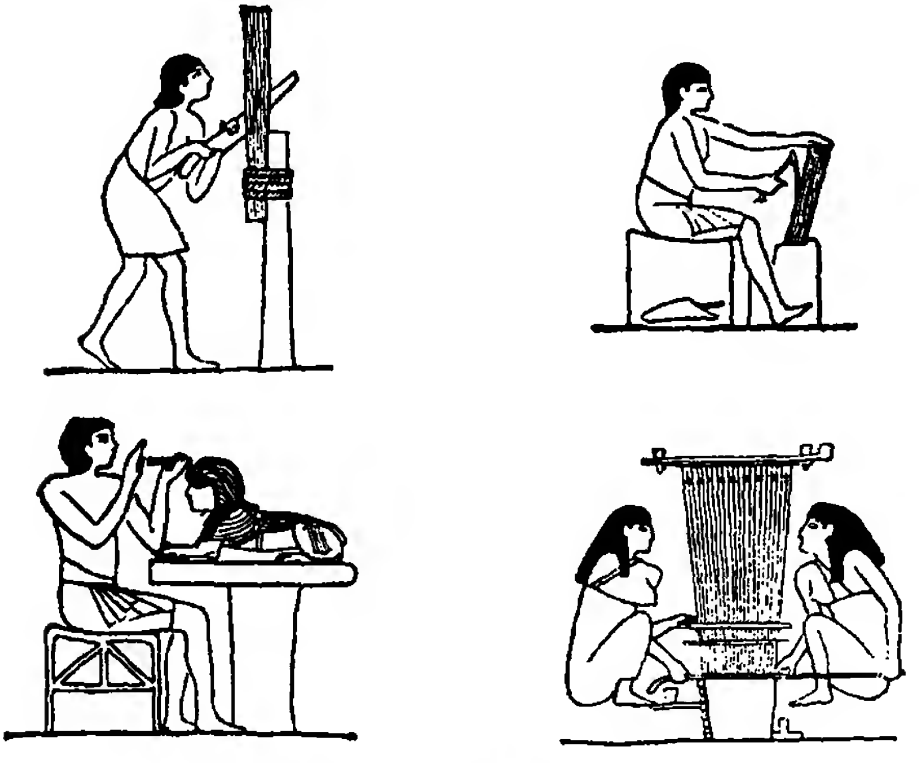

تصویر ۳۵ـ صنعتگران (این تصویرها، کـار خـود مصریان باستان است).

برخی ازمصریان آن زمان، وضع زندگی صنعتگران را نیزشرح داده‌اند:

«نجـار بیشتراز کشاورزان خسته مـی‌شود، او بیشتراز آنـچه کـه

دست‌هایش می‌توانند انجام بدهند کار می‌کند. او حتی شب‌ها درزیر نور چراغ هم کار می‌کند.

بافنده یك روز تمام در کنار دستگاه می‌نشیند، به خود می‌پیچد و گرد وغبار کتان را به درون سینه فرو می‌کشد. او مجبور می‌شود نان خود را به مراقب بدهد تا بلکه بتواند بیرون بیاید و در هوای آزاد کمی نفس بکشد.

بنایانی که روی ساختمان هرم‌ها و کاخ‌های باشکوه کار می‌کنند، حتی نان هم گیرشان نمی‌آید و لباسشان نیز به شکل رقت آوری کهنه و پاره پاره است.

وضع کفش دوز که به طور کلی بد است. او همیشه فقیر است، چیزی ندارد که بخورد و از گرسنگی چرم می‌جود.»

۳ـ بردگی به جای قرض

زندگی کشاورزان و صنعتگران بی‌اندازه سخت بود، با وجود این تیره‌روزی سخت‌تری نیز آن‌ها را تهدید می‌کرد ـ برده شدن.

در ابتدا، فقط کسانی برده بودند که در جنك اسیر می‌شدند. اما سپس تهی‌دستان مصر هم کم کم به برده تبدیل شدند.

احتیاج تهی‌دستان را مجبور می‌کرد که از ثروتمندان غله قرض کنند: اغلب برای خانواده‌های کشاورزان و صنعتگران پیش می‌آمد که

چیزی برای خوردن نداشتند. حتی گاهی هم اتفاق می‌افتاد که کشاورزان بذری برایشان نمی‌ماند که بکارند. اگر تهی‌دستان قرض را به موقع پس نمی‌دادند، ثروتمندان به کمک مأموران دولت آن‌ها را به بردگی می‌گرفتند.

۴ـ قیام تهی‌دستان و بردگان.

در مصر، بارها آتش قیام ستمکشان شعله‌ور شد. درباره‌ی قیام بزرگی که در سال ۱۷۵۰ قبل از میلاد رخ داد نوشته‌هایی باستانی به جای مانده. (بخشی از این نوشته‌ها به صورت پیوست به بند ۱۲ افزوده شده. آن را بادقت بخوانید و به سئوالات مربوط به آن جواب بدهید.)

در روستاها کشاورزان قیام کردند و در شهرها صنعتگران. بردگان نیز به آن‌ها پیوستند. قیام کنندگان پایتخت را بدست آوردند، مأموران برده‌داران را سرکوب کردند و ثروتشان را صاحب شدند.

اما قیام کنندگان نتوانستند نظام برده داری را از بین ببرند، زیرا آن‌ها هیچ نظام دیگر را نمی‌شناختند که جانشین آن کنند. در نتیجه، برده داران نیروهای خود را جمع کردند و حکومت فرعون‌ها را دوباره در مصر برپا ساختند.

*

پیوست

از «شرح بلاهای کشور»

(پرسش‌های مربوط این متن: چه کسی در مصر قیام کرد؟ علیه کی؟ جواب‌های این پرسش‌ها را از همین متن پیدا کنید. قیام کنندگان چه پیروزی‌هایی به‌دست آوردند؟ از کجا می‌توان فهمید که قیام نتوانسته نظام برده‌داری را از بین ببرد؟ نویسنده‌ی این متن دلش به‌حال چه کسی سوخته؟ از روی متن دلیل بیاورید.

مردم علیه حکومت پادشاه که خدای «را» آن را برقرار کرده شورش کرده‌اند.

پایتخت در عرض یک ساعت ویران شده پادشاه به وسیله‌ی تهی‌دستان اسیر گردیده.

رؤسای کشور با فرار جان خود را نجات می‌دهند. مأموران کشته شده‌اند. صورت‌های مالیاتی از بین رفته.

تهیدستان وارد کاخ‌های عظیم می‌شوند.

کسانی را که پارچه‌های کتانی ظریف به تن دارند، با چوب کتک می‌زنند، صاحبان لباس‌های فاخر ژنده پوش شده‌اند و تهیدستان صاحب ثروت گردیده‌اند.

آنکس که حتی یک جفت گاو هم نداشت صاحب گله شده و آنکس که غله جمع می‌کرد، اکنون خودش غله می‌دهد. بردگان صاحب برده شده‌اند.

این واقعه‌مرا افسرده کرده. آه،این بلایی که رخ‌داده چقدربرای من‌اند وهناك است .

پرسش و تمرین:

۱ـ شما درباره‌ی زندگی کشاورزان و صنعتگران چه چیز تازه‌ای یاد گرفتید؟
۲ـ در باره‌ی زندگی بردگان در مصر، چه چیز تازه‌ای یاد گرفتید؟
۳ـ قیام مصر را شرح بدهید.
۴ـ چرا این قیام نظام برده‌داری را از بین نبرد؟
۵ـ تقریباً چند قرن پیش در مصر قیام شد؟ چند قرن از تشکیل دولت یگانه‌ی مصر گذشته بود که قیام درگرفت؟

بند۱۳

پیدایش علم و خط درمصر باستان

بیاد بیاورید که دره‌ی نیل چگونه بود و مردم چه زمانی ساکن آن شدند (بند ۶، ماده‌ی ۳ ـ ۱).

۱ـ چگونه کار انسان ساحل نیل را دگرگون کرد.

کار هزار ساله‌ی کشاورزان و بردگان کرانه‌ی نیل را دگرگون ساخت.

در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد، در دره‌ی نیل بجز یك مرداب که سرچشمه‌ی بیماری بود و یک بوته‌زار که پناهگاه درندگان بود، چیز دیگری وجود نداشت. اما بعدها، به‌جای این مرداب و بوته‌زار،

کشتزارهای وسیعی به وجود آمد که نهرهای آب از میان آن می گذشت، جالیزهای سبزی‌کاری درست شد و باغها و موستان‌ها پدید آمدند .

درجنوب غربی ممفیس، دشت باتلاقی وسیعی، قرار دارد، هنگام طغیان نیل، این دشت غرق در آب می‌شود. مصریان دوراین دشت را دیواری به طول ۳۰ کیلومتر کشیدند. هنگامی که طغیان نیل دشت را پر می کرد، دروازه‌های سد را می‌بستند. بدین ترتیب دریاچه‌ای مصنوعی درست می‌شد. این دریاچه را «دریاچه‌ی موئریس» می گفتند . این دریاچه چنان بزرگ بود که ازهرساحل آن، ساحل مقابل دیده نمی‌شد. آب دریاچه به مصرف آبیاری کشتزارها می‌رسید واین موضوع سبب می‌شد که سالیانه از آن کشتزارها دومحصول برداشته شود .

مصرپرجمعیت بود. سرتاسرسال قایق‌هاوزورق های پراز غله ، چوب وسابر کالاها، درمسیر رودنیل، ازپائین به بالا وازبالا به پایین در رفت و آمد بودند . مصریان کانالی کندند که نیل را بـه دریای‌سرخ متصل می کرد.

۲ـ پیشرفت‌هایی در صنعت

مصریان، درهزاره‌ی دوم‌قبل‌ازمیلاد، درصنعت نیزموفقیت‌هایی به دست آوردند.

صنعتگران به مس، قلع افزودند و آلیاژی به دست آوردند که برنز نامیده می‌شود. آنها از برنز ابزار کار و جنگ افزارهایی می‌ساختند که محکمتر و بادوام تر از ابزارهای مسی بود. با این وجود، اشیای برنزی بسیار گران بود و بیچارگان تقریباً توانایی به دست آوردن آنها را نداشتند.

تولید شیشه در مصر رواج بسیار زیادی پیدا کرد. فرآورده‌های شیشه‌ی رنگی مصر، به کشورهای همسایه، صادر می‌گردید.

۳ـ پیدایش ریاضیات

توسعه‌ی کشاورزی، صنعت و کارهای ساختمانی سبب پیدایش علوم شد.

کشاورزان هنگام برداشت محصول حساب می‌کردند که چقدر از محصول به دست آمده را باید برای بذر نگهدارند و چقدر از آنرا می‌توانند تا هنگام برداشت محصول بعدی مصرف کنند. صنعتگران نیز می‌بایست به‌طور بسیار دقیقی حساب می‌کردند که مس و قلع باید به چه نسبتی مخلوط شود تا برنز محکمی به‌دست آید. هنگام ساختن سدو ساختمان نیز می‌بایست حساب می‌کردند که برای انجام کار، چقدر زمان، مصالح و نیروی کار مورد نیاز است. بدین ترتیب در مصر باستان، درضمن کار،

«علم‌حساب» به‌وجود آمد . مصریان کسر و چهارعمل اصلی حساب را بلد بوده‌اند .

برای کندن کانال، کشت زمین ها و ساختن بناها به اندازه گرفتن مساحتها وزاویه‌ها نیازبود. بدین ترتیب علمی به وجود آمد که ما آنرا «هندسه» (ژئومتریا) می‌نامیم. ژئومتریا یعنی «اندازه گیری زمین».[1]

۴ـ پیدایش علم ستاره شناسی

کشاورزان مصر باستان نیازداشتند بدانند، که چه موقع رودخانه طغیان می کند، تا به موقع خود را در مقابل آن آماده کنند.

کشاورزان در نتیجه‌ی دیدن طغیان نیل، درعرض سالهای بسیار، متوجه شدند که همه‌ساله، قبل ازطغیان، ستاره‌های آسمان دارای وضع مشخصی هستند. مصریان با دقت به حرکت ستارگان وسیارگان آسمان توجه می کردند وحتی نقشه‌ی آسمان پرستاره راهم می کشیدند. بدین ترتیب، درنتیجه‌ی دقت و توجه کشاورزان به ستارگان آسمان، **ستاره‌شناسی (آسترونومی)** یعنی علمی که ستارگان وسیاره‌های آسمان را مطالعه می کند به وجود آمد .

مصریان باستان تقویم را درست کردند. آنها گفتند که سال ۳۶۵

۱ـ هندسه نیز درزبان پهلوی ، یعنی زبان فارسی پیش ازاسلام، «هنده‌چك» بوده که به معنی اندازه است. بعداً عربها این کلمه را «هندسه» کرده‌اند ـ مترجم.

روزاست و آنرا به ۱۲ ماه تقسیم کردند.

۵ـخط مصریان

درهزاره‌ی چهارم قبل ازمیلاد،دانش مصریان بدان حد رسیده بود که دیگر یکنفر نمی‌توانست آنرا درحافظه‌ی خودنگهدارد و به طور شفاهی برای دیگری بگوید. بدین جهت مصریان، نوشتن آغاز کردند.

درمصر باستان برای نوشتن،از تصویر استفاده می کردند.(به یاد بیاورید که چگونه به وسیله‌ی تصویرها وقایع مهمی راکه درهزاره‌ی چهارم قبل ازمیلاد درمصر اتفاق افتاده‌شرح‌داده‌اند. تصویر۲۵.)درابتدا هر علامت یك کلمه را نشان می‌داد. برای نوشتن«آب»،تصویرموج را می کشیدند،برای نوشتن «میلیون»،شکل آدمی را می کشیدند که دست‌هایش را دراثر تعجب درمقابل چنین عدد بزرگی،بلند کرده بود. اما پس‌ازاین، دیگرعلامتها فقط نشان دهنده‌ی کلمات کامل نبودند،بلکه بخشهای کلمه وصداهای آنرا هم‌نشان‌می‌دادند. علامت های تصویری، «هیروگلیف» نامیده می‌شوند. درخط مصرباستان چندین‌هزار هیروگلیف وجود داشت که فقط ۷۵۰ تای آن مصرف می‌شد.

برای نوشتن ، معمولا ، از پاپیروس استفاده مـی کـردند . ابتداساقه‌های‌پاپیروس‌رامی‌بریدند و آنـرا به ورقه‌های نازکـی در می‌آوردند ، سپس ایـن ورقـه‌ها راکه به‌کاغذ شبیه بود به یکدیگر می‌پیوستند. هر ورقه رابه ورقه‌ی دیگر می‌پیوستندو بـدین ترتیب نواری از پـاپیروس به دست می‌آوردند که گاهی‌طولش‌به ده‌ها مترمی رسید.

تصویر ۳۶ ـ هیروگلیف‌های مصرباستان

ترانه‌ها.داستانها، آثارعلمی‌وسالنامه‌های باستان درروی‌پاپیروس نوشته شده.حتی نوشته‌هایی‌ازدانش‌آموزان‌آن‌زمان پیدا شده، که‌دارای غلط است وغلط‌های‌آن به وسیله‌ی معلم تصحیح شده. با این وجـود، غالبادانش‌آموزان روی سفالهای ظروف شکسته‌ی‌گلی‌می‌نوشتند،زیرا پاپیروس‌گران بود.

تصویر ۳۷. نوشته‌هایی که به‌خط هیروگلیف در روی سنگ کنده شده.

خط وعلم دراثر کار وزحمت انسان به وجود آمد و تأثیر عظیمی درزندگی مردم باستان داشت. علم سبب توسعه و تکامل کشاورزی وصنعت شد. خط به حفظ و نگهداری دانش بشری وانتقال آن ازپیران به جوانان وازملت‌هایی به ملتهای دیگر کمك کرد.

*

داستانی درباره‌ی «سینوهه»

از مصر باستان

(پرسش‌هایی درمورداین داستان: درداستان زیر، چه چیزی وجود دارد که ازحکومت نامحدودفرعون بر مصرحکایت می‌کند؟ باتوجه به این‌داستان، درباره‌ی جنگهای باستانی چه چیزهایی می‌توان گفت؟ به یاد بیاورید که چرا مصریان به نگهداری جسدمرده اینقدراهمیت می‌دادند.)

«سینوهه» یکی ازعالی‌جنابان مصربود. پس ازمرك فرعون، او که ازبی نظمی درپایتخت وخشم فرعون جدید می‌ترسید به آسیا گریخت. دربیابان، کم مانده بود که سینوهه ازتشنگی بمیرد. اوحکایت می‌کند: «...داشتم خفه می‌شدم، گلویم می‌سوخت، با خودم گفتم: این دیگرطعم مرك است». اوفقط دراثر برخوردا تفاقی با چوپانی که گله‌ی خودش را ازبیابان می‌گذرانید، نجات پیدا کرد.

درآسیا سینوهه به خدمت یك شاهزاده درآمد. اومقدار زیادی زمین، از شاهزاده دریافت کرد ورئیس سپاه اوشد. سینوهه، درباره‌ی لشکر-

کشی‌های خودش حکایت می‌کند: «من به هر کشوری که هجوم می‌بردم، آن کشور را از چراگاه‌ها و چاههای آب محروم می‌کردم، گله‌های حیوانات را می‌دزدیدم و ساکنان آنجا را با خود می‌بردم، غذاهای آنها را می‌گرفتم و مردم را می‌کشتم» سینوهه، هم ثروت داشت و هم مورد احترام بود، اما از این می‌ترسید که اگر بمیرد، در آسیا کسی جسد اورا مومیایی نخواهد کرد.

سینوهه پس از اجازه‌گرفتن از فرعون، به مصر بازگشت. وقتی بدربار فرعون رسید، در پیش‌پای او دراز کشید و صورتش را بر زمین نهاد و آنقدر به همان حالت باقی ماند تا اینکه اورا به دستور فرعون از زمین بلند کردند. فرعون فرمان داد که برای سینوهه، خانه بسازند و نیز برای او آرامگاهی بنا کنند، تا اینکه بعد از مرگش در آنجا به خاك سپرده شود.

ترانه‌ی باربران غله

این ترانه در باره زندگی در مصر باستان چه می‌گوید؟)

ما باید سر تا سر روز را
گندم سفید بردوش کشیم
مگر نه اینکه، انبارها دیگر پر شده،
و انبوه غله، از دیوار انبارها هم بالاتر رفته.
اکنون دیگر کشتی‌ها پر شده
و غله دارد سرریز می‌کند،
با این همه، ما مجبوریم باز هم غله بردوش کشیم.
به راستی که ما قلبی مسین داریم.

پرسش و تمرین:

۱ـ مقایسه کنید که دره‌ی نیل در هنگام پیدایش انسان در آن، چگونه بود و در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد به‌چه صورت درآمد. چرا این تغییرات در آن به‌وجود آمد؟

۲ـ چگونه دانش علمی در مصر به‌وجود آمد؟ فکر کنید ببینید که توسعه‌ی کدامیک از علوم سبب ساختن مومیایی شد.

۳ـ با مثال زدن نشان بدهید که ریاضیات و ستاره‌شناسی چه اهمیتی برای کشاورزی و صنعت‌دستی مصر داشته.

۴ـ چرا خط در مصر به‌وجود آمد. خط مصریان باستان با خط‌های امروزی ما چه تفاوتی داشت.

بند ۱۴

قدرت دولت مصر باستان درهزاره‌ی دوم قبل ازمیلاد وسقوط آن

(به‌نقشه چند صفحه‌ی بعد نگاه کنید)

۱- ارتش مصردرهزارهٔدوم قبل ازمیلاد

رشدجمعیت وتوسعه‌ی صنعت دستی،درمصر،درهزاره‌ی دوم‌قبل ازمیلادفرعون را بر آن داشت که‌ارتش مصررا توسعه دهـد وهمچنین آنراخوب مسلح کند.

نیروی‌اساسی‌ارتش،پیاده‌نظام‌بود.پیاده‌نظام،ازکشاورزانی‌تشکیل می‌شدکه با زورمجبوربه‌انجام‌خدمت سربازی شده بـودند. درارتش،

عرابه‌های جنگی نیز وجود داشت. این عرابه‌ها، گاری دوچرخی بود که به اسب بسته می‌شد. برروی هرعرابه‌ای، یك تا دونفرسرباز با کمان می‌ایستادند.

فرعون ازمیان ملت‌های دیگر نیز، سربازمزدور می‌گرفت. سربازان مزدور، درخود مصر، کشاورزان و بردگان را، بیرحمانه سرکوب می‌کردند، اما برای جنگ با دولتهای دیگر، این سربازان مزدور، قابل اطمینان نبودند، زیرا ممکن بود درهنگام جنگ، جانب کسی را بگیرند که به آنها وعده‌ی پول بیشتری را می‌داد.

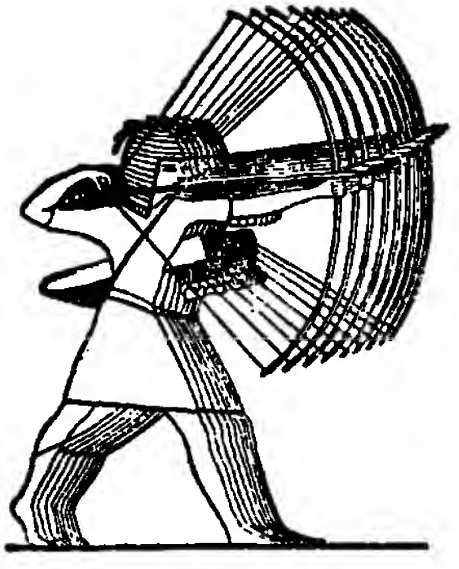

تصویر ۳۸. تیراندازان با کمان
(این تصویر، کار خود مصریان است.)

۲ـ کشورگشایی فرعون

نزدیك ۱۵۰۰ سال قبل‌ازمیلاد، ارتش مصر، به کشورهایی که درساحل

شرقی دریای مدیترانه (دریای وسط زمین)قرارداشتند، یعنی **فلسطین و** سوریه، لشگر کشید. لشگر فرعون را **«توتموس ۳»** که پهلوانی نیرومند وسرکرده‌ای شجاع بود فرماندهی می‌کرد. او معمولا، درحالی که به طلا آراسته بود، با عراده بیرون می‌آمد.

مردم فلسطین وسوریه سرسختانه در مقابل اشغالگران ازخود دفاع کردند. توتموس ۳، بیرحمانه عمل می‌کرد: به دستوراو، مصریان، شهرهاوروستاهارا آتش می‌زدند، درختان باغها را می‌بریدند، کشتزارها رالگدمال می‌کردند ومردم‌را به بردگی می‌بردند. پس‌ازجنگهایی‌طولانی، توتموس ۳، تمام ساحل شرقی دریای مدیترانه (دریای وسط زمین) را اشغال کرد. دنباله‌ی سرزمین مصر، به رودخانه‌ی **فرات** رسید.

فرعون‌موفق شد که تمام‌نوبیاونیزسرزمین قبایل ساکن غرب نیل را تسخیر کند.

نزدیک **۱۵۰۰ سال قبل ازمیلاد**، دولت مصر بیشترین قدرت را به دست‌آورد. (درروی نقشه‌ی زیر، دولت مصررا درچنین دوره‌ای نشان دهید).

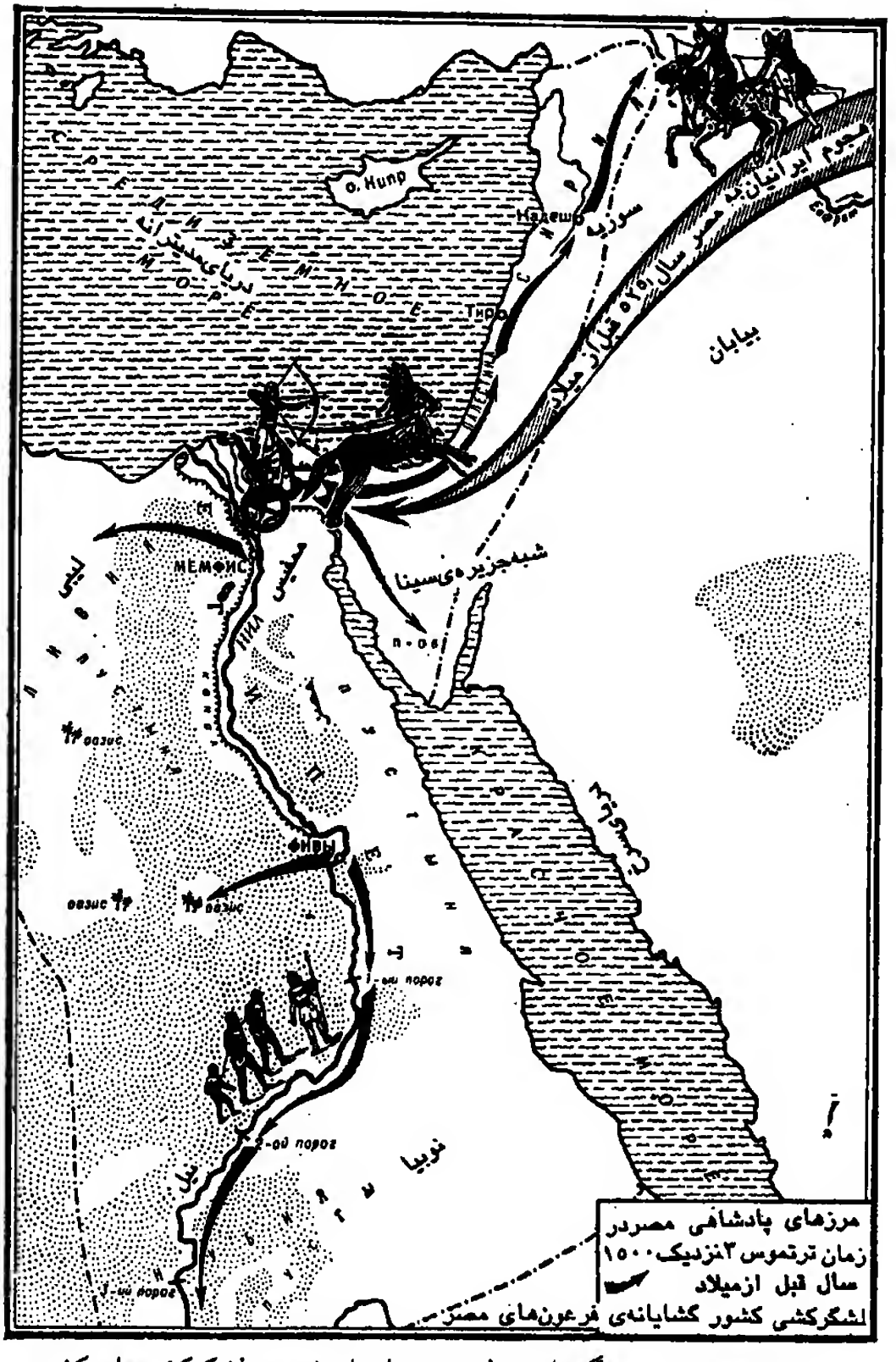

تصویر ۳۹. جنگ‌های دولت مصرباستان (جهت لشکرکشی‌های کشور گشایانه‌ی ارتش مصر را نشان بدهید).

۳- افزایش ثروت برده‌داران مصر

فرعون‌ها، کشورهای تسخیر شده راغارت می‌کردند ومردمی را که زنده می‌ماندندمجبوربه دادن باج و خراج می‌کردند. کاروان‌های الاغ‌های سنگین بار،وهمچنین کشتی‌ها به مصر،طلا،برنز،عاج (دندان فیل) وچوب سیاه (آبنوس) حمل‌می‌کردند؛سربازان نیزهزاران اسیر، گله‌های دام ورمه‌های اسب با خودمی‌آوردند.درکشورهای همسایه می‌گفتندکه فرعون به اندازه‌ی شن‌های سرزمین مصرطلادارد.

تصویر. ۴. محاصره‌ی قلعه به‌وسیله‌ی مصریان (این تصویر در درون پرستشگاه باستانی مصر است).

فرعون سوار برکالسکه است. در طرف راست قلعه‌ای است که به‌وسیله‌ی مصریان محاصره شده. مدافعان قلعه که تیر خورده‌اند، دارند از دیوار فرو می‌افتند. در پایین تصویر، سربازان دارند اسیرانی را که در میان آن‌ها زن و کودک هم وجود دارد، دستگیر می‌کنند. در بالای تصویر، نوشته‌هایی به‌خط هیروگلیف وجود دارد.

برده‌داران مصر، ثروتهای غارت‌شده را صاحب‌می‌شدند درمصر، تعداد برده‌ها از آنچه‌که قبلا بـود، خیلی بیشترشد. دراین میان، کاهن‌هـا خیلی ثروتمند شدند. فقط یکی ازپرستشگاههای مهم، درحدود ۸۰ هـزار برده داشت.

۴ـ خانه خرابی کشاورزان

قدرتی که دولت مصردرمیانه‌ی هزاره‌ی‌دوم قبل ازمیلادبه دست آورد ناپایداربود.

خلق‌های اسیر، مبارزه با اشغالگران را ادامـه دادند. سپاه مصر، به سختی‌می‌توانست‌از کشورهایی که مردم آن‌قیام‌میکردند، وجنگ‌دوباره آغازمی‌شد، خودرا بیرون بکشد.

جنگهایی که پی درپـی درمی‌گرفت، برای کشاورزان مصری نیز مشقت باربود. کشاورزانی کـه بـه سپاه آورده شده بودند، یـا درجنگ کشته‌می‌شدندویاازتب ولرزهای باتلاقی «نوبیا» وهمچنین ازگرمای بیابانها می‌مردند. قطعه زمین‌های کشاورزانی که به جنگ آمده بودند، رهاشده بود وکسی نبود که آنها رابکارد. وضع واحدهای اقتصادی[1] کشاورزان، روبه خـرابی می‌رفت وحتی برخی ازآنها کاملا ورشکسته می‌شدند، اگرهم سربازززخمی ومریضی به روستای محل زندگیش برمی‌گشت، می‌دید که دارایی اورا غارت کرده‌اندوزن‌و کودکانش‌را به‌بردگی‌برده‌اند

۱. واحداقتصادی کشاورزان را در زیرنویس صحفه‌ی ۷۰ تعریف کرده‌ایم‌ـمترجم.

کینه‌ی کشاورزان، صنعتگران و برده‌ها، نسبت به فرعون و برده ـ داران افزایش یافت. رجاهای مختلف مصر، فقیران و برده‌ها قیام کردند.

۵- اشغال مصر به‌وسیله‌ی ایرانیان

خانه خرابی کشاورزان ، قیام‌های پی در پی برده‌ها ،فقیران و خلق های اسیر کشورهـای تسخیر شده، دولت مصر را ضعیف کرد. در آغاز هـزاره‌ی اول قبل از میلاد، این دولت، نه فقط تمام کشورهایی را که در آسیا و نوبیا تسخیر کرده بود، از دست داد، بلکه برای دفاع از خـود، در مقابل هجوم دولت همسایه سخت به زحمت افتاد.

در سال ۵۲۵ قبل از میلاد، سپاه نیرومند ایران، از آسیا به مصر هجوم آورد. بسیاری از مزدوران فرعون به او خیانت کـردند. سپاه مصر، از هم متلاشی شد. عالی‌جناب‌ها و کاهن‌ها به طرفداری از دولتی که پیروز شده بود، پرداختند. ایرانیان تمام مصر را اشغال کردند.

پرسش و تمرین:

۱ـ در بند ۱۴، شما کدام یک از «وظایف»[1] کشاورزان مـصر بـاستان را شناختید.

۲ـ چرا تسخیر کردن کشورهای همسایه، دولت مصر را ضعیف کرد.؟

۳ـ در نمودار «اتفاقات مهم تاریخ مصرباستان»، زمانی را که ایرانیان مصر را تسخیر کردن، نشان دهید. حساب کنید که چند سال پیش این اتفاق افتاده. در چه قرنی این اتفاق افتاده؟ در نیمه‌ی اول قرن یا در نیمه دوم قرن؟ از لشکرکشی توتموس سوم تا اشغال مصر به‌وسیله‌ی ایرانیان، تقریباً چند سال طول کشید.

---

۱. منظور از «وظایف»، کارهایی است که کشاورزان مجبور بودند برای دولت و یا برای ارباب انجام دهند. مترجم.

وقایع مهم تاریخ باستان

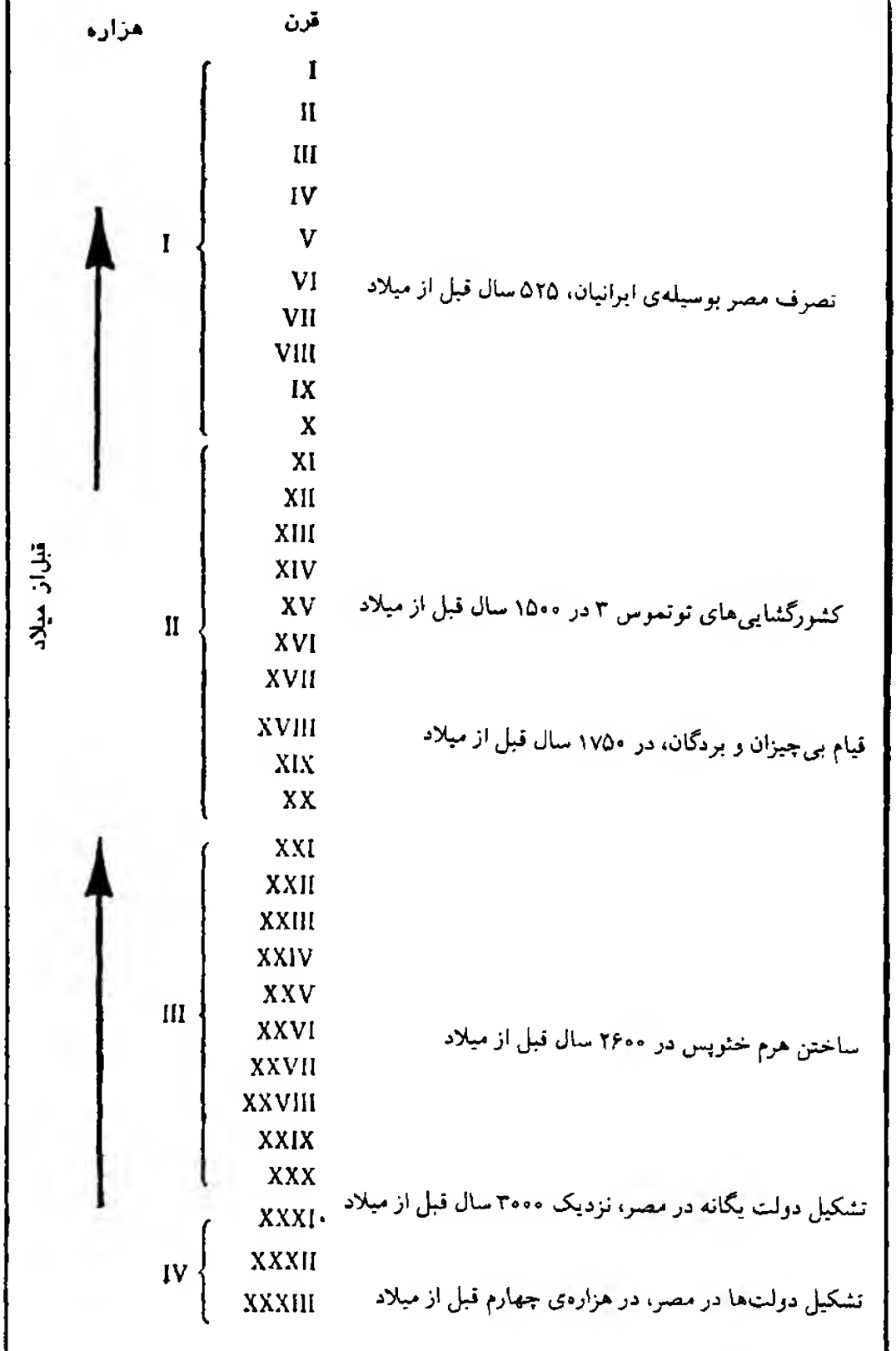

(۱۳۹)

پرسش‌ها و تمرین‌هایی برای دوره کردن فصل دوم:

۱ـ از روی نمودار پیشین، نشان بدهید که مصرباستان در چه زمانی وجود داشته.

۲ـ تقریباً در چه زمانی دولت یگانه‌ی مصر به‌وجود آمد؟ از روی نمودار، توسعه‌ی سرزمین دولت مصر را نشان بدهید.

۳ـ در چه زمانی مصر استقلال خود را از دست داد؟ دولت مصرباستان تقریباً چندصد سال عمل کرد؟

۴ـ چرا و چگونه دره و دلتای رودنیل، در دوران باستان دگرگون شد؟ این دگرگونی در کدامیک از تصویرهای رنگی کتاب، کامل نشان داده شده.

۵ـ چرا در مصر طبقه‌های برده و برده‌دار تشکیل شد؟ در مصر، مردم چگونه برده می‌شدند؟

۶ـ برده‌داران مصر، چگونه حکومت خود را بر برده‌ها و بیچارگان عملی می‌کردند؟ در چه زمانی، کشاورزان و برده‌ها تلاش شجاعانه‌ی خود را برای رهایی از ظلن و ستم آغاز کردند؟ چگونه این تلاش به‌پایان رسید؟

۷ـ مصریان چه پیشرفت‌هایی در علم و هنر به‌دست آوردند؟

۸ـ از یادگارهای نوشته‌ای مصرباستان چند نمونه نام ببرید. چند نمونه از یادگارهای مادی مصرباستان را نام ببرید.

فصل سوم

«میاندو رود» (بین‌النهرین) در زمان باستان

بند۱۵

تشکیل اولین دولت درمیاندورود

(در روی نقشه‌ی همراه کتاب، کشوری را که دولت در آن، همزمان با دولت تشکیل شده نشان دهید.)

۱. طبیعت میاندورود جنوبی

درشمال شرقی مصر و در قاره‌ی آسیا، دو رودبزرگ به نامهای

دجله و فرات جریان دارد که هر دوی آنها از رشته کوههای جنوب قفقاز سرچشمه می‌گیرند و به خلیج فارس می‌ریزند.

سرزمینی که بین دجله و فرات و در نواحی وسط و پایین آنها قرار دارد، میاندورود (بین‌النهرین) نامیده می‌شود. قسمت شمالی میاندورود کوهستانی و قسمت جنوبی آن پست و جلگه‌ای است.

درمیاندورود جنوبی، زمین‌ها دارای خاک رس است. زمستانها، در آنجا بارانهای شدیدی می‌بارد و زمین از لایه‌ی کلفت گل پوشیده می‌شود. در فصل بهار، در کوههایی که سرچشمه‌ی دجله و فرات است، برف‌ها آب می‌شوند. رودها از ساحل‌های خود در می‌گذرند و شدیداً طغیان می‌کنند. به ویژه، رود دجله، به شدت طغیان می‌کند؛ این رود به سیلاب سرکشی تبدیل می‌شود که پهنای آن به ده‌ها کیلومتر می‌رسد. این سیلاب، ساحل‌ها را می‌شوید، خانه‌ها را خراب می‌کند و مردم و چهارپایان را با خود می‌برد.

اما درعوض، گل ولای رودخانه، هنگام طغیان، زمینها را کود می‌دهد و درنتیجه، زمین‌های میاندورود بی اندازه حاصلخیز است.

وقتی که طغیان رود فرو می‌نشیند، گرمای هوا، در سایه، به ۵۰ درجه‌ی سانتیگراد می‌رسد، قسمتهای بلندتر زمین، ازلایه‌ی محکمی پوشیده می‌شود؛ ولی درقسمتهای پست آن، آب همچنان باقی می‌ماند، شروع به گندیدن می‌کند و تشکیل مرداب می‌دهد.

۲. اولین ساکنان میاندورود جنوبی

سرانجام، زمین‌های حاصلخیز میاندو رود جنوبی کشاورزان را

به طرف خود جلب کرد. درچندین هزار سال قبل ازمیلاد بود که مردم در میاندورود جنوبی ساکن شدند. در میان مردابها و دریاچه هایی که از نی‌پوشیده شده بود، تعداد کمی سکونتگاه خانوادگی[1] به وجود آمد. این سکونتگاههای خانوادگی ازچند کلبه که ازگل ونی درست شده‌بود، تشکیل می‌شد. ساکنان این سکونتگاهها به کشاورزی کلنگی،دامداری و شکار می‌پرداختند.

کشاورزان برای آبیاری کشتزارها وخشك کردن مرداب‌ها،کانال می‌کندند. آنها در اطراف سدها آبادی می‌ساختند ودرخت می‌نشاندند تاآنرا ازگزند طغیان محفوظ نگهدارند. تپه‌های بزرگی‌نیز ازخاك وگل درست می‌کردند،تا در هنگام طغیان مردم و دامها روی‌آن‌بروند وجان خود را نجات دهند.

ساکنان میاندو رودجنوبی ابتداساختن ابزار مسی وسپس ابزار برنزی را یادگرفتند. آنها برای شخم زدن زمین‌های سخت‌گلی ، خیش را اختراع کردند (تصویر۴۱) .

۳. میاندورود جنوبی درهزاره‌های ۲ـ۳ قبل از میلادبه چه صورتی درآمد.

کارسخت وپرمشقت انسان ، میاندو رود جنوبی را به‌کشورسبز وخرمی تبدیل کرد.

در هزاره‌های ۲ ـ ۳ قبل ازمیلاد، درکشتزارهایی که به وسیله‌ی

۱ـ توجه داشته باشید که شکل خانواده‌های ابتدایی با خانواده‌های امروزی کاملاً فرق دارد. اگر شکل خانواده‌های ابتدایی را فراموش کرده‌اید، فصل اول کتاب را دوباره بخوانید ـ مترجم.

کشاورزان شخم زده می‌شد و بـه وسیله‌ی کانال آبیاری می‌گردیـد ، محصول فراوانی ازگندم و جو به دست می‌آمد: هردانه‌ی بذر، تا صد دانه محصول می‌داد. در اطراف روستاها، درخت خرما می‌رویید، از خرما، آرد، عسل، شراب و از رشته‌های پوست درخت خرما، ریسمان وسبد می‌بافتند . درخت خرمـا برای ساکنان میاندو رودآنقدر اهمیت داشت که آنرا «درخت زندگی» می‌نامیدند.

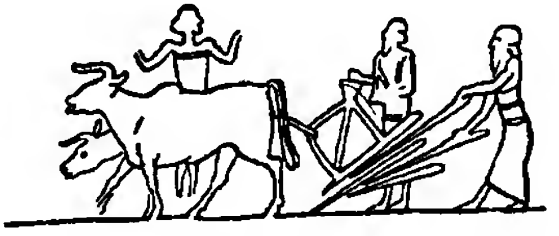

تصویر ۴۱. خیش در میاندورود جنوبی (تصویری بـاستانی). در روی خیش لوله‌ای نصب کرده‌اند که در بالای آن قیفی قرار دارد. هنگام شخم در قیف، بذر می‌ریزند. در نتیجه، کاشتن با شخم زدن به‌طور همزمان انجام می‌گیرد.

در روی تپه‌ها، شهرها قرار داشتند. در داخل این شهرها، بافندگان، آهنگران ، چرمسازان ، کوزه‌گران و سایـر صنعتگران زندگـی و کار می‌کردند. پارچه‌های پشمی‌ای که درمیاندو رودتهیه می‌شدشهرت زیادی داشت .

در میاندو رود جنوبی ، معادن مس ، طلا و نقره وجودنداشت . در آنجا، چوب نیز خیلی کم بود. مردم، تمام این چیزها را ازمردم سرزمین‌های دیگر می‌گرفتند و به جای آن، غله ، خرما، دام و پارچه می‌دادند . درمیاندو رود به جای پول، از شمش نقره استفاده می‌شد.

۴. چگونه، درمیاندو رود ، طبقه‌های برده و برده دار به وجود آمد.

درمیاندو رودجنوبی هم مانندمصر، تکامل کشاورزی و دامداری سبب تشکیل طبقات گردید:[1]

تکامل کشاورزی ودامداری سبب شد که‌داشتن برده، برای مالکان زمین، کم کم سودمند شود. اکنون دیگر، با مجبور کردن برده‌ها به‌کار، بیشتر از آنچه که برای مصرف خود برده‌ها لازم بود، غله به دست می‌آمد. درنتیجه،مقداری ازغله و دامهای باقیمانده را با طلا، برنز، پارچه‌های نازك و زینت‌آلات مبادله می‌کردند.

تصویر ۴۲. منظره‌ای از میاندورود جنوبی،
دره‌ی فرات و دجله، خیلی وسیع بود. در درون دره، کانالی کنده شده بود که درکناره‌های آن، باغ‌هایی از درخت خرما وجود داشت. کلبه‌ها و دیوارهایی نیز از گل، در آنجا، ساخته بود.

---

۱. به‌بندهای ۷و۸ نگاه کنید ـ مترجم.

کسانی که درجنگ اسیر می‌شدند ، به برده تبدیل شدند . ریش سفیدان وسران قبیله هم، طبقه‌ی برده دارراتشکیل دادند.

۵. چگونه برده داران، بی‌چیزان رامجبور کردند که برایشان کار کنند.

بیشتر مردم میاندو رودجنوبی راکشاورزان وصنعتگران تشکیل می‌دادند.

بیشتروقتها، بی‌چیزان نه‌چیزی برای‌خوردن داشتندو نه‌می‌توانستند، ابزار کارلازم را برای‌کار خود بخرند . در چنین مواقعی ، آنها مجبور می‌شدندکه غله و نیز نقره، قرض بگیرند . قرض کننده ، پس از مدت معین ، گذشته از اصل مبلغی که قرض کرده بود، بهره‌ی سنگینی نیز می‌بایست بپردازد. اگرشخص بی چیزی فقط می‌توانست‌بهره‌ی قرض خود رابپردازد، خودقرض‌همچنان‌باقی می‌ماند. کشاورزان وصنعتگران زیادی که سرتاسرعمر خودرا کارمی کردند وحتی‌سرشان‌ازروی کاربلند نمی‌شد. فقط‌می‌توانستندبهره‌های‌تازه‌وتازه‌ترقرض‌قدیمی‌شان‌رابپردازند.

بی چیزان بی زمین ، از ثروتمندان تقاضا می کردندکه برای استفاده‌ی موقت، به‌آنها قطعه‌ای زمین‌یاباغ بدهند. درمقابل، آنها نیمی ازمحصولی راکه ازکشتزار به دست می‌آمد و $\frac{۲}{۳}$ محصولی راکه از باغ به دست می‌آمد به مالکان می‌دادند.

در هزاره‌ی چهارم قبل ازمیلاد ، درمیاندو رودجنوبی، نظام جماعتی نخستین، دیگر به نظام‌برده داری تبدیل شده‌بود. با برقراری نظام‌برده داری دولت نیز به وجودآمد. بدون وجود دولت (حکومت شاه ، ارتش ، مأموران و زندان‌ها) برده داران نمی‌توانستندبرده‌هاوبی چیزان رامجبور به‌فرمانبرداری کنند.

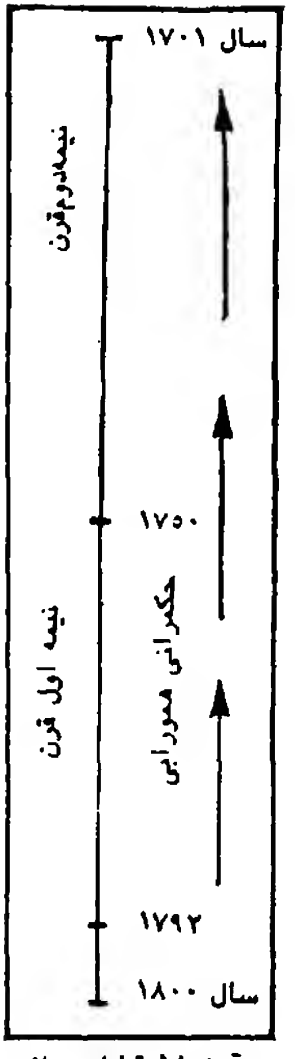

قرن ۱۸ قبل‌از میلاد

پرسش و تمرین:

۱ـ شرایط طبیعی میاندورود جنوبی و مصر را با هم مقایسه کنید. چه چیزهایی در آنها همانند است؟ از چه نظر با یکدیگر فرق دارند؟

۲ـ چه همانندی‌هایی بین کار و پیشه‌ی مردم مصر و مردم میاندورود جنوبی در دوران باستان، وجود داشت؟

۳ـ چرا در میاندورود باستان، طبقه‌های برده و برده‌دار تشکیل شد؟ چرا در آنجا دولت به‌وجود آمد؟

اگر برایتان مشکل است که به‌این سئوال جواب بدهید، ابتدا به‌یاد بیاورید ک در مصر باستان، طبقه‌های برده و برده‌دار و همچنین دولت، چرا تشکیل شد (بند ۸).

۴ـ چه چیزی بی‌چیزان آزاد (غیر برده) را مجبور کرد که برای برده‌داران ثروتمند کار کنند؟

بند۱۶

پادشاهی بابل

۱. ترقی بابل

درمیاندورود جنوبی،درساحل رودفرات،شهر بابل‌به وجودآمد.

درآغاز،بابل، سکونتگاه کوچکی بودکه ازچندکلبه‌ی کاه‌گلی[۱] تشکیل می‌شد.

موقعیت محلی بابل بسیار خوب بـود . اطراف‌آن را زمین‌های حاصلخیز فراگرفته بود. بابل در محلی قرار داشت‌که دجله به فرات ، خیلی نزدیك می‌شد. بازرگانان از قسمت بالای رودخانه‌های فـرات و دجله، با قایق‌های بزرگ،کالاهایی راکه مورد احتیاج میاندورودجنوبی

۱ـ معمولاً به‌گل، خرده‌کاه و یا سنگهای ریز اضافه می‌کردند.

بودبه‌آنجا می‌آوردند. کالاهایی را نیز که درمیاندورودجنوبی تولید می‌شد، از همین محل صادر می‌کردند. (به یاد بیاورید که این کالاها، چه چیزهایی بودند.)دو جاده‌ی مهم میاندورود نیز، ازبابل می‌گذشت. دراین‌جاده‌ها، کاروان‌های‌شترهاوالاغهای‌سنگین‌بار دررفت‌وآمدبودند. بابل، به خاطر موقعیت محلی بسیارخوبی که داشت، به بزرگترین و ثروتمندترین شهرتجارتی میاندورودتبدیل شد.

درآغازهزاره‌ی دوم قبل ازمیلاد، پادشاهی نیرومند بابل تشکیل شد. پایتخت این پادشاهی، شهربابل بود. درنیمه‌ی اول‌قرن هیژدهم پیش از میلاد، در زمان پادشاهی هموراپی، پادشاهی‌بابل‌بیشترین قدرت خود را به دست‌آورد.

هموراپی درسالهای ۱۷۵۰-۱۷۹۲ قبل از میلاد، پادشاه‌بابل‌بود. ثروت‌بابل‌به‌پادشاه‌اجازه‌می‌داد که ارتشی‌بزرگ، که خوب‌هم‌مسلح‌شده باشد، برای خود درست کند. هموراپی، تقریباً، پی درپی‌جنگ به‌راه می‌انداخت و هر بار ایالت جدیدی را تسخیر می‌کرد. در پایان دوران پادشاهی او، گذشته از سراسرمیاندورود، ایالات همسایه‌ی‌آن هم به زیر فرمانروایی هموراپی درآمدند.

تصویر ۴۳. شتربارکش (تصویری باستانی)

نزدیك به شصت سال پیش، باستانشناسان درنزدیکی میاندورود به زمین‌کنی و کاوش پرداختند. آنها تخته سنگی پیدا کردند که جنس آن ازسنگ سیاه بود . بلندی این تخته سنگ ازقامت انسان بیشتر بود. در هر دو طرف تخته سنگ، نوشته‌هایی کنده (حك) شده بود. در یك طرف آن، در قسمت بالا، تصویرپادشاه کنده شده بود. (تصویر ۴۴).

دانشمندان، نوشته‌های یادشده راخواندند. این نوشته‌ها قانون‌هایی[1] بود که همورابی پادشاه بر قرار کرده بود. مردم پادشاهی بابل، طبق این قانون‌ها محاکمه می‌شدند (برخی از این قانون‌ها را در پیوست بند ۱۶ گنجانده‌ایم. این قانون‌ها رابخوانید وبه‌پرسش‌های مربوط به آن، پاسخ بدهید.) .

تصویر ۴۴. قسمت بالای تخته سنگی، که بر روی آن متن قانون «همورابی» پراکنده‌اند
خدای آفتاب و عدالت دارد نشان حکومت را (عصا) به‌همورابی می‌دهد. این تصویر می‌خواهد مردم را متقاعد کند که قانون به‌وسیله‌ی خدا برقرار شده (پیدا کنید که خود همورابی در باره‌ی پیدایش قانون چه می‌گوید).

۱ــ قانون، قواعدی است که دولت برقرار می‌کند.

قانونهای همورابی پادشاه ، زندگی و دارایی برده داران را حفظ و نگهداری می کردند وفرمانروایی آنان را بر بردگان وبی چیزان محکم واستوار می‌نمود. پادشاهی بابل نیزمانندپادشاهی مصر،دولتی برده دار بود .

۳. سقوط بابل و ترقی دوباره‌ی آن

قدرت پادشاهی بابل دوام‌پیدانکرد. جنگهای پی‌درپی همورابی پادشاه و جانشینان‌او ، نیروی کشوررا ناتوان ساخت. قبایل کوه نشین به میاندورود هجوم آوردند وبابل‌را تسخیر کردند .

درپایان قرن هفتم پیش ازمیلاد، بابل دوباره به پایتخت دولت بزرگ برده دارتبدیل شد . برده داران با استفاده ازکار و زحمت‌تعداد بسیار زیادی برده،شهر راآراستند،ساختمانهای‌باشکوه‌ساختند وبر دور شهر دیوار غیرقابل عبوری بناکردند.

با این حال،جاده‌های‌بازرگانی میاندورود،دیگرتغییر یافته‌بودند و اکنون فقطازنزدیکی بابل می‌گذشتند. شهر اهمیت قبلی خود را از دست داد و ازجمعیت خالی شد . ساختمانهایی کـه ازآجرساخته شده بود، خراب شد وبه جای شهرتپه‌ی بزرگی ازخاك‌به وجودآمد.

درآغاز قرن بیستم (قرن حاضر) ، باستان شناسان به‌زمین کنی و کاوش در این تپه پرداختند و توانستند بفهمندکـه بابل در قرن ششم

پیش ازمیلادچگونه بوده است.

بخشی از مجموعه‌ی قوانین هموراپی پادشاه

نشان بدهیدکه کدامیك ازقانون‌هایی که در زیر آورده شده، دارایی‌برده داران را حفظ ونگهداری می‌کرد. ثابت‌کنیدکه طبق این قانون‌ها ، تفاوتی بین برده وسایر دارائی‌ها وجـود نداشته . قانون‌های هموراپی چگونه باعث برگشت قرض می‌شد؟ برای کسانی که به‌فراربرده‌ها کمك‌می‌کردند،چه مجازات‌هایی درنظر گرفته شده بود؟

قانون‌هایی که درپادشاهی بابل برقرارشده بود، به نفع چه‌کسانی بود؟ آیا شما هم قانون‌های هموراپی پادشاه را «عادلانه» و«خوب» می‌دانید؟چرا؟

براساس قوانینی کـه روی تخته سنگ نوشته شده ونیز تصویری که در بالای آن هست،درباره‌ی‌نقش مذهب درپادشاهی‌بابل چه چیزهایی‌می‌توان گفت؟

من هموراپی،پیشوایی که ازجانب خداتعیین شده،اولین‌پادشاهی که‌آبادی‌های فرات را تسخیرکرد . من حق وعدالت را بر لبان‌کشور جاری ساختم وبه مردم خیروبرکت دادم. از این به بعد:

اگرکسی اموال‌پرستشگاه ویا پادشاه را بدزدد،او را بایدکشت.

کسی را هم‌که اشیای دزدی شده را مورداستفاده‌قرار دهد،بایدکشت.

اگرکسی برده‌ای (غلام یاکنیزی) را بدزدد، او را بایدکشـت

اگرکسی به برده‌ای فراری پناه بدهد، او را بایدکشت.

اگرکسی داغ[1] برده‌ای را پاك‌کند، انگشتانش را باید برید.

اگرکسی باعث مرگ برده‌ی‌کسی دیگرشود، باید بـه جای هر برده، یك برده به اوبدهد.

۱ـ داغ علامتی بود که روی بدن برده می‌گذاشتند و این علامت نشان می‌داد که برده مال کیست.

اگر کسی باعث مرگ گاو کسی دیگر شود، باید به جای هر گاو، یك گاو به او بدهد.

اگر کسی قرض خود را نداده باشد، زن، پسر و دختر او بایدسه سال بردگی کنند.

اگر کسی به یك شخص عادی سیلی بزند، بایدجریمه بپردازد.

اگر کسی به یك مقام عالی (مانند عالی جناب‌ها، کاهن‌ها وغیره) سیلی بزندبایدبا شلاقی ازپوست گاو، ۶۰ ضربه به او زده شود.

درپایان گفته شده: «من همورابی، پادشاه عادلی هستم که خدای آفتاب این قانون‌ها رابه اوبخشیده است. سخنان من عالی واعمال من بی همتا است ... »

پرسش و تمرین:

۱ـ کدامیک از شرایط جغرافیایی بابل سبب ترقی آن شد؟

۲ـ چرا و برای چه، در امپراطوری بابل قانون بوجود آمد؟

۳ـ با استفاده از تصویر رنگی شماره‌ی ۶، که بابل را نشان می‌دهد، و با استفاده از شرح مربوط به‌این تصویر، داستانی در باره‌ی بابل قرن ششم قبل از میلاد بنویسید و شرح دهید که در بابل، ساختمان‌ها و خیابان‌ها به‌چه صورت بوده، دیوارهای قلعه هایش چگونه بوده و خلاصه درباره‌ی مردم آن چه چیزهایی می‌توان گفت.

۴ـ حساب کنید که همورابی چند سال پادشاهی کرد. چند سال قبل از این، پادشاهی او شروع شد؟ چند سال قبل از این، پادشاهی او به‌پایان رسید؟ تقریباً در آن سالهایی که همورابی در بابل پادشاهی می‌کرد، چه اتفاق‌هایی در مصر افتاد؟

بند ۱۷

دانش علمی و هنر در میاندورود باستان

به‌یاد بیاورید که شما در بارهٔ کدام یک از علوم مصرباستان چیزهایی می‌دانید.

چگونه و چرا این علوم به‌وجود آمدند (بند ۱۳، ماده‌ی ۳و۴).

۱- زمین‌کنی و کاوش در نینوا

تا صدسال پیش، دانشمندان درباره‌ی تاریخ میاندورود دردوران باستان چیزهای خیلی کمی می‌دانستند. اما، ازمیانه‌ی قرن نوزدهم به‌بعد، زمین‌کنی‌های باستان‌شناسی بزرگی درمیاندورودانجام گرفت. به ویژه اینکه‌درنتیجه‌ی این‌زمین‌کنی‌ها، شهر نینوا درمیاندورودشمالی پیدا شدکه برای علم اهمیت بسیارزیادی داشت.

نینوا پایتخت دولت نیرومندبرده دارآشوربود. پادشاهان آشور باارتش پر عده وخوب مسلح شده‌ای که دراختیار داشتند، بابل، سوریه وفلسطین راتسخیر

کردندوحتی‌مصررا نیز برای مدتی کوتاه به تصرف خود درآوردند آشوریان، کشورهای تسخیرشده‌را بیرحمانه ویران کردندودشمنان‌شکست‌خورده‌ی خودرا به‌صورتهای‌وحشتناکی اعدام کردند. درپایان‌قرن هفتم‌قبل‌ازمیلاد، دشمنان آشور، نیروهای‌خودرا متحدکردند وبه نینوا هجوم‌بردند وآنراویران کردند

زمین‌کنی‌های باستان‌شناسان درنینوا، داستانهای نویسندگان باستانی را درباره‌ی ویران‌کردن‌آن تایید کرد: درویرانه‌های نینوا، همه جا آثار آتش سوزی دیده می‌شد. باستان‌شناسان، درمیان ویرانه‌های کاخ بزرك پادشاهی ، نقش‌هایی[1] پیدا کردند، که درروی سنك نرم کنده شده بود. درروی زمین نیز، ده‌هاهزار صفحه‌ی سفالی، قرارداشت.

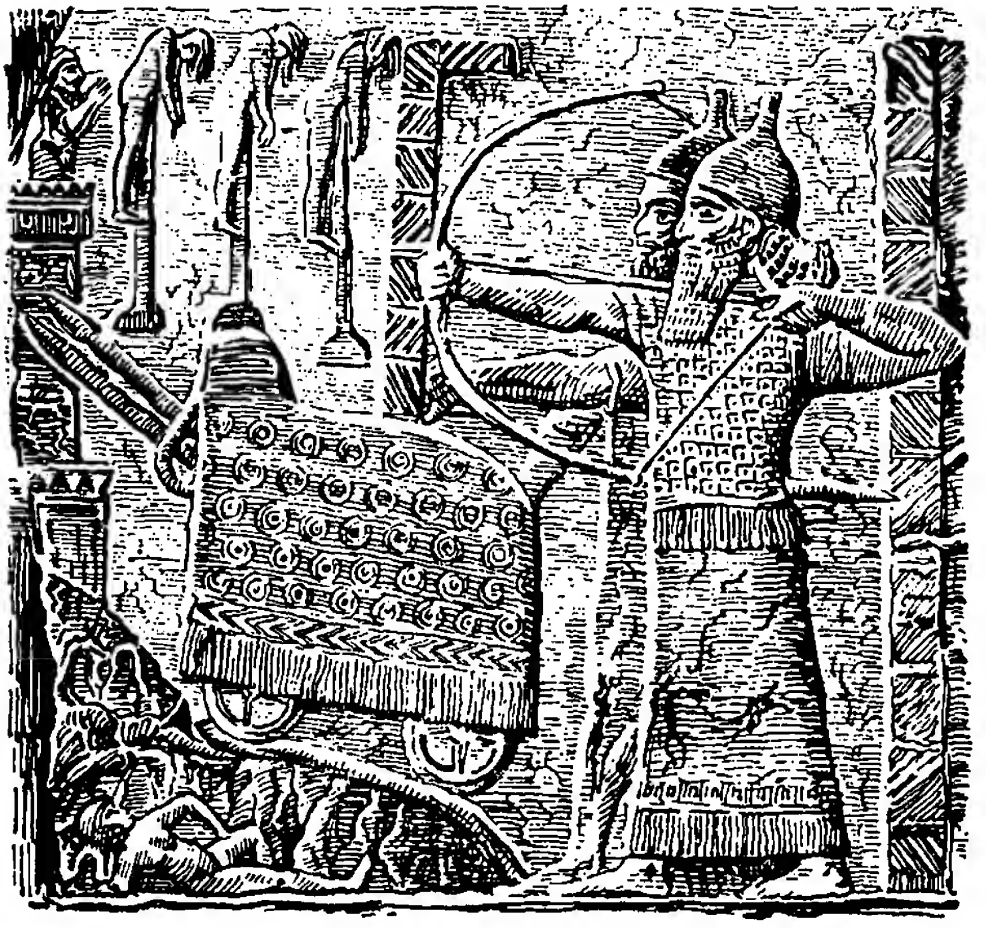

تصویر ۴۵. این نقش‌برجسته، شهری راکه به وسیله‌ی آشوریان محاصره

۱. نقش یعنی تصویری برجسته در روی یک سطح هموار. بقیه در پایین صفحه بعد

نقش‌های که در نینوا و سایر شهرهای آشور پیدا شد، بیش از هر چیز، جنگ، زد و خورد، به دست آوردن غنیمت‌ها، ویران کردن شهرها، اعدام‌ها و به بردگی بردن اسیران را نشان می‌داد (تصویر ۴۵). بسیاری از نقش‌ها، شکار شیرهایی را به وسیله‌ی پادشاه نشان می‌داد که با قفس برای سرگرمی

شده نشان می‌دهد.

بربالای دیوار شهر مجاصره شده، مردی دارد تقاضای بخشش می‌کند (امان می‌خواهد). در کنار دیوار، منجنیق چرخداری دیده می‌شود. (منجنیق. چوب محکمی است که در یک طرف آن فلز کوبیده‌اند. منجنیق را به‌یک پایه آویزان می‌کنند، بعد پایه را به طرف دیوار می‌برند. سربازان، منجنیق را تکام می‌دهند و آن را به‌دیوار می‌کوبند تا بدینوسیله، دیوار را خراب کنند. در قسمت جلو پایه، جایگاهی قرار دارد که برای فرمانده است. آشوری‌ها، اغلب این پایه را باروکشی از پوست که دکمه‌های مسی داشت، می‌پوشاندند.) در طرف راست تصویر، سربازان آشوری دیده می‌شوند که بر تن یکی از آن‌ها زرهی از ورقه‌های فلزی دیده می‌شود. سرباز دیگر، سپری به‌بزرگی یک انسان در دست دارد که از میله‌های بهم بافته، درست شده. برروی دارها اسیران شکنجه شده قرار دارند. در پایین تصویر، انسان کشته شده و غارت شده‌ای دیده می‌شود. تصویرهای روی این نقش، دارای اندازه‌های مختلفی است: سربازان آشوری خیلی بزرگ هستند، منجنیق خیلی کوچک است، سربازان دشمن و دیوارهای قلعه دشمن هم روی هم رفته کوچک هستند.

او آورده بودند.

هنر پیکرتراشی، به درجه‌ای از مهارت رسیده بود که می‌توانست حالت حیواناتی را که تیر بدن آنها را سوراخ کرده بود و از شدت زخم داشتند می‌مردند و با خشم شدید به شکارچی حمله می‌کردند، نشان بدهد. نقش‌ها می‌بایست چنان باشند که پادشاهان آشور را خوب جلوه دهند، نیروی ارتش را نشان بدهند و دشمنان را دچار وحشت سازند.

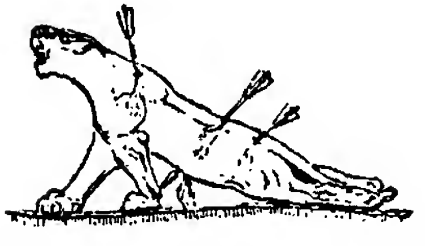

تصویر ۴۶و۴۷. پادشاه آشور اردشیرهایی را که با قفس برای سرگرمی‌های شاهانه آورده شده‌اند، شکار می‌کند (نقش برجسته باستانی)

۳ـ خط میخی، «کتابخانه‌ی کتابهای سفالی»

صفحه‌های سفالی‌یی که درجریان زمین کنی‌ها باستان‌شناسان پیدا شده‌ابتدا زیاد موردتوجه قرارنگرفت،در صورتیکه این‌صفحه‌ها برای علم‌تاریخ ، اهمیت زیادتری ازنقش‌ها داشت.این صفحه‌ها،یادگارهایی نوشته‌ای‌ازتاریخ میاندورود و کشورهای همسایه‌ی آن بود .

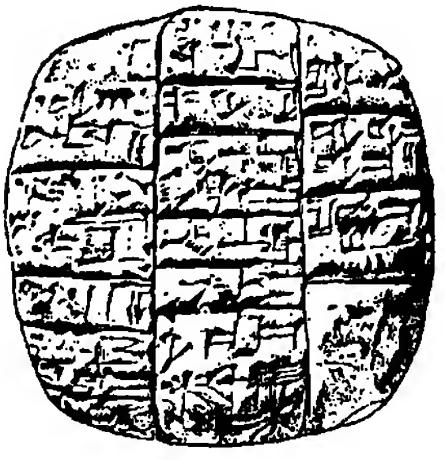

تصویر ۴۸. صحفه‌ای سفالی (گلی) با خط میخی.

درهزاره‌ی چهارم قبل‌ازمیلادبود که درمیاندورود نوشتن‌اختراع شد.درابتدا،دراینجاهم‌مانندمصر،به وسیله‌ی‌تصویرمی‌نوشتند.درمیاندو-رودپاپیروس وجودنداشت ونوشتن در روی صفه‌هایی ازگل‌نرم انجام می‌گرفت.درکنارکسی که می‌خواست‌بنویسد،مقداری‌گل‌قرارداشت که او به اصطلاح«کاغذ» موردنیازخودش را ازآن درست می‌کرد.وقتی که صفحه‌ی‌گلی نوشته مـی‌شد،بـرای اینکه،آن صفحه،سفت ومحکم شود،آنرا یا درآفتاب خشك می‌کردندویا درآتش‌می‌پختند.

تصویر کشیدن در روی گل، سخت بود. برای این کار، چوب کوچك نوك تیزی را روی صفحه‌ی گلی با فشار می‌کشیدند و تصویرهایی از چند شکل کوچك شبیه به میخ به وجود می‌آوردند. کم کم این تصویرها به علامت‌هایی تبدیل شد که دیگر تصویرهای نخستین را به زحمت، به یاد می‌آورد (تصویر ۴۹). هر علامتی یا نشان دهنده‌ی یك کلمه‌ی کامل بود، یا نشان دهنده‌ی یك هجا از یك کلمه. تعداد این علامت‌ها بر روی هم، در حدود هزار تا بود. این گونه نوشته را **خط میخی** می‌گویند.

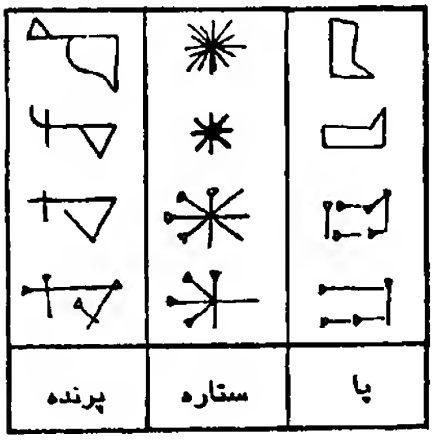

تصویر ۴۹ـ تبدیل خط تصویری به خط میخی.

خط میخی در میاندورود جنوبی به وجود آمد و سپس در کشورهای همسایه‌ی آن رواج پیدا کرد.

در میان ویرانه‌های نینوا، یك «کتابخانه»ی کامل از «کتابهای سفالی» پیدا شد. در روی صفحه‌های گلی، وقایع سال، فرمان‌های پادشاه، آثار علمی، قانون‌ها، حکایت‌ها و بسیاری چیزهای دیگر نوشته شده بود.

دانشمندان، خط‌های میخی را خوانده‌اند و اطلاعات زیادی درباره‌ی تاریخ میاندورود باستان و از جمله در باره‌ی دانش‌های علمی بابلیان و آشوریان به دست آورده‌اند.

دراعماق دوران باستان، بابلیان حرکات ستارگان آسمان را زیر نظر می‌گرفتند. آنها می‌توانستند، گرفتن خورشید و گرفتن ماه را پیشگویی کنند. آنها، سال را به ماهها وهفته‌ها وشبانه روز را به ساعت‌ها ودقیقه‌ها تقسیم کرده بودند. (علمی که حرکت ستارگان آسمان را بررسی می‌کند، چه نامیده می‌شود؟).

در «کتابخانه»ی بینوا، آثاری درباره‌ی علم پزشکی وجود داشت که راه معالجه‌ی مرض را شرح می‌داد.

اما باید به یاد داشت که دانش مردم باستان، ازعلم امروزی خیلی به دور بود. بابلیان خیال می‌کردند که آسمان سرپوش بزرگی است که در آن پنجره‌هایی وجوددارد، وقتی این پنجره‌ها بازمی‌شود، باران برروی زمین می‌ریزد. آنها خورشید، ماه و پنج سیاره را خدا می‌دانستند. به نظر آنها، هریك ازاین خداها مخصوص یك روزازهفته بود. در آثار پزشکی، گذشته ازاندرزهای مفیدی که داده شده بود، «داروهایی» نیزمانندزبان موش، موی سگ، گوش گاو نرزرد رنك معرفی شده بود.

۵ـداستانی درباره‌ی طوفان

درروی‌صفحه‌های سفالینی که درنینوا پیدا شده،داستانی دربارهٔ طوفانی‌جهانی‌نوشته‌شده. دراین داستان،شرح‌داده شده که‌گویا خدایان یك وقتی تصمیم‌گرفتند که مردم را نابود کنند.چندروزی پی‌درپی‌باران بارید،سرتاسرزمین غـرق درآب شد،مردم نابودشدند،اما یکی ازمردم راخدا(یکی‌ازخدایان)،به خاطراینکه‌فرمانبردار بود وقربانی‌های فراوان می‌کرد،دوست می‌داشت.خـدای یادشده،ایـن شخص را قبلا ازآمدن طوفان با خبر کرد.این‌شخص هم رفت ویك‌کشتی‌برای خـودساخت. اوتمام افرادخانواده‌ی خود ونیزحیوانات وپرندگان را به درون‌کشتی برد:تمام‌آنها ازطوفان نجات پیداکردند.

این‌داستان به خاطرطغیان ویران‌کننده‌ای‌که درمیاندورودجنوبی رخ‌دادساخته شده:دجله وفرات دراثراین طغیان‌یکی‌شدندوسیل عظیمی به وجودآوردند،مردم‌آنجا هم خیال‌کردندکـه‌آب تمام دنیا را غـرق کرده است . ایـن داستان از میاندو رود بـه‌کشورهای دیگررفت و پراکنده شد.

ترس ووحشت درمقابل نیروهای طبیعت،اعتقادبه خدایان را در مردم محکم‌ترکرد. کاهنان ازاین موضوع‌استفاده‌کردندومردم راتهدید کردندکـه اگردرمقابل‌خدایان سرکشی‌کنند،آنها هـم طوفان جدید و بلاهای دیگری به زمین خواهندفرستاد.

پرسش و تمرین:

۱ـ زمین کنی‌های باستانشناسان را در میاندورود شرح بدهید.

۲ـ شما از فصل سوم چه چیز تازه‌ای درباره‌ی دولت‌های برده‌دار یاد گرفتید؟

۳ـ ثابت کنید که برده‌داران بابل و آشور از مذهب و هنر برای محکم کردن پایه‌های حکومت خود استفاده می‌کرده‌اند.

۴ـ چرا افسانه‌ی «طوفان جهانی» در میاندورود به‌وجود آمد و نمی‌توانست در مصر به‌وجود آید.

فصل چهارم

هند باستان

بند ۱۸

تشکیل طبقه‌ها و دولت در هند

۱ ـ طبیعت و موقعیت هند

درجنوب شرقی میاندورود، سرزمین هندقرار دارد. سرزمین هند شامل شبه جزیری هندوستان وقسمتی ازقاره‌ی آسیا است که به‌آن چسبیده است

درشمال هند، کوههای هیمالیا که بلندترین کوههای جهان است،

قراردارد. این کوهها، همیشه پوشیده از برف است. در دوران باستان، کوهها، راه هند را بسته بودند. فقط درشمال غربی هند، راههای مناسبی وجود داشت که به کشورهای دیگر می‌رفتند.

تقریباً، تمامی شبه جزیره‌ی هندوستان را فلات (بلندی هموار) تشکیل می دهد. بین فلات و کوههای هیمالیا، جلگه‌های پست قرار دارد.

درقسمت غربی این جلگه، **رود هند** جریان دارد، که نام هندوستان نیز از آن گرفته شده. درشرق (خاور) جلگه، **رود گنگ** (Gang) جریان دارد. هردوی این رودها از کوههای هیمالیا سرچشمه می گیرند وهنگامی که برف های این کوهها آب می شوند، آنها به‌شدت طغیان می کنند.

درسرزمین هند، که کوههای هیمالیا آنرا ازگزند بادهای سرد شمالی حفظ کرده، حتی درزمستانها نیزهوا گرم است. درجاهایی که آب وجود دارد، درختان و بوته‌ها، انبوه وارمی‌رویند. بااین‌حال، درسرزمین هند باران به صورت ناهماهنگی می‌بارد.

در دره‌ی هند، باران خیلی کم می‌بارد. دراین دره، دشت هایی قرار دارند. اما در دره‌ی گنگ، تابستانها، باران های شدیدی می‌بارد. دردوران باستان، این دره پوشیده از مرداب **وجنگل‌های** غیرقابل‌عبور درختان وگیاهان گرمسیری بود. دراین جنگل‌های انبوه، پلنگ، ببر، فیل، وگاومیش زندگی می کردند. به ویژه مارهای زهرداری که بیشتر اوقات دراین جنگل‌های انبوه ومرداب‌ها پیدا می‌شد، برای انسان،

بسیار خطرناك بود.

۳- مردم هند باستان

درهزاره‌های ۲-۳قبل از میلاد.درساحل‌های رود هند ، شهرهای بزرگی وجود داشت(تصویر ۵۰)مردم این‌شهرها به‌کارهای کشاورزی ، دامداری و برنزکاری می‌پرداختند.

تصویر ۵۰
خیابان یکی از شهرهای باستانی هند که از زیر خاک بیرون آمده، در این شهر، خانه‌های دو و سه طبقه وجود داشته.

درهزاره‌ی دوم‌قبل ازمیلاد،قبایل‌پرعده‌ی کوچ نشینان[1] ازجانب

۱-کوچ‌نشنی‌ها، گروهی از مردم هستند که با تمام مال و دارایی خود، همیشه از نقطه‌ای به‌نقطه‌ی دیگر کوچ می‌کنند. معمولاً کوچ‌نشنیانی دامدار هستند. هنگامی که دام‌های آن‌ها علف‌های یک نقطه را خوردند و از بین بردند، کوچ‌نشینان آن‌ها را به‌نقطه‌ی دیگری می‌برند.

شمال غربی، به سوی هند حرکت کردند. آن ها خود را آریـایی می نامیدند. این قبایل را سران انتخابی آن‌ها کـه راجه نامیده مـی شدند، رهبری می کردند. قبایل آریایی، دردشت‌های بی انتها، گله‌های دام ورمه های اسب خود راپیش می‌راندند. آن‌ها، درحالـی که به طـرف شرق و جنوب پیشروی می کردند، به تدریج درسرزمین هند ساکن می شدندو با مردم سابق آنجا می آمیختند . آریایـی‌ها، از وقتی که شروع به کـار کشاورزی کردند، به شکل زندگی «بوم نشینی»[1] روی آوردند.

۳ـ آغازکار درروی آهن (آهنگری.)

تقریباً درهزار سال قبل از میلاد ، هندیان نیز مانند بسیاری از مردم کشورهای دیگر، آهن راکشف کردند و کارکردن درروی آن را یـاد گرفتند: ابتدا، از سنگ و گل، کـوره‌ای درست می کردند، بعد این کوره‌را ازذغال چوب وسنگ آهن پرمی کردند. پس از سوختن ذغال ها ،دردرون کـوره، قطـعه‌ی کلوخـه مانندی از آهن درست مـی شد. آهنگران، این تکه آهن را می کوبیدندواز آن ابزارکارواسلحه (جنگ

۱ـ بوم‌نشین‌ها، گروهی از مردم هستند که برعکس کوچ‌نشین‌ها، همیشه در یکجا زندگی می‌کنند. (اهالی شهر و اهالی روستا را بوم‌نشین می‌گویند. (مترجم.)

افزار)می ساختند. **کار در روی آهن، تأثیر زیادی در تکامل کشاورزی، صنعت و دریانوردی** داشت. آهن بیشتر از مس، در طبیعت یافت می شد. بدینجهت، خیلی ارزان تر از مس بود. هم کشاورزان و هم صنعتگران می‌توانستند ابزار کار آهنی داشته باشند. گذشته از این، آهن محکم‌تر از برنز بود. خیش هایی که تیغه‌ی آهنی داشت، گذشته از زمین های نرم دره‌های رودخانه، زمین‌های سخت دشت راهم می‌توانست شخم بزند. بیل‌های آهنی، تندتر از قبل، زمین را می کند، با تبر، اسکنه و سایر ابزار کار آهنی، آسان تر می‌شد، کلبه ، کشتی و گاری ساخت.

۴ـ آبادکردن دره‌ی گنگ

دربرابر مردمی که تبر و بیل آهنی داشتند، دیگر جنگلی در دره‌ی گنگ باقی نماند، آن‌ها هرچه بیشتر، زمین‌ها را برای کشتزار آماده می کردند، گیاهها را می‌بریدند، درختان را از ریشه درمی آوردند و درروی زمین، کانال می کندند. زمین‌های حاصلخیز دره‌ی گنگ، در اثر زیادی رطوبت، محصول‌های گوناگونی می داد.

تصویر ۵۱ یک کانال باستانی در هند که تا زمان ما باقیمانده. در ساحل‌های این کانال رستنی‌های گوناگون هند دیده می‌شود.

هندیان، گذشته از غله، نیشکر و پنبه‌نیز پرورش می دادند. آن ها از پنبه پارچه‌هایی می بافتند که هم محکم بود وهم آنقدر نازك بود که یك پیرهن آن رامی شد از سوراخ حلقه‌ی یك انگشتر ردکرد. کاشتن و پرورش پنبه، از هند به کشور های دیگر هم رفت و رواج پیدا کرد.

هندیان گذشته از گاومیش، فیل‌را نیز اهلی کردند. در واقع، آن‌ها حیوانات خیلی بزرگ (عظیم‌الجثه) رامجبور کردند که از انسان اطاعت کند

وکارهای سنگین را برای اوانجـام دهد،درخت‌ها را از جا بکند ونیز آدم‌وبار حمل کند.فیل ها درجنگ نیز شـرکت می کـردند.آن ها یاد گرفته بودندکه چگونه سربازان دشمن را بـا خرطوم بگیرند،با دندان خود به او ضربه بزنند وزیر لگد او را له کنند.

کم کم،هندیان، باکار پـی گیر خـود،طبیعت ثروتمند سرزمین خودراکه خطرات زیادی نیزبرای آن ها دربـرداشت،رام کـردند.

۵- چگونه دولت درهند تشکیل شد

سر انجام، نتایج اصلی کار مردم هند به چنگ «راجه‌ها» و ریش سفیدان افتاد.آن‌ها ازکشاورزان می‌خواستندکه قسمتی از محصول و همچنین بچه‌های دام‌ها رابه‌آنهابدهند. راجه‌ها وریش سفیدان، اسیران را به برده تبدیل کردند، یعنی‌آن‌ها را مجبورمی کردندکه زمین را از بوته‌ها پاك کنند وآن را شخم بزنند. اجه‌ها و ریش سفیدان به برده‌دار تبدیل شدند.آن‌ها برای اینکه بتوانند برده‌ها وکشاورزان را مجبور به اطاعت کنند، برای خود، گروه سربازان مسلح جمع می کردند.

گروه سربازان مسلح، کم کم به ارتش دایمی تبدیل شد.

آن دسته ازنوکران راجه که مواظب برده‌ها بودند، به نگهبان یا مراقب تبدیل‌شدند.

نوکرانی که از کشاورزان غله و دام برای راجه می‌گرفتند، به مأمور یا مالیات بگیر تبدیل شدند.

خود راجه‌ها هم پادشاه شدند.

بدین ترتیب در هزاره‌ی اول قبل از میلاد، در هند دولتی تشکیل شد که دارای پادشاهان، ارتش، مأموران و نگهبانان بود.

برده داران به خوبی می‌فهمیدند که وجود دولت برای حفظ ثروت و زندگی آن‌ها لازم است. آن‌ها می‌گفتند: «اگر پشتیبانی پادشاه نباشد، ثروتمندان دچار مرگ و تعقیب خواهند شد».

پرسش و تمرین:

۱ـ کدامیک از شرایط طبیعی هند سبب توسعه‌ی اقتصاد[۲] آن کشور، در دوران باستان گردید؟ سختی زندگی در هند باستان در چه چیزی بود؟

۲ـ کدام دسته از مردم را کوچ‌نشین و کدام دسته از آن‌ها را بومی‌نشین می‌گویند؟

۳ـ کار در روی آهن (ساخته و پرداخته کردن آن) چه تأثیری در زندگی مردم داشت؟

۴ـ هندیان باستان، چه پیشرفت‌هایی در اقتصاد به‌دست آوردند؟

۵ـ چرا در هند، دولت تشکیل شد؟ چه کسانی علاقمند به‌تشکیل دولت بودند؟

---

۱. توسعه‌ی اقتصادی، به‌طور کلی یعنی بالا رفتن سطح تولید جامعه مترجم.

بند ۱۹

اعتقادات مذهبی و فرهنگ[1] هندیان باستان

به یاد بیاورید که نقش مذهب در مصرباستان (بند۱۱) و بابل (تصویر ۴۴ و بند ۱۷، ماده‌ی ۵) چه بود.

۱. داستانی درباره‌ی آفرینش انسان

طبیعت هند و پیدایش نا برابری درمیان هندیان، در مذهب آنان نیز منعکس شده.

---

۱. فرهنگ هرجامعه عبارت است از مجموع تمام ساخته‌های مادی و معنوی آن جامعه. فرهنگ به‌دو بخش تقسیم می‌شود: فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی. فرهنگ مادی عبارت است از وسایل تولید به‌اضافه‌ی تمام اشیایی که جامعه می‌سازد. فرهنگ معنوی عبارت است از علم، هنر، مذهب، سنت و سازمان‌های اجتماعی. در اینجا بیشتر منظور فرهنگ معنوی است ـ مترجم.

هندیان باستان، خدای رعد و برق ، خدای خورشید و بسیاری خدایان دیگر را می‌پرستیدند . آنان خدای برهما را سازنده‌ی جهان و انسان می‌دانستند. کاهنان هند، برهمن نامیده می‌شدند.

برهمن‌ها به مردم تعلیم می‌دادند که خدا انسان را از قسمت‌های مختلف بدن خود خلق کرده. اواز لبان خودش، برهمن‌ها را خلق کرده، بدینجهت آن‌ها می‌توانند درباره‌ی نام‌های خدایان حرف بزنند. برهما، ازدست‌های خودش سربازان وازران‌های خودش کشاورزان وصنعتگران و ازپاهای خودش که گل آن را چزك و کثیف کـرده بود، «شودرا» ها یا نوکرها را خلق کرده. بدین ترتیب برهمن‌ها به مردم می آموختند که خداخودش مردم رابه‌چهار کاست(گروه)تقسیم کرده واین چهارکاست‌از نظر کار و وظیفه‌ای که باید انجام دهند، با یکدیگر تفاوت دارند.

هر کس باید در تمام زندگیش درهمان کاستی باقی بماند که خدای برهما برایش تعیین کرده. بچه‌های او نیز باید درهمان کاست باقی بمانند: پسر برهمن، برهمن به دنیا می آمد وپسر شودرا، شود را به دنیا می آمد.

۲. قوانین برهمن‌ها

برهمن‌ها می‌گفتند که خدابرای مردم قانونی گذاشته(وضع کرده) که افراد هر کاست باید به کارخود بپردازند و چنانکه باید رفتار کنند. (قانون‌هایی را که پیوست بند ۱۹ است بخوانید و به پرسش‌ها جواب بدهید.)

زندگی شود راها خیلی سخت بود، با این حال، وضع «غیرقابل لمس‌ها»، که جزو هیچیك از کاست‌های اصلی نبودند، از آن‌ها هم سخت‌تر وتحقیرآمیزتر بود. تصور می‌شد که حتی اگر کسی به آنها دست بزند، خودش هم نجس می‌شود. بچه‌های اشخاص غیرقابل لمس هم از روزتولد نجس و نا پاك بودند. غیرقابل لمس‌ها می‌بایست بدترین کارها را، مانندجمع کردن کثافت و کندن پوست از لاشه‌ی حیوانات، انجام بدهند.

در همان دوران باستان هم، درهند، بودند کسانی که می‌فهمیدند، تقسیم مردم به کاست‌ها چقدرغیرعادلانه است. آن‌هاهمچنین می‌دیدند که مذهب با تأییدکردن این بی عدالتی، چه صدمه‌های بزرگی به مردم هند می‌زند. این اشخاص با شجاعت می‌گفتند: «خدا وجود ندارد و تمام کسانی که درباره‌ی اوحرف می‌زنند، دروغگو هستند». با این حال، دردوران باستان، بیشترمردم به خدایان اعتقادداشتند وجرأت نمی‌کردند که با بی عدالتی، که به وسیله‌ی خود خدایان برقرارشده بود، مبارزه کنند.

۳. خط وریاضیات در هند باستان

تحصیل کردن برای شودراها وغیرقابل لمس‌ها بسیارسخت‌بود.

با وجود این، در هندباستان، آدم‌های با سواد کم نبودند. هندیان خطی اختراع کردند که فقط درحدود ۵۰ علامت (حرف) داشت. هر علامتی، یك صدای جداگانه را معین می‌کرد. بدینجهت یادگرفتن سواد در هند، بی اندازه آسان تر ازمصر و بابل بود.

هندیان باستان باکمك ده رقم (۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹)، چنان حساب آسان و بسیارمناسبی اختراع کردند که هم اکنون هم، تقریباً درتمام دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. ما این رقم‌ها[1] را، ارقام عربی می‌نامیم، چون اروپاییان آن را ازعرب ها یادگرفته‌اند. اما خود عرب ها این رقم‌هارا هندی می‌نامند.

۴. ادبیات هند باستان

درهندباستان، ادبیات پرباری از ترانه، داستان وافسانه‌وجودداشت. درآغاز هزاره اول قبل ازمیلاد، مردم هند، ترانه‌های زیادی در

---

۱. منظور رقم‌های 0 ´1 ´2 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9 است مترجم.

باره‌ی دلاوری پهلوانـان ساختند. درمیانه‌ی هزاره‌ی اول قبل ازمیلاد، از این‌ترانه‌ها، منظومه[1] بزرگی‌به وجودآمد.(چکیده‌ی مطالب‌این‌منظومه درپیوست بند ۱۹ شرح داده شده.)

در افسانه‌های هندباستان ، حرص و ولع ، حماقت و چاپلوسی مسخره شده. دریکی ازاین افسانه‌ها،حکایت‌شده که کلاغی روی‌شاخه‌ی درختی نشسته بود وغذایی درنوك داشت . شغال حیله‌گرشروع کرد به تعریف کردن‌ازصدای کلاغ کلاغ‌احمق،قارقار کرد وغذا ازنوکش‌افتاد.

۵ . معماری و مجسمه سازی در هندباستان

پرستشگاههایی که ازهندباستان بـه جای مانده ، نشان می‌دهد ، که هندیان در آن‌زمان مهارت زیادی درمعماری[2] به دست‌آورده بوده‌اند.

برخی از این پرستشگاهها در داخل صخره (خرسنگ) ساخته شده. هندیان برای ساختن پرستشگاهها،غارهای‌بزرگی در درون سنگ کنده‌اند. آنها دیوارهای غارها را چنان صیقل داده‌اند، که سنگ مانند آینه می‌درخشد . سایر پرستشگاههای باستانی به صورت برج‌های بلند است (تصویر ۵۲).

---

۱. منظومه، یعنی داستانی که به‌شعر باشد ـ مترجم.

۲. معماری، یعنی هنر ساختن و آراستن ساختمان.

تصویر ۵۲
پرستشگاه هندی در قرن پنجم پیش از میلاد. (ببینید، در کجای متن کتاب در پاره‌ی چنین پرستشگاهها - یی صحبت شده.)

هندیان باستان ، پرستشگاهها ، کاخ‌ها ومیدان‌های شهرها را با مجسمه‌های خدایان، آدم‌ها وحیوانات می آراستند. دروازه‌ی‌پرستشگاه (تصویر ۵۳) ، نمونه‌ی برجسته‌ای از هنر مجسمه سازی است . این مجسمه‌ها، نمودار کاملی از طبیعت رنگ به رنگ وثروتمند هند است: هم‌گیاهان ونباتات‌آن وهم حیواناتش .

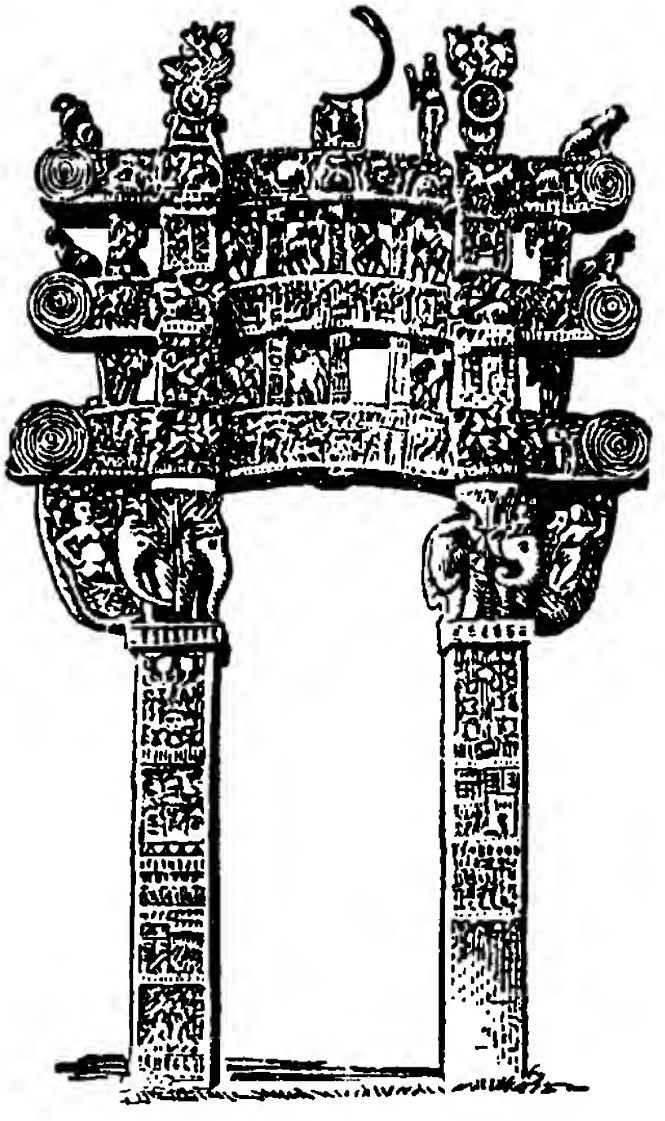

تصویر ۵۳ - دروازه‌ی پرستشگاه، مربوط به‌قرن اول پیش از میلاد. دروازه‌ای است که از سنگ تراشیده شده و توری شکل(مشبک) به‌نظر می‌رسد. این دروازه با پیکره‌های (مجسمه‌های) زیادی از انسان، حیوان ورستنی‌ها آراسته شده.

مجسمه‌ی چهارشیری (تصویر ۵۴)که بر روی ستون بلندی‌که با دقت صیقل شده، قرار دارد، بسیار استادانه ساخته شده.

تصویر ۵۴ ـ قسمت بالای یک ستون سنگی که مربوط به‌قرن سوم قبل از میلاد است. بلندی این ستون به پنجاه متر می‌رسد. در بالای آن، مجسمه‌ی چهار شیر قرار دارد. در حال حاضر، تصویر این مجسمه، نشان رسمی جمهوری هند است.

هند، زادگاه بازی شطرنج است. مهره‌های شطرنج، ارتش هندباستان رانشان می‌دهند . در پیشاپیش سیاه ، پیاده نظام (سرباز پیاده) ایستاده است. درمرکز سپاه، شاه وسرکرده‌های جنگی عمده قرار دارند . در کنارآن‌ها، فیل‌ها و پشت سرآن‌ها سواره نظام است.

خلق هند، در دوران باستان، فرهنگ‌عظیمی(خط، علم وهنر)به وجودآورد . بسیاری ازآنچه راکه هندیان به وجود آورده بودند، مورد استفاده‌ی خلق‌های دیگر جهان نیز قرار گرفت .

* * *

بخشی از قوانین برهمن‌ها

(بر اساس متن قانون‌ها، ثابت کنید که در هند باستان، مذهب، نابرابری بین مردم را محکم و استوار می‌کرده. برهمن‌ها، به جز مذهب، ازچه‌وسایل

دیگری برای محکم و استوارکردن فرمانروایی خود، استفاده می‌کردند ؟ وضع زنان، طبق قانون برهمن‌ها چگونه بود؟)

برهمن چون ازبهترین قسمت بدن خـدا درست شده، بنابراین آقای تمام جهان است. برهمنان هر چیزی راکـه بخواهند، باید بدون ذره‌ای دریغ به‌آن‌ها داد.

تنهاشغلی که خدابرای شودراها تعیین کرده، این‌است که‌تاهنگام مرگ به‌کاست‌های بالا خدمت کنند.

خدا،پادشاه وسربازان رابرای‌حفظ کردن‌تمام‌جهان درست کرد. در دهان شود رایی که با لحن توهین‌آمیزی بزرگان را صداکند ، باید میله‌ی داغ آهنی فروکرد. دردهان وگوش شودرایی که‌بابرهمن‌درشتی کند، بنا به دستورپادشاه، باید روغن داغ درحال جوش ریخت.

شودرایی که بخواهد با دست ویا با چوب به برهمن بزند، باید دستش را برید و اگر بخواهد با خشم لگد بزند،باید پایش رابرید.

برهمن را به جای اعدام‌کردن، فقط باید سرش را تراشید.

سه‌کس مالك چیزی بـه حساب نمی‌آید : زن ، پسر وبرده.این اشخاص خودبه هرکس متعلق باشند، دارائیشان هم مال او است .

* * *

منظومه‌ی هند باستانی «ماهاب‌ها راتا»

(شرح مختصر)

در منظومـه ، ازمبارزه‌ی بین دو خانواده‌ی راجه‌ی خویشاوند ،

برای به دست‌آوردن حکومت ، حکایت شده . پنج بـرادر خانواده‌ی « پانداو » ، از مدت ها پیش ، پدرشان را از دست داده بودند . عمو (دایی) وپسرعموها (پسر دایی‌هـا)یشان آن‌ها را از زادگاهشان بیرون کردند . پانداوها ، وقتی که بزرگ شدند . ،به پهلوانان نیرومندی تبدیل شدند . پادشاه‌کشور همسایه اعلام کرد که دخترش را به‌کسی شوهرخواهد داد که تیربه‌چشم‌ماهی کوچك طلایی‌بی‌بزند که ازدرخت آویزان است. درجلو ماهی کوچك هم، چرخ‌پره داری‌درحال‌چرخیدن بود . ازسراسر هند ، جوانان را برای مسابقه گـرد آوردند . یکی از برادران پانداو، توانست تیر را به چشم ماهی کوچك بزند و در نتیجه او با شاهدخت عروسی کرد .

پانداوها دارایی خود را به دست‌آوردند ، اما برادربزرگ‌آن‌ها، درقماربا طاس، بازنده شد ونه تنها تمام دارایی خود را، بلکه خودش، برادرانش وشاهدخت را نیز بـاخت. تمام‌آن‌ها به بـرده تبدیل شدند. شاهدخت را به دستور صاحب جدیدش، تاکاخ ، با موی سر، بر زمین کشیدند .

بعداً، برادرهاآزاد شدند، اما نتوانستند راه امنی‌برای‌بازگشت به سر زمین خودشان پیداکنند.

بین پانداوها و پسر عموهای (پسر دایی‌های)آن‌ها ،جنگ مرگ و زندگی‌آغاز شد. دشمن اصلی پانداوهاگفت: یا«من‌آن‌ها را شکست می‌دهم وبر دنیا حکومت خواهم‌کـرد ، یاآن‌ها پس از مرگ من ، بر

دنیا حکومت‌خواهند کرد». یك طرف جنگ‌را قبایلی تشکیل می‌دادند، که طرفدار پانداوها بودندوطرف دیگرطرفداردشمنان پانداوها بودند. جنگ بین آنها ۱۸ روز طول کشید .

در این منظومه، بـا بیان بی اندازه رسایی جریان جنگ شرح داده شده: توده‌های بزرگ مردم سخت نبرد می کردند، درحالی که هر دو طرف همه چیز را به جز آرزوی کشتن دشمن ، از یاد برده بودند . تیرها در هوا با تیرهای دشمن برخورد می کرد .کالسکه‌ها با هم‌تصادف می کردند. فیل‌ها، ضربه می‌خوردند. مانند ابرسیاه ، سرنگون می‌شدند و دیوانه وار دندان به هم می‌سابیدند . بـه نظر می‌رسید که پرندگان ، در زمین، سواره‌ها را حمل می کنند و مارها در هوا تیرها را می‌برند. آنگاه زمین ازجسدهای کشته شدگان ولاشه‌های زخمی‌هایی که به وجود آورندگان این نبرد وحشتناك را لعنت می کردند، پوشیده شد.

برتری در نبردگـاهی نصیب این طرف می‌شد ، گـاهی نصیب طرف دیگر . تا اینکه، سر انجام پانداوها پیروز شدند . آن ها پادشاه شدند و زمین‌ها را تاکنار خود دریا تصرف کردند .

منظومه‌ها ، افسانه‌ها و داستان‌های هندیان باستان در تمام جهان مشهور است. داستان «نال و دامایانتی» راکه در «ماهاب‌ها راتا»آمده است، و. آ. ژوکوفسکی شاعر به روسی‌ترجمه کرده .

پرسش و تمرین:

چگونه در هند دولت‌ها تشکیل شدند؟ برهمن‌ها درباره‌ی تشکیل دولت چه می‌گفتند؟

۲ـ داستانی درباره‌ی کاست‌ها بنویسید. چرا در نظام جماعتی نخستین، کاست‌ها نمی‌توانستند به‌وجود بیایند؟

۳ـ چرا در هند، برای مبارزه با ستم، می‌بایست با مذهب مبارزه کرد؟

۴ـ کدامیک از ساخته‌های مردم هند باستان را ما هم اکنون مورد استفاده قرار می‌دهیم؟

فصل پنجم

چین باستان

بند ۲۰

بر قرار شدن برده داری در چین باستان

۱ـ طبیعت چین دردوران باستان

درجنوب شرقی آسیا ،یکی‌از بزرگترین کشورهای جهان ،به‌نام چین قراردارد .طبیعت چین بسیار رنگارنگ است .

درچین شرقی(خاوری)،درسواحل اقیانوس ،دشت وسیع چین قرار دارد .دراین دشت رودهای«هوآن هه» و «یانت سزی»جریان دارد .هر دو این رودها ازکوههای دور دستی که در غرب قرار دارند ،

سرچشمه می گیرند .

رود «هو آنه» ،هنگام خشکسالی کم آب می شود ، ولی پس از باریدن باران طغیان می کند ودهها وحتی صدها کیلومتر از دشت‌های اطراف را غرق در آب می نماید .

ساحل های رود هو آن ه از خاك زردی تشکیل شده ،که چیزی شبیه شـن سبك وفشرده‌ی زرد رنگ است . آب به‌آسانـی‌خاك زرد را می شوید وبا خود می برد . بدینجهت ،درهنگام طغیان ،ساحل‌هاخراب می شوند. این رود بارها وبارها بستر خود را عوض کرده : یعنی پـس از طغیان ،رود در بستر جدیدی جاری شده که گاهی از محل سابق آن ، فاصله ی زیادی داشته .

معمولا اگرمقدار رطوبت کافی باشد ،خاك زرد ،خیلی‌حاصلخیز است .

درچین ،درساحل‌های اقیانوس ،باران قابل توجهی می بارد .

هرچه از دریا دورتر شویم وبه طرف غرب برویم ، مقدارباران کمتر می گـردد . درقسمت غرب چین . بیشتر ،خشکسالی‌های سخت روی می دهد .

در دوران باستان،ساحل‌های رود هو آنه ،پر از دشت وجنگل بود ودرقسمت پایین رودخانه نیز مرداب های زیادی قرارداشت .

در ساحل های رود«یانت سـزی»هم ، زمین حاصلخیز بود . در دوران باستان ،ساحل‌های یانت سزی پوشیده از جنگل‌های انبوه بود .

درغرب چین ،فلات‌های‌بلندی قراردارد .این فلات‌ها را،سلسله

کوههای پراز سنگ و صخره (خـر سنگ) و پرتگاههای عمیقی از یکدیگر جدا می کند .در دوران باستان ، در این فلات ها ، بیابان ها و دشت‌های خشك و بی آبی قرار داشت که به درد کشاورزی نمی خورد . راههایی‌هم که از کوهها و بیابان‌ها می گذشت ،بسیارسخت‌و خطرناك بود.

۲ـ کار و پیشه‌ی چینیان در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد

کشاورزان بـاستان ، درزمین هـایی که در قسمت وسط و پایین رودخانه‌ی هو آن هه قرار داشت و بدون جنگل بود ساکن شدند .

باوجودحاصلخیزی‌خاك،زندگی‌دردشت بزرگ‌چین بسیارسخت بود .درهنگام خشکسالی ،تمام محصول‌ازبین می رفت .تازه ،بسیاری از بدبختی‌ها را طغیان رود هو آن هه به همراه می‌آورد .هنگام‌طغیان، برخی‌روستاها،به‌طور کامل‌ویران می شدند و آدم هاودام هادر آب غرق می شدند .پس از طغیان :دشت به یك بیابان شبیه می شد .چینیان ،هو آن هه را«رود سرگردان»، «مصیبت چین» و«رودخانه‌ی هزار بدبختی» می نامیدند .

کشاورزانی که ازطغیان جـان سالم به در می‌بـردند ، به جاهای ویران شده برمی‌گشتند وازسرما وبدی هوا، به‌گودال‌هایی‌پناه می‌بردند که روی‌آن را با شاخه پوشانده بودند. آن‌ها با تلاش و پشتکار شدید

خود، سد می‌ساختند و کانال می‌کندند. آن‌ها، بیشتر با ابزار سنگی و استخوانی کار می‌کردند.

تصویر ۵۵ تولید ابریشم در چین. (این تصویر کار خود چینیان باستان است.) زن‌ها دارند رشته‌های نازک نخ ابرایشم را می‌ریسند.

درهزاره‌ی دوم‌قبل ازمیلاد، چینیان به‌کاشتن‌گندم، ارزن، برنج، تره بار و به پرورش دام پرداختند. آن‌ها کرم ابریشم‌نیزپرورش می‌دادند و از رشته‌های‌نازك ابریشم، پارچه‌های محکم وزیبایی‌بافتند. صنعتگران، مس‌کاری و برنز کاری می‌کردند وظرف‌های‌سنگی می‌ساختند. مهارت زیاد صنعتگران چین، از روی چیزهایی که ساخته‌اندمعلوم‌می‌شود.

تصویر ۵۶ ظرف‌های برنزی و سنگی چین در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد.

۳. باستانی‌ترین دولت درچین

در ساحل‌های رود هوآن هــه ، باستان شناسان ،گورها یی پیدا کرده‌اندکه مربوط به هزاره‌ی دوم قبل ازمیلاداست .

در برخی از این‌گورهــا فقط یك جسد قرار داشت‌که درحصیر پیچیده شده بود و درکنارآن نیزطرفی با غذاگذاشته بودند .

گورهای دیگری‌نیزبودکه برای‌آن‌گودالهای‌بزرگی کنده‌بودند. در این‌گودال ها ، یك‌خانه‌ی‌کامل با سالنی‌بـزرگ‌ساخته بودند . در درون سالن، تابوتی‌گذاشته بودندکه جسد مرده، در درون‌آن بود. در اطراف تابوت ابزارهای برنزی گران قیمت ،اشیایـی از طـلا وظرف هایی از سنگ و برنزکنده‌کاری شده قرار داشت . همراه مرده ،دهها و

گاهی صدها نفر آدم را دفن کرده بودند ،برای اینکه ،به اصطلاح به روح مرده خدمت کنند وهمچنین آن را محافظت نمایند .برخی از این آدم‌ها را قبل از دفن کردن سربریده بودند وبرخی دیگر را همانطور زنده دفن کرده بودند . در گور ، اسب های کشته شده‌ای نیز گذاشته بودند .

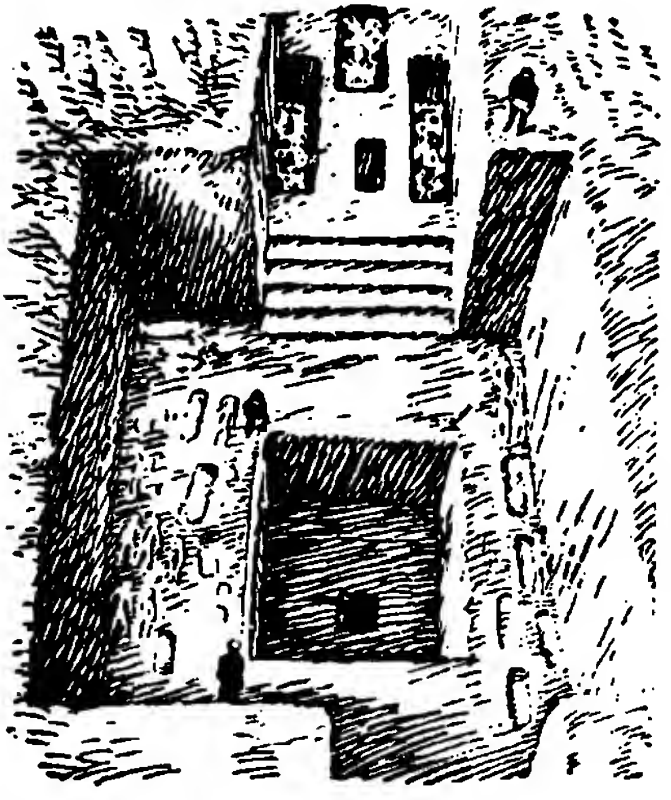

گور یک پادشاه چینی، مربوط به‌هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، که از زیر خاک پیدا شده.
در وسط گور، گودالی قرار دارد که تابوت پادشاه را درون آن گذاشته بودند ، در اطراف گودال ، اسکلت‌های کسانی دیده می‌شود که همراه پادشاه دفن شده‌اند. کمی دورتر از گودال اسکلت چند اسب دیده می‌شود.

در این گورها ،پادشاهان دفن شده بودند (تصویر ۶۷) .

یافته‌های باستان شناسان نشان می دهد که درهزاره‌ی دوم قبل از میلاد،درمیان مردم‌دره‌ی‌هو آن هه، نظام برده‌داری تشکیل شده. یادگارهای نوشته ای‌نیز ،تأیید می کند که درهزاره‌ی‌دوم قبل ازمیلاد ،باستانی‌ترین دولت برده‌دار درچین ،بوجود آمده .

درباستانی ترین دولت برده دارچین ،رسم‌های بی‌رحمانه‌ای

وجود داشته .وحشت دایمی مردم از خشکسالی وطغیان رود،سبب‌شده بودکه‌آن ها به خدایان بدکار باد و باران اعتقاد پیداکنند . آنها بـرای خدایان ،برده ها را قربانی می‌کردند ،یعنی آنها را زنده می‌سوزاندند ویابه رودخانه می‌انداختند .نوشته‌هایی از آن زمان ها باقی مانده‌که در زمان خشکسالی نوشته شده: «برده‌ای را می‌سوزانیم تا برزمین باران ببارد».

درآن قسمت‌از چین‌که درآن ،زودتر از جاهای دیگرکشاورزی ودامداری توسعه وتکامل پیداکرده ،دولت برده‌دار نیز زودتربه وجود آمده .

پرسش و تمرین:

۱ـ مردم چین باستان، در مبارزه با طبیعت، چه دشواری‌هایی را از میان برداشتند؟ این دشواریها چگونه در مذهب چینیان باستان منعکس شده بود؟

۲ـ بین کار و پیشه‌ی چینیان باستان و کار پیشه‌ی مصریان باستان چه همانندی‌هایی وجود داشت؟ چه تفاوت‌هایی وجود داشت؟

۳ـ فکرکنیدکه چرا نظام برده‌داری در چین، ابتدا در آن ایالت‌هایی برقرار شدکه کشاورزی و دامداری زودتر تکامل پیداکرده بود؟

براساس یافته‌های باستانشناسان، چگونه می‌توان درباره‌ی تشکیل نظام برده‌داری در چین قضاوت کرد؟

بند ۲۱

متحد شدن چین در زیرفرمان یك دولت

۱ . اقتصاد چین در هزاره‌ی اول قبل از میلاد

کشاورزان چین باستان اگر چه برای کشتزارهایشان، از خدا تقاضای باران می‌کردند، ولی باز بیشتر امیدشان به‌کار خودشان بود. (به«بخشی از ترانه‌ی کشاورزان چین» در چند صفحه بعد: نگاه کنید.)

درقرن ششم قبل ازمیلاد ، چینیان شروع به آهنکاری (ساختن‌و پرداختن‌آهن)کردند . باابزارآهنی، کارتند ترازابزارسنگی‌واستخوانی انجام می گرفت

تصویر ۵۸. بیل‌آهنی که به‌وسیله‌ی باستان‌شناسان، در چین پیدا شده.

درآغازعصرما (درنخستین سالهای میلادی) ، چینیان درساحل های رود هـوآن هه وشاخه های آن سد هایی به طول صدها کیلومتر

ساختند .[1] آن ها شبکه‌ی بزرگی از کانال های آبیاری ، دردشت کندند. طول برخی ازکانال‌ها بیش از ۱۰۰ کیلو متربود . چینیان با کمك این کانال ها ، ازکشتزارهایی که دور از رودخانه قـرارداشت نیزمحصول خوبی برمی‌داشتند.

دردشت بزرگ چین ، همه‌جا روستاهایی دیده می‌شدکه کشتزار و باغ دورآن راگرفته بود. درچین، شهرهای بزرگی نیزبه وجود آمد که دهها وحتی صدها هزارنفرجمعیت داشت .

برای اولین‌بار درجهان، چینیان ذغال سنگ راکشف کردند واز آن درکوره برای سوخت استفاده کردند .

۲ـ تشکیل دولت یگانه‌ی چین در قرن سوم‌پیش ازمیلاد

باتکامل کشاورزی وصنعت درچین، در ایالت هایی که دور از رودخانه‌ی هوان هه قرار داشتند، دولت تشکیل گردید .

در میانه‌ی هزاره‌ی اول‌قبل‌ازمیلاد، درچین سه پادشاهی بزرگ وجود داشت. دربین این‌پادشاهی‌ها، جنگ‌های طولانی وبیرحمانه‌ای

تا همین اواخر، رودهوان‌هه، به‌ویژه هنگامی که آب آن زیاد بالا می‌آمد، سدهایی راکه ساحل‌ها را محفوظ نگـاه مـی‌داشت، خـراب مـی‌کرد و آب آن، دشت را فرا می‌گرفت. با برقراری حـکومت جدید چین در سال ۱۹۴۹، کارهای بزرگی به‌وسیله‌ی دولت انجام گرفت، که برای همیشه، «رود هزار بدبختی» را رام و مطیع ساخت.

برای دست‌اندازی بر تمام کشور، درگرفت.

پادشاهی سین (تسین) از دو پادشاهی دیگری که باهم دشمنی می‌کردند، برکنار بود، بدینجهت کمتر از جنگ ها صدمه دید و درقرن سوم قبل‌از میلاد به نیرومندترین وثروتمندترین دولت در چین تبدیل شد. پادشاهی سین(تسین)، ارتش پرعده‌ای گردآورد و آن را به شمشیرها ونیزه‌های آهنی مسلح کرد. با شمشیر آهنی، در هنگام جنگ، می‌شد شمشیر برنزی را قطع کرد.

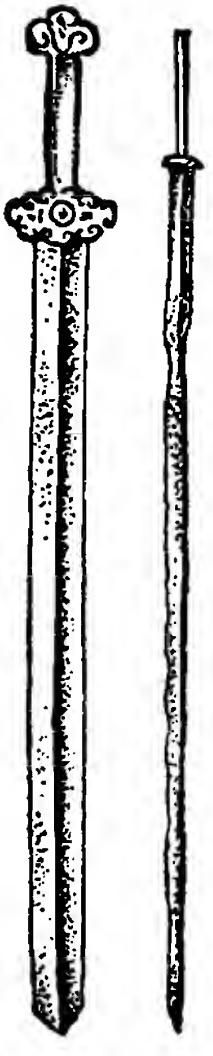

تصویر۵۹. شمشیرهای برنزی وآهنی چینی.

پادشاه سین که گاهی زور به‌کارمی‌برد و گاهی هم حیله، یکی پس ازدیگری ایالت‌هارا تصرف می‌کرد و به‌سرزمین خودش می‌پیوست. **درسال ۲۲۱قبل ازمیلاد** اوتقریباً تمامی سرزمین چین راتصرف کرده بود. دولت بزرگی درزیرفرمانروایی اوتشکیل گردید.

او خود را «**سین شی هواندی**» یعنی «**پادشاه سین**»می‌نامید.

سین‌شی هوآندی تعداد زیادی مأموربرای اداره دولت خود، تعیین کرد. مأموران از میان کشاورزان مالیات جمع می‌کردند و نیز بردگان و کشاورزان را برای ساختن راهها قلعه‌ها وکاخ های پادشاهی به زور گردآوری می‌کردند. فقط برای ساختن کاخ اصلی سین‌شی‌هوآندی، ۷۰۰هزار نفرکار کرده‌اند.

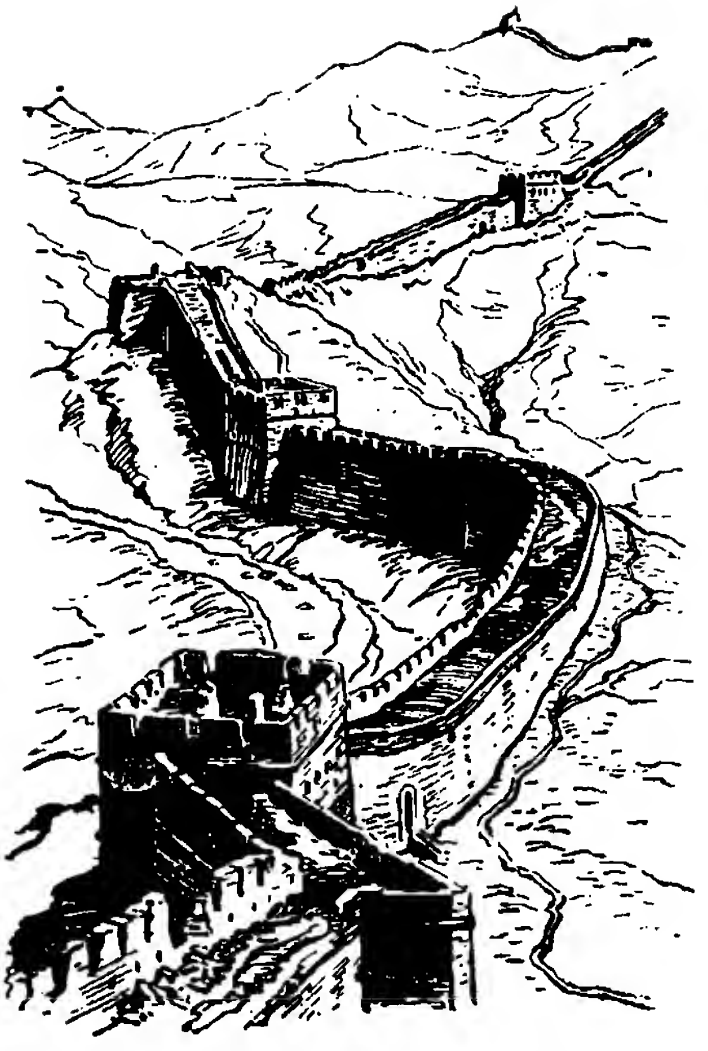

تصویر ۶۰ دیوار بزرگ چین. (ببینید، در کجای کتاب در باره‌ی این دیوار و ساختمان آن صحبت شده.)

۳- دیوار بزرگ چین

دردشت‌های شمال غربی چین ،قبایل جنگجوی کوچ نشینی زندگی‌می کردندکه تعدادآن ها بسیار زیاد بود .این قبایل اغلب،حمله‌های‌ویران

کننده‌ای به شهرها وروستاهای چین می کردند .

مدت‌ها پیش از وحدت چین ،پادشاهی های جداگانه‌ی این سرزمین ،قلعه‌هایی برای دفاع از مرزهای خود درمقابل حمله‌های کوچ نشینان می‌ساختند .با تشکیل پادشاهی یگانه درچین ،کارهای بزرگی برای دفاع از چین ،درمقابل «هون های »کوچ نشین آغاز گردید . درحدود دو میلیون نفر درمرزکشور به زورگرد آوری شدند .این‌عده شروع به ساختن آجر ، تراشیدن سنگ و ساختن دیوارهای قلعه و برج کردند .این‌کارها پس از پایان دوران حکومت سین شی هوآندی نیز ادامه پیداکرد .

باکار وزحمت مردم چین ،دیوارقلعه گونه‌ای درامتداد سراسر مرزهای شمالی چین‌ساخته شد .طول این دیواردرحدود ۴۰۰۰ کیلومتر است. پهنای آن نیز به اندازه‌ای است‌که ۶ ـ ۵ نفر سوار می توانند درکنار هم از روی‌آن عبورکنند . این‌بنا،**دیوار بزرگ چین** نامیده شده(تصویر ۶۰) .

۴ـ راه بزرگ ابریشم

ساختن دیوار بزرگ چین به ایجاد راه بزرگی از چین به سوی غرب کمک کرد .این راه از جنوب دیوار چین می‌گذشت و درنتیجه ، از حمله‌های کوچ نشینان درامان بود .ادامه‌ی این راه از سرزمین‌های

آسیای مرکزی (بیابانها وفلات های سنگلاخ) می‌گذشت . به منظور تأمین آب برای کاروانها ،چاههای گودی درطول راه ،درمیان بیابان زده بودند .از قرن دوم پیش از میلاد ، رفت وآمدکاروانهای شتر و الاغهای سنگین‌بار از چین ، از طریق‌این راه آغاز شد .این راه را ، **راه بزرگ ابریشم** نامیدند، زیراکه از طریق آن ،از چین ابریشم می بردند :ابریشم درتمام جهان ،بسیارگران قیمت بود .

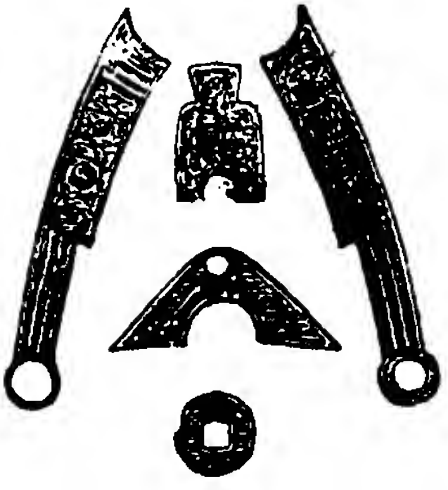

سکه‌های چینی مربوط به‌قرن‌های ۳ـ قبل از میلاد.

کم‌کم ، بین چین با هند ومیاندورود واز طریق میاندورود با کشور هایی‌که درساحل‌های دریای مدیترانه(دریای وسط زمین)قرار داشتند ،روابطی برقرارشد .

درآغاز عصرما(درآغاز سال‌های میلادی) ،خلق چین ،پیروزی های بزرگی درمبارزه باطبیعت کشورخود وهمچنین درتوسعه‌ی‌اقتصاد[1] کشور خود به بدست آورد .

---

۱. توسعه‌ی اقتصادی را قبلاً (در ص ۱۵۷) تعریف کرده‌ایم مترجم.

کار خلق ،«رود سرگردان»را رام ساخت ،بیابان‌های بی حاصل‌را به‌کشتزارها و باغ‌های سبز وخرم‌تبدیل کرد ودرمیان کوههایی‌که قبلا غیرقابل عبور پنداشته می‌شد ،راهی ایجاد نمود .

*

بخشی از ترانه‌ی‌کشاورزان چین

به جای ابر ،بیل برمی‌دارم ،
و به جای باران،کانالی می کنم.
دراینجا من ،هم آب وهم‌کود خواهم داشت ،
وگندم های من قد خواهدکشید .

پرسش و تمرین:

۱ـ مردم چین، چه موقعیت‌هایی در هزاره‌ی اول قبل از میلاد بدست آوردند؟

۲ـ در روی نقشه‌ی همراه کتاب، سرزمین دولت چین را در قرن دوم قبل از میلاد پیدا کنید؟

۳ـ با استفاده از متن، تصویرها و نقشه‌های این کتاب، دیوار بزرگ چین را تشریح کنید.

۴ـ چند سال قبل، دولت یگانه، در چین تشکیل شد؟

با توجه به‌اینکه سین شی هوآندی ۱۱ سال پادشاه دولت یگانه‌ی چین بوده، بگویید که او تا چه سالی حکومت کرده.

بند۲۲

قیام‌های مردم درچین

۱. وضع کشاورزان و برده‌ها

مردم چین، در دوران باستان، با کار پر زحمت خود، ثروت‌های بزرگی به وجود آوردند. اما حکمفرمایی برده داران، که با تشکیل دولتی نیرومند، محکم و استوار شده بود، نمی‌گذاشت که مردم از حاصل کار خود استفاده کنند.

همزمانان[1] آن دوره حکایت می‌کنند که کشاورزان چین چگونه کار می‌کرده‌اند: «هنگامی که کشاورز دارد در رون کشتزار کار می‌کند، بر سرش کلاهی است که از نی بافته شده و بـر تنش نیز شنل زمختی

---

۱. همزمانان یا معاصران، یعنی کسانی که در زمان اتفاق افتادن وقـایع نوشته شده، زندگی می‌کرده‌اند.

است. بدنش راآب فرا می‌گیرد وپاهایش درگل است. گرمای سوزان موها وپوست بدنش را می‌سوزاند . بی نهایت به جسم او فشار وارد می‌شود » .

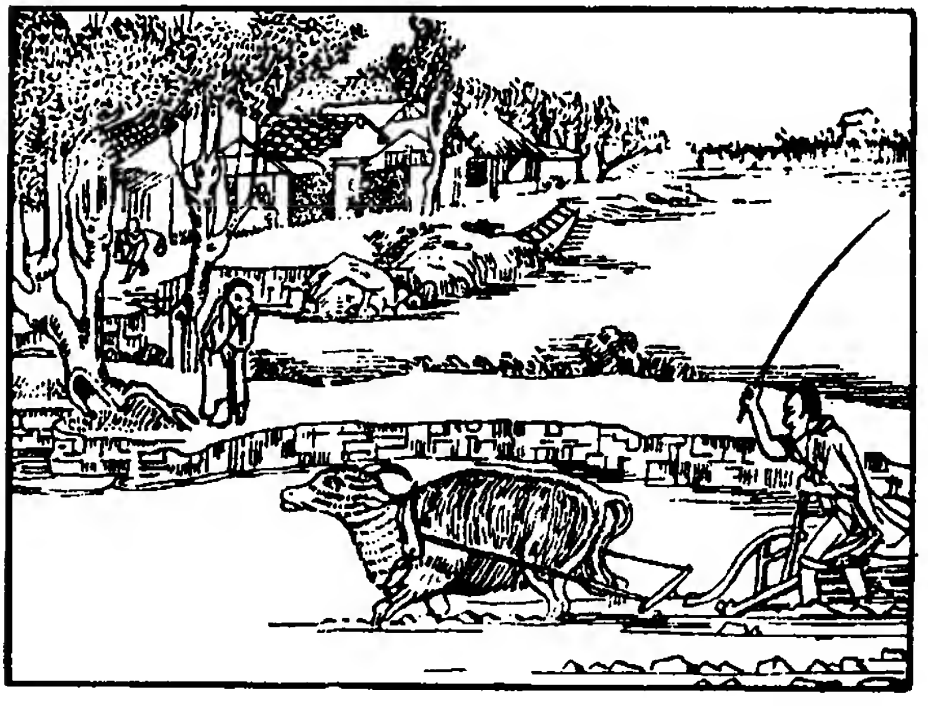

تصویر ۶۲
شخم زدن کشتزار برنج در چین (تصویر کار خود چینیان باستان است).
کشتزار را پر از آب کرده‌اند، زیرا برنج برای روییدن نیاز به‌آب فراوان دارد.
(ببینید، در کجای دربارهی چنین کاری صحبت شده.)

کشاورزان و صنعتگران را سرنوشت وحشتناکی تهدید می کرد، برده شدن . اگر آنهـا نمی‌توانستند مالیات‌ها را بپردازند ، یـا سر موعد بدهی خود را بدهند، هم خـودشان و هم خانواده‌شان بـه برده تبدیل می‌شدند . اغلب اتفاق می‌افتاد کـه کشاورزان وصنعتگران، برای اینکه ازگرسنگی نمیرند ، بچه‌های خودشان را به عنوان برده می‌فروختند . کشاورزان وصنعتگران را حتی به خاطر بی اهمیت‌ترین جرم‌ها دستگیر

می‌کردند و به زندان می‌انداختند و بعداً نه تنها خود آن‌ها بلکه خانواده‌شان را هم به عنوان برده می‌فروختند.

مجسمه‌های کوچکی از چین باستان

معدن‌کن

پشم تاب

دروگری با داس

تصویر ۳

در آغاز عصر ما (سال‌های بعد از میلاد) تعداد برده‌ها در چین به‌مقدار قابل توجهی افزایش یافت. برده داران همانطور که از بازار دام می‌خریدند، همانطور هم برده‌ها را از زندان خریداری می‌کردند. به هنگام لشگرکشی‌های پیروزمندانه به کشورهای همسایه، سربازان تعداد زیادی آدم را اسیر می‌کردند، که این اسیران به برده تبدیل می‌شدند. فقط در یکی از لشگرکشی‌ها، سربازان ۲۰۰ هزار اسیر با خود آوردند.

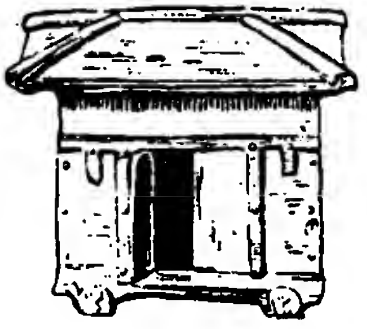

تصویر ۶۵
کلبه‌ی یکی از بی‌چیزان چین‌باستان.
(تصویری گلی از زیر خاک پیدا شده.)

درتمام‌راههای چین ، برده‌هایی را می‌شد دیدکه با زنجیر بسته شده بودند ولباس‌های ژنده بـه تن داشتند ، وآنان را داشتند به پیش می‌راندند، یا اینکه،آن‌ها را مانندجانوران ، با قفس حمل می‌کردند . سر برده‌ها را می‌تراشیدند و بر روی صورتشان داغ می‌گذاشتند.

۲. زندگی برده داران

ثروتی‌که باکارکشاورزان وبرده‌هابه وجود می‌آمد، به وسیله‌ی برده داران تصرف می‌شد . نویسندگـان چین باستان درباره‌ی زندگی برده داران درقرن دوم قبل ازمیلاد نوشته‌اندکه:«کشتزارهای‌پرحاصل آن‌ها، تمام زمین‌ها را فراگرفته است، غلام‌هـا وکنیزهای‌آن‌ها سر به هزارها می‌زند. برده‌هایی‌که ازمیان محکوم شده‌ها به بردگی‌گرفته‌اند، ده‌ها هزار نفرند . اشیای‌گـرانبهای‌آن‌ها ، در خانه‌های بزرگشان جای نمی‌گیرد . خلاصه ، گاوها ، گوسفندها وخوک‌های‌آن‌ها درکوه و دره

نمی‌گنجد. آن‌ها، خواننده‌ها و نوازندگان زیادی دارند. شراب هلی‌خود را نمی‌توانند بنوشند و خراب می‌شود. گوشت‌ها را نمی‌توانند بخورند و درنتیجه می‌گندد».

تصویر ۶۵
خانه‌ی یکی از ثروتمندان چین باستان: (تصویری گلی که از خاک پیدا شده.)

ثروتمندترین برده داران، خود پادشاه بود. فقط در معدن‌هایی که به او تعلق داشت، ۷۰ هزار برده کار می‌کرد.

۳. مبارزه‌ی کشاورزان و برده‌ها با ستمگران

کشاورزان و برده‌ها از ستمگران نفرت داشتند و به درستی آن‌ها را «موش‌های صحرایی» می‌نامیدند، که «وجدان ندارند و غله‌ی دیگران را با حرص و ولع می‌خورند». برده‌ها و کشاورزان به جنگل‌ها و کوهها

می‌گریختند. آن‌ها به صورت دسته‌هایی گرد می‌آمدند و به مأموران و برده داران حمله می‌کردند. با وجود اینکه، برده‌داران نا فرمانان را بیرحمانه سرکوب می‌کردند، کشاورزان و برده‌ها بارها قیام کردند.

یکی ازقیام‌های بزرگ چین درقرن اول پیش ازمیلاداتفاق‌افتاد. این قیام‌را، قیام «ابرو قرمزها» می‌نامند. (داستان این قیام راکه از روی‌گفته‌هـای‌تاریخ نگاران چین باستان تهیه شده، پس از ماده‌ی ۵ همین بند خواهید خواند.) قیام بزرگ دیگر، درقرن دوم پیش ازمیلاد رخ داد.

۴.قیام «نوارهای زرد»

در پایان قرن‌دوم پیش‌ازمیلاد، درچین‌مخفیانه، قیامی‌درحال تدارك بـود. رهبران ایـن قیام سه برادران **چـانگ** بودنـد. آن‌ها ازمردم می‌خواستندکه پادشاه را سرنگون‌کنند. برادران‌چانگ، طرفدارانی‌در معادن، کارگاهها و روستاها داشتند. در همه جا، مخفیانه، دسته‌هایی تشکیل می‌شدکه می‌بایست به طور همزمان، همه با هم شروع به قیام کنند. سال۱۸۴ قبل ازمیلاد فرارسید. تـدارك قیام داشت بـه پایان می‌رسید. دراین‌موقع‌یك نفرخائن: نقشه‌ی‌آن را فاش کرد. درعرض‌یك هفته، بیش از هزار نفر از طـرفداران برادران چانگ راگرفتند واعدام

کردند . آنگاه برادر بزرگ(چانگ)دستور دادکه به سرعت قیام شروع شود .

قیام،با سرعتی غیرعادی ایالت‌های مرکزی کشور را فراگرفت . صدها هزار کشاورز وبرده به طورهمزمان‌قیام کردند. آنها، دههادسته‌ی بزرگ تشکیل دادند.قیام‌کنندگان . شهرها راگرفتند،دارایی ثروتمندان راتصرف کردند،زندانیان‌را اززندان رها کردند وبرده‌ها راآزادساختند. آنها به دورسر خود نوارزرد رنگی می‌بستند .از این رو قیام ،به نام قیام«**نوارهای زرد**» نامیده شد .

برده داران نیز ،نیروهای عظیمی‌گردآوردند . آنها تمام پسران مأموران‌وسرکرده‌های‌جنگی‌وتمام نوکران وخدمتکارانی‌راکه‌وفادارتر بودند ،گردآوردند. خود برده‌داران سردستگی‌دسته‌های تشکیل شده‌را به عهده‌گرفتند .

۵ـ شکست قیام «نوارهای زرد»

تقریباً درهمه جای چین نبرد بی رحمانه آغاز گردید .حتی دشمنان قیام‌کنندگان نیزبه مردانگی‌آنان اعتراف کرده‌اند .با این حال، قیام‌کنندگان نیروهای خود را متحد ویکپارچه نکردند وهر دسته‌ای خودش جداگانه عمل می‌کرد .گذشته از این ،آن ها ،نه اسلحه‌هایی

به خوبی اسلحه‌های ارتش پادشاهی دراختیار داشتند و نه سرکرده‌هایی به‌کاردانی سرکرده‌های ارتش پادشاهی .

ارتش پادشاهی ، به طور ناگهانی ،به اردوی قیام‌کنندگان حمله کرد و آن‌ها را به طرف مرداب ها ورودخانه عقب راند .درنتیجه ۵۰ هزارنفرغرق‌شدند . درنبرد دیگری ۱۰۰ هزارکشاورز وبرده قتل عام شدند .سرکرده‌ی ارتش‌پادشاهی،دستورداد که سرهای‌آن‌ها را ببرند و ازکله‌های‌آن‌ها برج بلندی بسازند .دسته‌های اصلی«نوارهای زرد»یکی بعد از دیگری شکست خوردند .برادران چانگ در مبارزه کشته شدند .

سرکوبی‌شکست خوردگان‌بسیاروحشتناك بود.پیروزشوندگان، همه‌ی‌کسانی راکه‌گمان می‌کردند ،نسبت‌به قیام‌احساس علاقه‌کرده‌اند، اعدام می‌کردند .آن‌ها حتی به زنان و کودکان نیز رحم نمی‌کردند .

با توجه به اینکه نیروهای اساسی«نوارهای زرد» شکست‌خورد وسرکرده های‌آن‌ها نابود شدند ،قیام بیش از ۲۰ سال ادامه یافت .در نقاط مختلف‌کشور ،دسته‌های جدیدی ازکشاورزان وبرده‌ها به وجود می‌آمدند .ارتش پادشاهی ،فقط پس‌از نبردهای بسیار زیاد واعدام‌های بیرحمانه ،توانست قیام را سرکوب‌کند .

هرچندکه قیام‌های مردمی ،درچین باستان ،دچارشکست شد ، با این حال ،این قیام‌های تأثیر زیادی درزندگی مردم‌کشور داشت .

پس از قیام «نوارهای زرد» ، وضع‌کشاورزان ، صنعتگران و برده‌ها درچین ،کمی بهتر شد .قیام‌آنچنان دولت چین را ضعیف‌کرد

که این دولت به چند پادشاهی کوچك تجزیه شد .

*

قیام «ابرو قرمزها»

(از روی آثار تاریخ نگاران چین باستان)

در آن زمانها ،قحطی وگرسنگی بزرگی روی داد .قیام کنندگان مانند دسته‌های زنبور ظاهر شدند.«فان چون»فردی‌شجاع‌بود و توده‌های مردم به طرف او کشیده شدند .فان چون وطرفدارانش ،درحالی‌که برای جنگ آماده می‌شدند ،ابروهای خود را به رنگ قرمز درآوردند تا از سپاهیان پادشاه قابل تشخیص باشند .

«ابرو قرمزها» درحدود ده‌ها هزارنفربودند .سپاهی که برای مقابله باآن‌ها فرستاده شده بود ،توانایی جنگیدن با آن ها را نداشت. تعداد قیام‌کنندگان دمبدم افزایش می‌یافت .

پادشاه نه نفر را به سرکردگی سپاه خود تعین نمود و به آن‌ها لقب «ببر» داد .اواین افراد را دررأس ده هزارسرباز قرارداد .او به‌هر سرباز نیز ۴هزارسکه پول‌بخشید.بااین حال،سپاهیان دلشان‌نمی‌خواست بجگند . شش‌نفر از «ببرها» شکست خوردند و فرار کردند . سه نفر «ببرهای» باقیمانده، سپاه پراکنده شده را برای محافظت پایتخت گردآوردند.

قیام کنندگان از همه طرف به سوی پایتخت هجوم آوردند . پادشاه دستورداد که تمام بزهکاران وجنایکاران را از زندان آزاد کنند.

به آن‌ها اسلحه بدهند و از آن‌ها سپاهی درست کنند . این سپاه، تازه از شهر خارج شده بود که تمام افراد آن فرار کردند .

قیام کنندگان از دروازه‌ی شهر گذشتند و وارد پایتخت شدند . شهر آتش گرفت، درخیابانهایش نبرد آغاز شد. مأموران، پادشاه را به کاخی بردند که درجزیره‌ای واقع درمیان یك برکه، قرار داشت.

قیام کنندگان نیز به‌سرعت به آنجا رفتند، کاخ را محاصره، کردند و با کمان شروع به تیراندازی کردند. دفاع کنندگان از پادشاه، پی درپی ازپا درمی‌آمدند. تیرهای آن‌ها تمام شد و جنگ تن به تن آغاز گردید . قیام کنندگان پادشاه را کشتند وسرش را از تن جدا کردند.

« ابرو قرمزها » نمی‌توانستند از پیروزی خود استفاده کنند . کشاورزان و برده‌ها خیال می‌کردند که تمام بدبختی‌های آن‌ها از این جهت است که پادشاه آدم بدی است و اگر پادشاه عادلی روی کار بیاید ، وضع زندگی آن‌ها خوب خواهد شد . بدینجهت، آن‌ها اجازه دادند که برده داران پادشاه جدیدی بر تخت پادشاهی بنشانند[1].

---

۱. بر تخت پادشاهی (سلطنت) نشستن یعنی پادشاه شدن. از تخت پادشاهی افتادن یا سرنگون شدن، یعنی از مقام پادشاهی برکنار شدن.

پریش و تمرین:

۱ـ شما قبلا، کدام یک از طریقه‌های تبدیل انسان‌های آزاد به‌برده را شناخته بودید؟ در بند ۲۲، چه طریقه‌ی جدیدی را شناختید؟

۲ـ با استفاده از متن کتاب و تصویرهای آن، داستانی درباره زندگی کشاورزانی که به‌برده تبدیل می‌شدند و کشاورزانی که در قیام «ابرو قرمزها» شرکت می‌کردند بسازید.

۳ـ چرا قیام «نوارهای زرد» شکست خورد؟

۴ـ قیام «نوارهای زرد» چه تأثیری در تاریخ چین داشت؟

۵ـ چند سال از یکپارچه شدن چین در زیر فرمان دولتی یگانه، گذشته بود که قیام «نوار زرد» شروع شد؟

بند ۲۳

فرهنگ[1] چین باستان

به‌یاد بیاورید که خط در مصرباسان کی و چگونه پیدا شد (بند ۱۳، ماده‌ی ۵)، چه علومی در مصر و میاندورود باستان به‌وجود آمد، چرا این علوم به‌وجود آمدند (بند ۱۳، ماده‌ی ۳و۴ و بند ۱۷، ماده‌ی ۴).

۱. خط (نوشتن)

مردم چین که کوهها و بیابان‌ها، آن‌ها را از مردم پیشرفته‌تر دنیای باستان جدا می‌کرد، مدت‌های بسیار زیادی با این مردم رابطه‌نداشتند.

---

۱. فرهنگ را در زیر نویس بند ۱۹ (ص ۱۵۸) تعریف کرده‌ایم مترجم.

بدینجهت، در ابتدا ناچار بودند که خودشان به طور کاملا مستقل، خط و علم به وجود بیاورند.

مردم چین ، تقریباً در پیش از هزارسال قبل ازمیلاد برای خود خط به وجودآوردند . علامت‌هایی (حروفی) که آن‌ها برای نوشتن به کار می‌بردند، هیروگلیف بود. پس از اتحاد چین در دولتی یگانه، خط یگانه‌ای نیز به وجودآمد.

هر هیروگلیف یك کلمه کامل را نشان می‌داد. مثلا هیروگلیف به معنی «درخت» بود، دوتا ازاین هیروگلیف‌ها به معنی «جنگل» و سه‌تا از آن‌ها به‌معنی جاهای پردرخت جنگل بود. درخط چینی چندین ده‌هزار هیروگلیف وجود داشت[1] .

چینیان باستان در روی استخوان، ورقه‌هایی (تخته‌ی نازك) از خیزران و تکه‌هایی ازجنس ابریشم می‌نوشتند . آن‌ها با بسته‌هایی از ورقه‌های خیزران چیزی شبیه کتاب درست می کردند. اینگونه «کتاب‌ها» بسیار نا مناسب بود . وقتی دانشمندی می‌خواست به جایی برود ، چند ارابه کتاب خیزرانی با خودش می‌برد . ابریشم نیزگران بود و فقط

۱. در حال حاضر نیز، در چین با خط هیروگلیف می‌نویسند. اشکال عمده‌ای که در تبدیل این خط به‌خط ساده‌تر وجود دارد، این است که، زبان مردم شمال چین با زبان مردم جنوبی چین فرق دارد، در حالی که خط آن‌ها یکی است. یعنی همه‌ی آن‌ها یک روزنامه و یک کتاب را می‌خوانند. در واقع، آن‌ها هیروگلیف را به‌صورت‌های مختلفی می‌خوانند، در صورتی که همه یک معنی از آن می‌فهمند. مثلاً مانند رقم «7» برای انگلیسی زبان‌ها و روسی زبان‌ها که هرکدام، این رقم را به‌یک صورت می‌خوانند، در حالی که هردوی آن‌ها فقط یک معنی از آن می‌فهمند.

برای نوشتن یادداشت های خیلی مهم،از آن استفاده می کردند .

در قرن اول قبل از میلاد، چینیان کاغذ را اختراع کردند . آن‌ها ازپارچه‌های کهنه،پوست درخت وخیزران، کاغذساختند. کاغذ،هم‌خیلی ارزان‌تر از ابریشم تهیه می‌شد وهم‌از ورقه‌های خیزران‌خیلی مناسبتر بود. اختراع کاغذ ،تأثیر زیادی در گسترش آموزش‌وپرورش درجهان داشت.

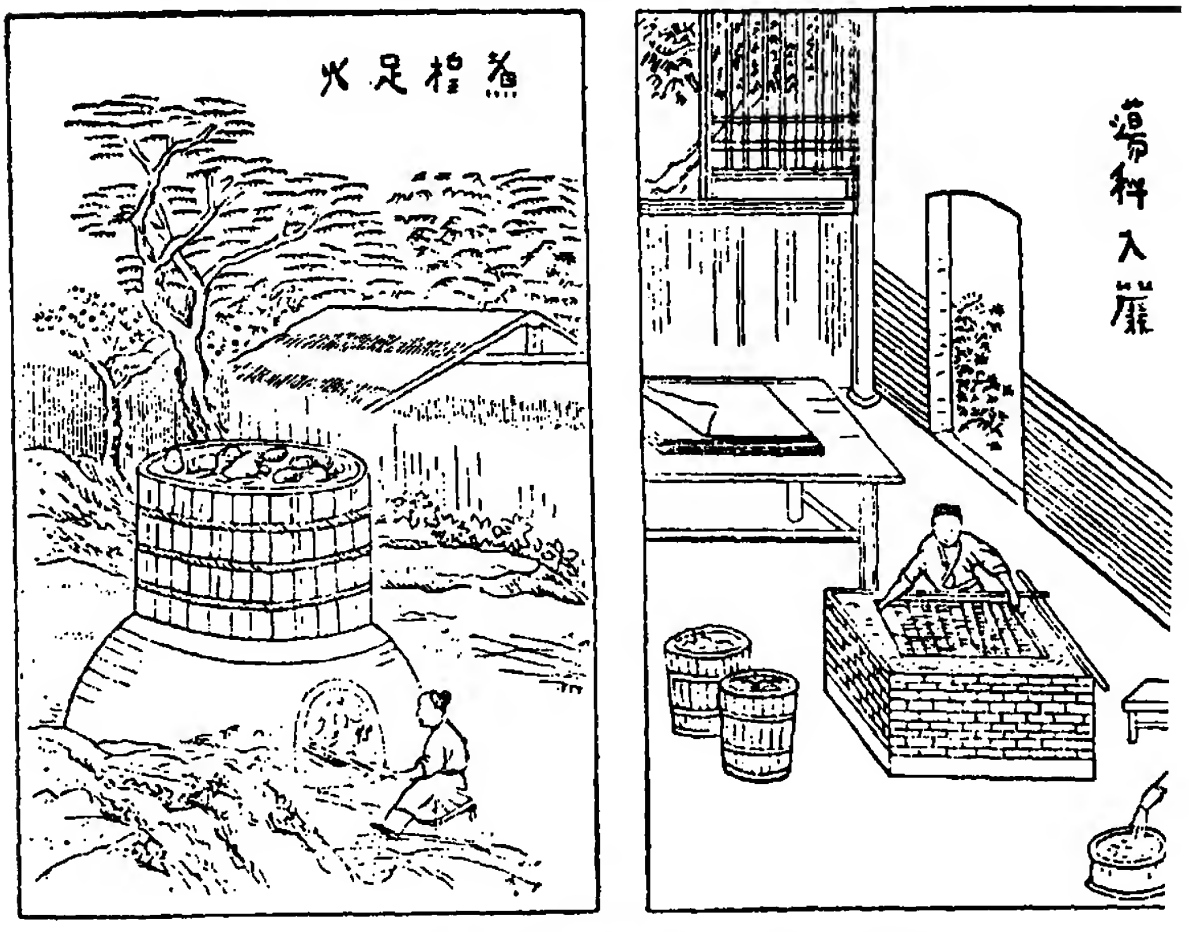

ساختن کاغذ در چین .(این تصویرها کار خود چینیان باستان است .)

در تصویر طرف چپ ،دارند خمیر کاغذ را در دیگ می پزند .

در تصویر طرف راست نشان داده شده که چگونه از خمیر کاغذ که از لوله جاری است ،ورقه‌های کاغذ می‌سازند .

درقسمت بالای تصویر ها ،خط هیروگلیف چینی دیده می‌شود .

با وجوداین ،در دوران باستان ،سواد برای کشاورزان چین ، دست نیافتنی بود .یادگرفتن هیروگلیف ها به سال‌های زیادی وقت نیاز داشت وبدینجهت ،بی چیزان دارائی لازم را برای آموزش بچه‌های خود نداشتند .

۲- دانش‌علمی

دانشمندان چین کتاب‌های بسیاری درباره‌ی ستاره شناسی (نجوم یا آسترانومیا) ،ریاضیات وپزشکی نوشته‌اند .

ستاره شناسی درچین‌نیز مانند کشورهای دنیای باستان،درنتیجه‌ی نظاره‌ی کشاورزان برستارگان آسمان به وجود آمد .

دانشمندان چین که سعی می کردند چگونگی ساختمان جهان را شرح بدهند ،آن را به تخم مرغ بزرگی تشبیه می کردند :

از نظر آن‌ها زمین‌شبیه زرده‌ی تخم مرغ و آسمان شبیه پوسته‌ی آن بود که از داخل ستارگان را به‌آن کوبیده بودند واین پوسته به دور زرده‌ی خود می‌چرخید .

دراثر احتیاج به محاسبه (حساب کردن) در کشاورزی و صنعت ، به هنگام کندن کانال وساختن بنا ،ریاضیات به وجود آمد .

چینیان باستان داروهای زیادی برای معالجه‌ی بیماران وزخمی‌ها

می شناختند .یکی از این داروها چای بود که ،از نظر آن‌ها ،نیروی بیمار را نگهداری می‌کرد .بعدها چای به عنوان یك نوشابه‌ی عمومی مورد مصرف قرار گرفت .

در آثار علمی‌یی که چینیان باستان ،درباره‌ی کشاورزی نوشته‌اند تجربه‌ی هزارساله‌ی کشاورزان چین درشخم زدن زمین ،پرورش گیاهان مفید وپرورش کرم‌ابریشم شرح داده شده .

از اختراعات بسیار عالی چینیان باستان ،**قطب‌نما وابزار ثبت کننده‌ی زلزله** است .

تصویر ۶۷-ابزار ثبت کننده‌ی زلزله، مربوط به‌چین‌باستان در داخل ابزار، میله‌ی متحرکی آویزان بود. در قسمت بیرونی ابزار، مجسمه‌های کوچک چند اژدها (غول افسانه‌ای) قرار داشت که گلوله‌هایی در دهانشان بود. هنگام زلزله، میله تکان می‌خورد و به‌دیواره‌ی ابزار ضربه می‌زد و در نتیجه، گلوله‌ها به‌دهان قورباقه‌هایی که در پایین قرار دارند می‌افتاد.

علم درچین هم ،مانند سایر کشورهای جهان ،درسایه‌ی‌فعالیت پرزحمت خلق به وجودآمد .

۳ ـ هنر درچین باستان

تصویرها، نقش و مجسمه‌های کوچک چین باستان، زندگی طبقات پمختلف مردم را در چین باستان نشان می‌دهد. این یادگارها که برده‌داران را در حال عیش و نوش و صنعتگران، کشاورزان و برده‌ها را در حال کار کردن نشان می‌دهد، ما را با لباس و خانه زندگی ثروتمندان و بی‌چیزان آن زمان آشنا می‌کند.

مردم چین، در عصر باستان تعداد زیادی ترانه، افسانه و آثار ادبی دیگر به‌وجود آورده‌اند. در این آثار، مردم طبقات مختلف نظریات و احساس‌های خود را نشان داده‌اند. (در پیوست بند ۲۳، قطعه هایی از نوشته‌های باستانی چین آورده شده).

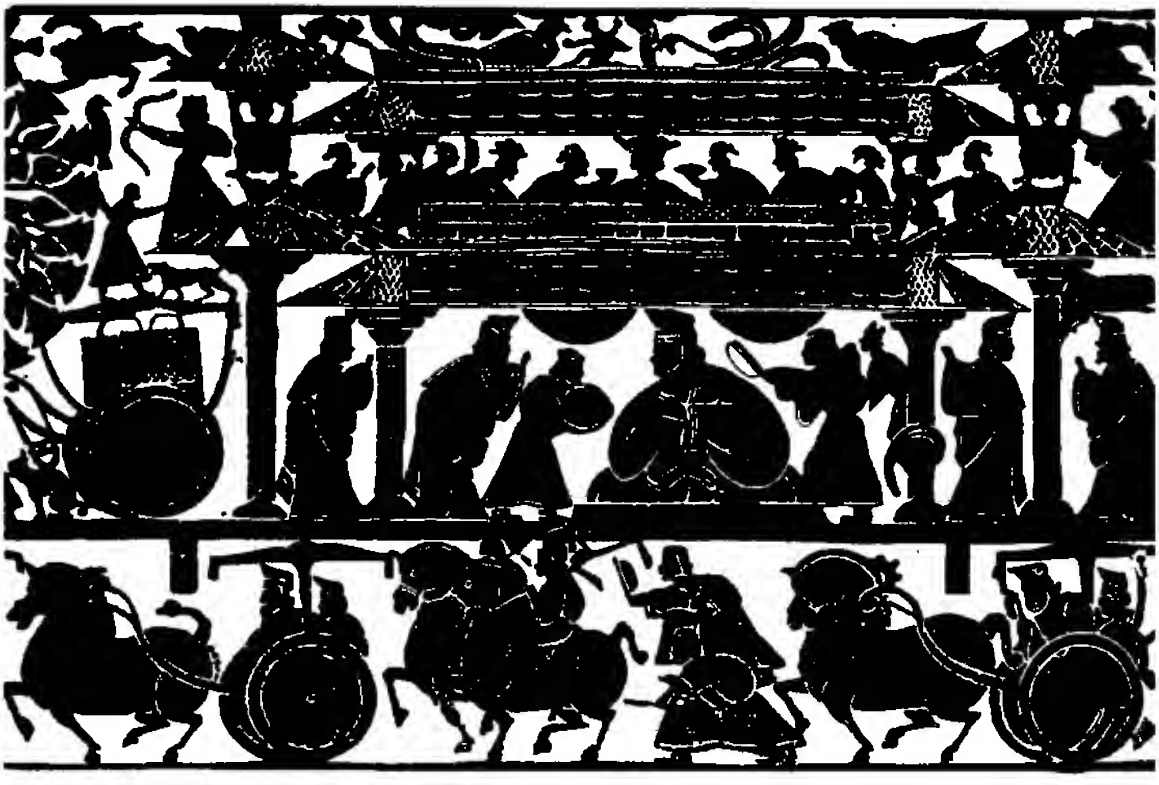

(تصویر ۶۸) مهمانی در کاخ. (این نقش کار خود چینیان‌باستان است.) در قسمت پایین، تصویر عالی‌جناب‌هایی است که همراه سربازان پیاده و سواره خود، دارند به‌کاخ می‌روند. در قسمت وسط میزبانان دارند از مهمانان پذیرایی می‌کنند. در قسمت بالا، نوازندگان و نگهبانان در حال عیش‌ونوش هستند.

۴ ـ روابط فرهنگی چین باکشورهای دیگر

با به‌وجودآمدن راه بزرگ ابریشم، روابط چین باکشورهای دیگر بیشتر و محکمترشد. اکنون دیگر، خلق چین، چیزهای بسیار زیادی ازفرهنگ کشورهای دیگر، به ویژه ازفرهنگ هند اقتباس کرد.

*

بخش‌هایی از آثار نویسندگان چین باستان

نویسندگان هریك از آثار زیر ، نظریات ومنافع کدامیك از طبقات را بیان کرده‌اند ؟چرا شما چنین تصور می‌کنید ؟

یك

درروزگار قدیم ، خدا به جنگجویی دستور داد .
که برچهارگوشه‌ی زمین ما حکمرانی کند .
او برهرگوشه‌ای ریش سفیدی از خاندان . . . برگماشت .
او شاهزاده‌ای جنگجو بود ،
وهمیشه ،درتمام نبردها بردشمنان خود پیروز می‌شد .
سرزمین زیرفرمان شاهزاده راتاهزارلی [1]
کلبه‌های بردگان فرمانبردار او درمیان‌گرفته بود .
او زمین‌های ما را تا خود دریاهاگسترش داد . . .

دو

« آسمان » یعنی «خدا» خودش چیزی نمی‌گوید ،اوکسی را مأمورمی کندکه عقایدش را اعلام نماید .

پادشاه که ازطرف آسمان برای این کارمأمور شده ،عقایدآسمان را می‌داند ،بدینجهت او را پسرآسمان می‌نامند .

پسرآسمان ازآسمان دستور می‌گیرد ،زیردستان او هم از خود او (پسرآسمان) دستورمی‌گیرند .(به یاد بیاورید که درکدام یك از کشورها ،پادشاه می‌گفت که او دستورات خدا را به مردم می‌رساند .)

---

۱. هرلی در حدود نیم کیلومتر است تصحیح کننده‌ی متن روسی شعر.

سه

ای ارباب ،شما نه‌غله‌ای کاشته‌اید ،نه محصولی برداشته‌اید.پس
چرا ،سی میلیون بافه‌ی گندم از مردم می‌گیرید ؟
چرا در کاخ شما ،گاوهای نر پیدا می‌شود ؟
انسان واقعی ،هرگز مانند شمااای اربابان !
نان بیکارگی نمی خورد .

چهار

دریکی ازافسانه‌ها،درباره‌ی طغیانی درچین ،چنین حکایت‌شده:
آب تمام کشوررا فراگرفت ،فقط قله‌های کوهها ازآب بیرون ماند.
عده‌ای از مردم که باقیمانده بودند ،بروی قله‌ها رفتند وجان خود را
نجات دادند .آب تابیش از ده سال فرو ننشست .تا اینکه یك نفربه
نام «یوی» شب وروز به‌کار کردن پرداخت تا کانال‌هایی بکند ونیزبستر
رودخانه‌هاراگودتر کند .درنتیجه،رودها درون ساحل‌های خود رام‌شدند
ومردم به‌دشتی که دیگرازآب خالی‌شده بود فرودآمدند .
دراین افسانه ،که درباره‌ی یوی‌گفته شده ،ازکارمردم چین و
مبارزه‌شان با رود هوآن هه ،ستایش شده . (کدامیك از ترانه‌های چین
باستان را می‌شناسید که درآن ازکارانسان ستایش شده باشد؟ بند۲۱ .)

پرسش و تمرین:

۱ـ مرزهای دولت یگانه‌ی چین راکه در زمان سین‌شی هوآندی به‌وجود آمده نشان بدهید. در کدام قرن این مرزها به‌وجود آمد؟

۲ـ در روی نقشه، راه بزرگ ابریشم را نشان بدهید. این راه چه اهمیتی داشت؟

۳ـ چگونه دشت بزرگ چین، در دوران باستان، در نتیجه‌ی کار مردم چین دگرگون شد؟ در کدامیک از آثار، این کار پر رحمت نشان داده شده؟

۴ـ خط چین به خط کدام یک از خلق‌های باستان بیشتر شباهت داشت.

۵ـ چه علومی در چین‌باستان به‌وجود آمد؟ چرا این علوم به‌وجود آمدند

۶ـ «سال ۱۸۴ قبل از میلاد» و «سال ۲۲۱ قبل از میلاد» در متن کتاب با حروف درشت نوشته شده. این دو سال و وقایع مربوط به‌آن‌ها را یکبار دیگر بخوانید.

نتیجه‌ی بخش «شرق باستان»

منظور از «شرق باستان» چیست؟ «شرق باستان» چه اهمیتی در تاریخ جهان دارد؟

شرق یا خاورباستان آن دسته از کشورهـای آسیا وشمال شـرقی آفریقا رامی‌گویندکه در دوران باستان ،درآن‌ها دولت هـای برده‌دار به وجودآمده.دراین کشورها،زودتر ازسایر کشورهای‌جهان، کشاورزی، دامداری وصنعتگری تکامل وگسترش پیداکرد .

خلق‌های شـرق باستان بسیاری از حیوانات سودمند را اهلـی کردند وپرورش بسیاری ازگیاهان مفید را یادگرفتند .درشرق باستان، صنعتگری ازجمله،کاردرروی فلزات وتولید پارچه ؟تکامل وگسترش زیادی پیداکرد . خلق‌های شرق باستان ، خط (نوشتن) را به وجود آوردند ،اولین سنگ بنای ستاره شناسـی ،پزشکـی وسایر علـوم را گذاشتند وخلاصه تقویم را درست‌کردند .درکشورهای شرق باستان ، آثار برجسته درمجسمه سازی ،معماری وادبیات به وجودآمد .

درشرق باستان ،پایه واساس تکامـل بعدی فرهنگ جهان پـی ریزی شد .

چرا درشرق باستان ،نظام برده داری برقرارشد ؟

دولت مصر دردره‌ی رودخانه‌ی نیل به وجودآمد ،دولت بابل‌در دره‌های فرات ودجله ،دولت هند ، در دره‌ی رود هند ودولت چین در دره‌ی رود هـوآنهـه .دراین دره‌ها ، زمین‌هـایی که به وسیله‌ی طغیان رودها آبیاری می‌شد ، بسیارحاصلخیز بود .با شخم زدن این زمین‌ها ، به وسیله‌ی خیش‌های چوبی ،مسی وحتی به وسیله‌ی ابزارهـای سنگی واستخوانی ،محصول بسیار خوبی به دست می‌آمد . (به یاد بیاورید، که مثلا چه محصول هـایی درمیاندورود جنوبی بدست می‌آمد .) این محصول،فقط به مصرف غذای کسانی که کانال می کندند،سد می‌ساختند وزمین شخم می‌زدند نمی‌رسید ،بلکه مقداری هم ازآن باقی‌می‌ماند .

با این‌حساب ،مجبورکردن دیگران به‌کار،در دره‌های این رود های بزرگ ،زودتر از جاهای دیگر مفید واقع شد .در نتیجه ،دراین سرزمین‌ها ، ابتدا برده کردن‌اسیران وسپس برده کـردن همسایگان بی نوا شده‌آغازگردید وطبقه‌های برده وبرده‌دار به وجودآمد.دردره‌های نیل ،فرات ،دجله ،هند وهوآن هه ،نظام برده‌داری درهزاره‌های چهارم تا دوم قبل از میلاد ،برقرارگردید .

بیشتر جمعیت کشورهای شرق باستان راکشاورزان تشکیل می دادند وکسانی هم که به صنعتگری می‌پرداختند ،بیشتر صنعتگران آزاد بودند .

چگونه درکشورهای شرق باستان ،طبقه‌ی کم‌عده‌ی برده داران فرمانروایی خود را برمیلیون‌ها برده وکشاورز حفظ می کرد ؟

برده‌داران بـرای اینکه فـرمانروایی خـود را بر کشاورزان و بردگان حفظ کنند ، به نیرویی برای سرکوب مقاومـت آنها احتیاج داشتند . این نیرو را فقط دولت می‌توانست ایجاد کند ، که دارای ارتش مأمور ، قاضی وزندان بـود . دولت ، قانونهایی می‌گـذاشت که بـرای زحمت کشان بیرحمانه و برای برده داران سـودمند بـود. بدینجهت ، هنگامی که طبقه‌ها تشکیل گردید ، دولت هـم به وجـود آمـد. مذهب نیز برده‌داران را برای فرمانروایی بر زحمتکشان یاری می کرد .

پرسش و تمرین:

۱ـ در طبیعت مصر، میاندورود، هندوچین چه همانندی‌هایی وجود داشت؟ شما این ضرب‌المثل را چگونه تفسیر می‌کنید. «بچه‌ها از طلاگرانبهاترند، اما آب از بچه‌های گرانبهاتر است»

۲ـ در کار و پیشه‌ی مردم مصر، هند و چین، در دوران باستان، چه همانندی‌هایی وجود داشت؟ چه گیاهان مفیدی به‌وسیله‌ی خلق‌های این کشورها پرورش داده می‌شد؟ آن‌ها تربیت کردن چه حیوانات سودمندی را یاد گرفتند؟ شما چه صنعتگری‌هایی در شرق باستان می‌شناسید؟ چه بناهای عظیمی در شرق باستان می‌شناسید؟

۳ـ چرا در کشورهای شرق‌باستان، نظام برده‌داری به‌وجود آمد؟ نظام برده‌داری چه تفاوتی با نظام جماعتی نخستین داشت. چرا با تشکیل، طبقه‌ها دولت نیز تشکیل گرید؟

۴ـ چه قیام‌های بزرگی از جانب ستمدیدگان، در شرق باستان رخ داد؟ این قیام‌ها در چه سالی اتفاق افتادند؟

۵ـ چگونه مذهب، فرمانروایی برده‌داران را محکم و استوار می‌کرد؟ مثال‌هایی برای این موضوع، از تاریخ مصر، بابل، هندوچین بیاورید. چگونه برده‌داران از هنر برای محکم و استوار کردن فرمانروایی خود استفاده می‌کردند؟

سخنی از مترجم

این کتاب که دو بخش آن («**نظام جماعتی نخستین**» و«**شرق باستان**») ترجمه شد، دو بخش دیگر نیز دارد: **یونان باستان** و **روم باستان**، که آن هم در دست ترجمه است.

در بخش اول کتاب، خواندیم که اولین نظام اجتماعی زندگی انسان، «**نظام جماعتی نخستین بود**»، بعداً این نظام اجتماعی از بین رفت و نظام برده داری جای آن را گرفت.

در نظام جماعتی نخستین، اگرچه همه‌ی مردم با هم مساوی بودند و هر خوب و بدی بود برای همه بود ولی سطح تولید بسیار پایین بود و انسان وسایل کافی برای دفاع از خود و برای محافظت خود نداشت. انسان‌ها همیشه نیمه‌گرسنه بودند و هرگز کاملا سیر نمی‌شدند، یك باد و باران ساده، برای آنها بلایی عظیم بود: قتل و کشتار می‌کرد و خانه و کاشانه‌ی آنها را درهم می ریخت. آنها در مقابل حیوانات درنده هم

نمی‌توانستند به خوبی از خود دفاع کنند واغلب غذای درندگان می شدند . البته زندگی آنها ،درسایه‌ی کارجمعی ،کم کم بهتر می‌شد و آن‌هایی در پی دانایی وتوانایی بیشتری بدست‌می‌آوردند ،ولی‌این‌بهتر شدن حدی داشت ونظام جماعتی نخستین نمی‌توانست انسان را در مقابل طبیعت از آن حد تواناتر کند .درنتیجه نظام برده داری به‌وجود آمد (علت به وجودآمدن‌آن را نویسنده‌ی کتاب خیلی بهترشرح داده، به متن کتاب مراجعه کنید) .

«نظام برده‌داری برای ستمکشان ،رنج وعذاب بسیار زیادی به همراه داشت ،جنگ‌هایی که برای به‌دست‌آوردن برده به راه می افتاد، اغلب سبب ویران شدن‌کامل کشورها وقتل عام مردم می‌شد .» برده داران تا می‌توانستند از برده‌ها کارمی‌کشیدند وازکشاورزان مالیات‌می گرفتند .حال و روزبرده‌ها وکشاورزان بسیار بد وتوانفرسا بود.

«با اینحال ،درنظام برده‌داری ،چون نیروی‌کار زیادی دراختیار برده داران بود ،درنتیجه ،با اینکه‌ابزار تولید هم خیلی ابتدایی بود ، برده‌داران توانستند،به وسیله‌ی این نیروی‌کار،کانال‌ها وسدهای عظیم بسازند،مرداب‌ها وبیابان ها را به‌کشتزار وباغ تبدیل‌کنند، معادن را استخراج‌کنند وکشتی‌های بزرگ بسازند .

ثروتی‌که ازکاربرده‌ها حاصل می‌شد ،به‌برده‌داران امکان می‌داد که‌کاخ وپرستشگاه بسازند وهنرمندان را به ساختن مجسمه ،تصویر و آثارهنری دیگروا دارند.درشرق باستان ،معماری ومجسمه سازی‌تکامل بسیار زیادی پیداکرد وعلم نیز به وجودآمد .

گـذر ازنظام جماعتی نخستین به‌نظام برده داری سبب توسعه‌ی کشاورزی ،صنعت ،بازرگانی وفرهنگ‌گردید ،بدینجهت ،این‌گـذر، گام بزرگی به جلو به‌حساب می‌آید» .

نظام برده‌داری هزاران سال پا برجا بود تا اینکه سـرانجام ،آن هم نابود شد ونظام اجتماعی دیگری جای‌آن راگرفت ،که اگرکسی بخواهد علت وچگونگی‌انجام این جریان را بداند ،باید«تاریخ قرون وسطی» اثر پـروفسورکاسمینسکی یاکتاب‌های مشابه دیگـر را ـ کـه متاسفانه فعلا درزبان فارسی موجود نیست بخواند .

برخی‌می‌گویند،نظام‌های‌اجتماعی یی‌که درشرق‌باستان به وجود آمده ،برده‌داری نبوده وبدون اینکه خود جـواب روشنی بـرای این مسأله داشته باشند ،فقط به تفاوت هایی‌که بین برده‌داری غرب(یونان وروم) وبرده‌داری شرق وجود داشته تکیه می‌کنند وپی درپی حـرف خود را تکرار می‌کنند ،هربارباهیاهوی بیشتر . البته دراینجا ماکاری به‌این موضوع نداریم‌که اینان خود اشتباه می‌کنند ،یا می‌خواهندبرای دیگران اشتباه به وجودآورند .آنچه در اینجا مهم‌است ،این است‌که ریشه‌ی این اشتباه چیست :درمطالعه‌ی تاریخ دو جامعه ،**اگر ما فقط‌به همانندی‌های‌آن‌ها توجه‌کنیم،مطالعه مان ناقص خواهد بود، زیرا اگرچه این‌کاردرآغازکاملا درست وعلمی است وتازمانی کـه ماکلیاتـی درباره‌ی همانندی های‌آن دوجـامعه به دست نیاورده‌ایم باید ادامه یابد ولی پس از به دست‌آمـدن‌کلیات ، اگراین کار ادامه پیداکند ، مانند درجا زدن بیهوده است که هیچ حرکتی به‌جلو ،به همراه نخواهد داشت .ولی اگرمافقط**

به تفاوت‌ها توجه کنیم و همانندی ها را از نظر دور بداریم کارمان به طور کلی ، غیرعلمی و نا درست است . اگر این کار ادامه پیدا کند، درد امان وقایع نگاری و وقایع خوانی بی حاصل و بی ارزش سقوط خواهیم کرد و ذهن خود را بیهوده دچار گیجی و پراکندگی می کنیم . اما ببینیم آیا بین دو جامعه و به طور کلی بین تمام جامعه های بشری همانندی هم وجود دارد ،یا هر آنچه هست فقط تفاوت و اختلاف است. در بین جامعه‌های بشری همانندی‌ها اصل است و تفاوت و اختلاف فرع: اینکه انسان‌های روی زمین همه به صورت جامعه زندگی می کنند ،این خود یك همانندی کلی است .اینکه انسان ابزارساز است ،این هم یك همانندی کلی است که بین تمام جامعه‌های انسانی وجود دارد .اینکه در تمام جامعه‌های بشری زبان به وجود آمده ،در یك مرحله معین تاریخی دین به وجود آمده ،علم ،هنر ،خط وغیره به وجود آمده ،این‌ها همه همانندی‌های جامعه‌های بشری است .تازه این‌ها همانندی‌های خیلی کلی است ،همانندی‌های خیلی کوچك تری هم وجود دارد .حالا ببینید که اگر کسی مثلا علت پیدایش زبان را که در همه‌ی جامعه‌ها یکی است نداند ،مطالعه‌ی او در تاریخ زبان یك ملت ،چقدر احمقانه و خنده‌آور است .

به هر حال وجود نظام‌های اجتماعی هم جزء همانندی های جامعه‌های بشری است . زیرا پیدایش نظام‌های اجتماعی دارای علت‌های عمده و اساسی‌یی است که این علت‌ها در تمام جامعه ها یکی است و شرایط جزئی نمی‌تواند آن‌ها را تغییر دهد .موضوع را روشن

تربیان کنیم ، ببینیم نظام‌های اجتماعی چرا به وجود می‌آیند و چرا از بین می‌روند :

پیدایش نظام جماعتی نخستین دارای علت روشن ومشخصی است :مبارزه با طبیعت .چون‌فرد نمی‌تواند به تنهایی با طبیعت مبارزه کند ،با دیگر همنوعان خود به طور دسته جمعی واشتراکی به مبارزه با آن برمی‌خیزد .اما به طوراشتراکی ودسته جمعی فقط تا حدودی می‌توان این مبارزه با طبیعت را ادامه داد .درنتیجه ،عده‌ای با زور مستقیم عده‌ی دیگررا به‌کار وا می‌دارند (برده‌داری) تا طبیعت را بهتر بتوانند رام کنند .ولی دراثرهمین زور،برده‌ها آگاهتر می‌شوند ودیگر به زورگردن نمی‌نهند ، درنتیجه برده داران مجبورند ظاهرکارراعوض کنند،زوررا به صورتی درآورندکه ظاهرش به شکل زورنباشد . بدین ترتیب نظام‌های دیگراجتماعی به وجود می‌آید ،تا اینکه سرانجام علم وصنعت انسان از طرفی وآگاهی ودانش او از طرف دیگر چنان رشد می‌کندکه دیگراحتیاجی به زورگویی انسانی به انسان دیگرنیست،بلکه این زورگویی مزاحم‌کارهم می‌شود ،یعنی ازمبارزه‌ی وسیعتر باطبیعت جلو می‌گیرد .درنتیجه ،انسان‌های‌آگاه نظام اجتماعی دیگری به وجود می‌آورندکه درآن ، تمام انسان‌ها به طورمتحد و یکپارچه ،با استفاده ازعلم وصنعت‌بسیار پیشرفته‌ی خود ،مبارزه‌ی وسیع وهمه جانبه‌ای را، که درخیال ما هم نمی‌گنجد ،باطبیعت آغاز می‌کنند .این مراحلی‌است که هرجامعه‌باید بگذارند واین‌سیری است‌که همه‌ی‌جامعه‌هاطی کرده‌و خواهندکرد.طی کردن‌این‌سیرتاریخی،همانندی کلی‌تمام‌جامعه‌های‌بشری است .اما تفاوت‌های جامعه‌هابا یکدیگرچه ؟تأثیرمحیط طبیعی یك‌جامعه

یا تأثیر جامعه‌های دیگر بریك جامعه ،می‌تواند ایـن مسیری راکه هر جامعه باید جداگانه طی کند ، تندتر یاکندترنماید ونیز در ظواهر آن تغییراتی به وجودآوردکه این جنبه هم (تفاوت‌های جامعه‌هـا) بایدپس از جنبه‌ی اصلی (همانندی‌های جامعه‌ها) مورد توجه قرارگیرد .

لازم‌به یادآوری است که جامعه‌های بشری هرچه پیش‌تر می‌روند ،همانندی‌هایشان با هم بیشترمی‌شود وتفاوت‌هایشان کمتر .این نکته‌ای است که احتیاج به توضیح بیشتردارد ولی‌متأسفانه جایش‌اینجانیست .

اکنـون ،چـون شما دراین کتاب فقط تاریخ شـرق باستان را خوانده‌اید ، فعلامختصری‌راجع به همانندی‌هـا وتفاوت‌های بین برده داری‌شـرق باستان با برده‌داری یـونان و روم‌باستان ، از زبان خـود نویسنده‌ی کتاب (قسمتی‌ازنتیجه‌ی آخـر کتاب) در اینجا نقل می‌کنیم ، امید است که بعداً بخش‌های مربوط به یونان وروم هم به‌دستتان برسد:

«برده‌داری درروم ،چه تفاوتهایی با برده‌داری درشرق ویونان‌داشت ؟

نظام برده‌داری درهزاره‌ی‌چهارم‌قبل‌از میلاد ، درشـرق باستان به وجودآمد .درشرق ،از برده‌ها ،اغلب برای ساختن سدها ،کانال‌ها ، وسایرکارهای بزرگ استفاده می‌کردند .کاراساسی درشخم زدن زمین راکشاورزان انجام می‌دادند،درصنعتگری (صنعت دستی)هم که،به طور کلی ،صنعتگران‌آزاد به‌کار مشغول بودند .

یونانیان ،سنگین‌تـرین‌کارها را به برده‌ها واگـذار می‌کردند : برده‌هادرمعادن‌کارمی‌کردند ودرکارگاههای‌صنعت‌دستی‌هم‌به‌طوروسیعی

کارشان مورد استفاده قرار می‌گرفت .

بیشترین توسعه را نظام برده‌داری درروم به دست‌آورد .زیـرا کشورگشایی‌های عظیم سبب‌جاری شدن سیل‌عظیم برده‌ها به امپراتوری روم می‌گردید.درنتیجه،کاربرده‌ها جانشین کارافرادغیر برده در کشاورزی وصنعتگری وساختمان‌گردید .برده‌ها درروم آنقدرزیاد بودند ،که برده داران برای سرگرمی‌های خونین[1] خود ازآن‌ها استفاده می‌کردند» .

۱. منظور، نبردهای خونین برده‌ها با یکـدیگر و بـرده‌ها بـا حیوانـات وحشی است که برای تماشا و سرگرمی برده‌داران انجام می‌گرفت ـ مترجم.

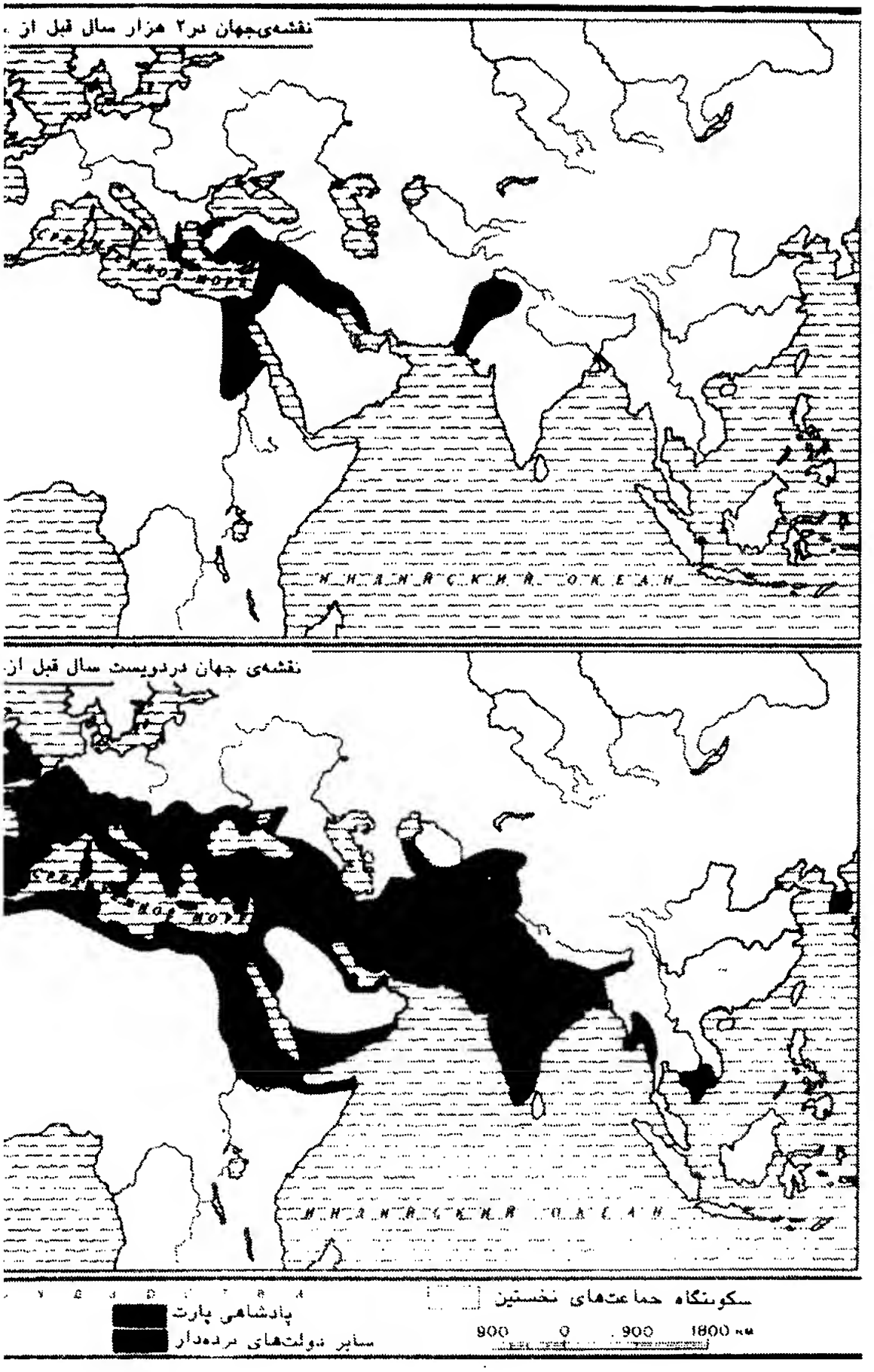
نقشه‌ی جهان در ۲ هزار سال قبل از
نقشه‌ی جهان در دویست سال قبل از
پادشاهی پارت
سایر دولت‌های برده‌دار
سکونتگاه جماعت‌های نخستین
900 0 900 1800 km

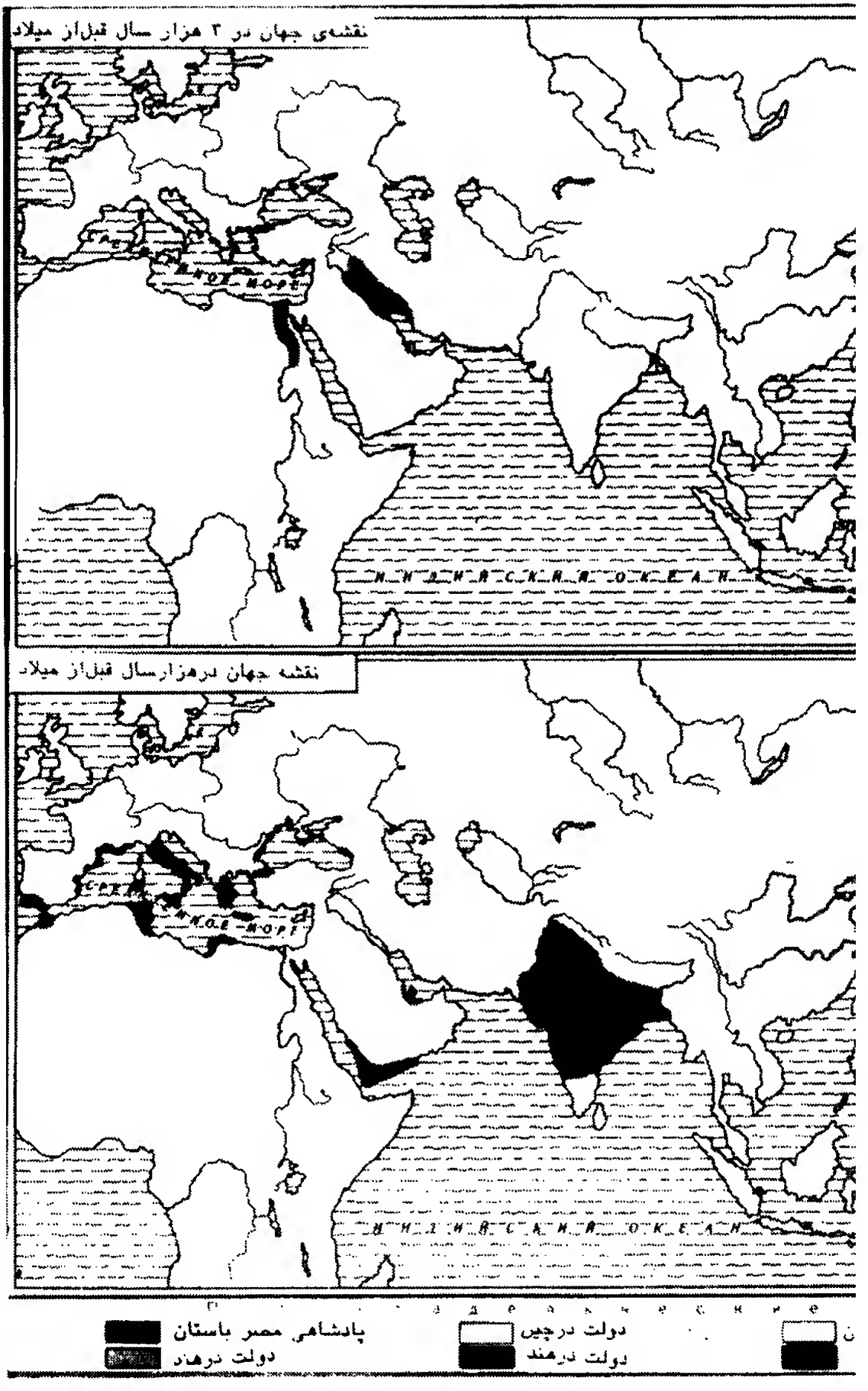
نقشه‌ی جهان در ۳ هزار سال قبل‌از میلاد
نقشه جهان درهزارسال قبل‌از میلاد
پادشاهی مصر باستان
دولت درهند
دولت درچین

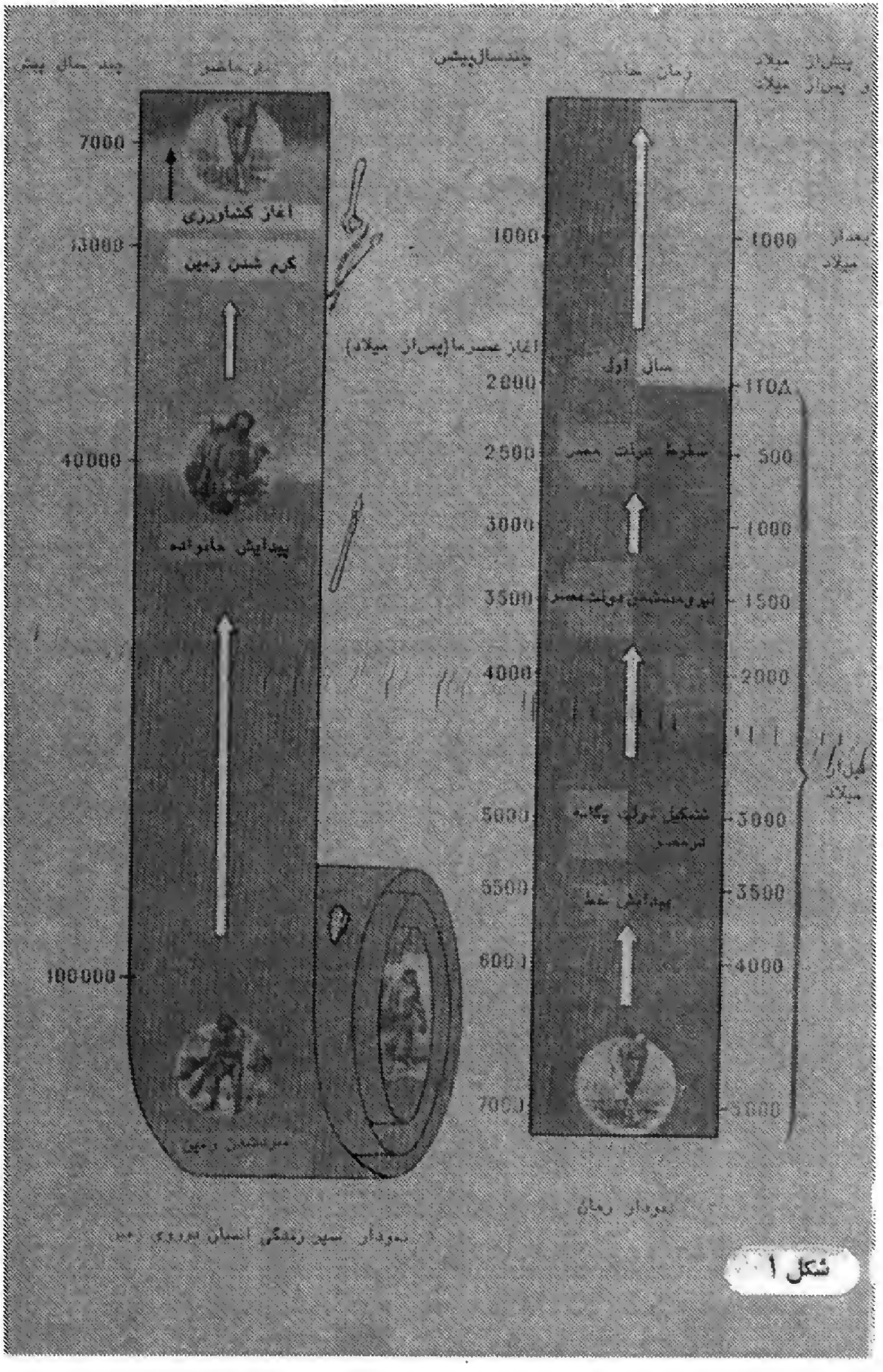

چند سال پیش
زمان حاضر
چندسال پیش
پیش از میلاد و پس از میلاد
7000
13000
40000
100000
آغاز کشاورزی
گرم شدن زمین
پیدایش خانواده
سرد شدن زمین
آغاز عصر ما (پس از میلاد)
1000
2000
2500
3000
3500
4000
5000
5500
6000
7000
سال اول
سقوط دولت مصر
نیرومند شدن دولت مصر
تشکیل دولت یگانه در مصر
پیدایش خط
1000
1100
500
1000
1500
2000
3000
3500
4000
5000
بعد از میلاد
قبل از میلاد
نمودار زمان
نمودار سیر زندگی انسان بر روی زمین

شکل ۱

تصویر رنگی شماره‌ی ۱

نموداری است که سیر زندگی انسان را در روی زمین نشان می‌دهد. این «نمودار» که از پایین به‌بالا است ۱۳۰- ۱۲۰ هزار سال زندگی اخیر انسان را در بردارد. قسمت پیچیده‌ی نمودار که تصویر انسان دیرین در مرکز آن است، زمان‌های پیشین را نشان می‌دهد. شما در روی این نمودار زمان سرمای شدید زمین و زمان تشکیل خانواده را نشان دهید. (حساب کنید که بین سرمای شدید و تشکیل خانواده تقریباً چند سال فاصله وجود داشته.)

شكل ٢

تصویر رنگی شماره‌ی ۲

شهر بابل در قرن چهارم قبل از میلاد. در وسط تصویر، دروازه‌های بزرگ شهر قرار دارد، که از کاشی‌های آبی و نارنجی ساخته شده است. (کاشی صفحه‌ای سفالی است که روی آن براق است) در طرف راست و طرف چپ دروازه‌ها، دیوارهای قلعه قرار دارد. در جلو دروازه‌ها، بازار است. یک نفر عالی حناب دارد با کالسکه به‌شهر نزدیک می‌شود. در داخل شهر، در طرف راست دروازه‌ها، «باغهای آویزان» معروف قرار دارد که به‌دستور پادشاه ساخته شده بودند. برای این باغها، ساختمانهای پلکان‌واری از آجر ساخته بودند. در روی پله‌های ساختمان، خاک می‌پاشیده‌اند و آن درخت و بوته‌ها، می‌نشانده‌اند. ساختمان شبیه تپه‌ای بود که از باغهای سبز پوشیده شده بود. برده‌ها، از پایین ساختمان، برای آب دادن باغها، آب به‌بالا میکشیدند. در عمق تصویر، قسمت بالای یک برج پلکانی هفت طبقه، از دور نمایان است. از این برج، کاهنان، ستاره‌ها را نگاه می‌کردند. در طرف چپ شهر، خانه‌هایی قرار دارد که صنعتگران در آنها زندگی می‌کرده‌اند.

٣٠٧٥٢
٧٩/١١/٨

شكل ٣

تصویر رنگی شماره‌ی ۳

قیام «نوارهای زرد» در چین. قیام‌کنندگان یک نفر عالی‌جناب را که دارد با کالسکه عبور می‌کند و سربازان سواره و پیاده از او محافظت می‌کنند. محاصره کرده‌اند. در طرف راست تصویر ـ قیام‌کنندگان با اسب‌هایی که از املاک ثروتمندان به‌چنگ آورنددارند به‌پیش می‌تازند، در طرف چپ. در کمینگاه، تیراندازان با کمان دیده می‌شوند. بروی نوار کشاورزان به‌خط هیروگلیف. نوشته شده: «سه‌زیا سه‌زی» یعنی «عصر جدید». این عبارت، علامت قرادادی قیام بود. در فاصله‌ای دور (طرف چپ)، دیوار بزرگ چین دیده می‌شود، در طرف راست، املاک برده‌دار ثروتمند قرار دارد.